

دفتر شانزدهم پرسش ها و پاسخ ها «رساله دانشجویی» - قسمت دوم

پرسش 180 . هنگامی که روزه می‌گیرم، به شدت بدنم سست می‌شود و نمی‌توانم کارهایی مثل درس خواندن را انجام دهم، وظیفه من چیست؟
همه مراجع: این گونه ضعف و سستی‌ها تا حدودی لازمه روزه است و برای نوع افراد پیش می‌آید و به جهت آن نمی‌توان روزه را خورد؛ ولی اگر ضعف به قدری باشد که معمولاً نمی‌شود آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد. 1.
تبصره. البته انسان می‌تواند در این شرایط به مسافرت برود (حداقل 22/5 کیلومتر) و روزه خود را بخورد و به وطن برگردد. در این صورت لازم نیست تا مغرب از خوردن و آشامیدن خودداری کند و بعد از ماه رمضان، قضای آن را به جا آورد و کفاره هم ندارد.

فراموشی قضای روزه

پرسش 181 . در ماه رمضان مدتی روزه نگرفته‌ام، اما تعداد روزه‌ها را فراموش کرده‌ام؛ وظیفه‌ام چیست؟
همه مراجع: می‌توانید به مقدار حداقل اکتفا کنید؛ یعنی، هر مقدار از روزه‌ها را که یقین دارید کمتر از آن نبوده، قضا کنید و بیش از آن لازم نیست.

کفاره روزه

پرسش 182 . روزه‌ها را از روی عمد نگرفتم؛ ولی نمی‌دانستم افزون بر قضا، کفاره هم دارد، آیا در این فرض کفاره واجب می‌شود؟
همه مراجع: آری، افزون بر قضای روزه‌ها، باید کفاره نیز بدهید و ناآگاهی از کفاره، باعث سقوط آن نمی‌گردد. 2.

کفاره روزه زن

پرسش 183 . کفاره روزه زن، بر مرد است یا بر زن؟
همه مراجع: کفاره در موارد یاد شده، بر خود زن واجب است و در صورتی که زن درآمد ندارد، کفاره از او ساقط است. 3.

پرسش 184 . کسی که به واسطه بیماری نتوانسته روزه‌های ماه رمضان را بگیرد، اگر چند سال قضای آن را به تأخیر اندازد، تکلیف چیست؟
همه مراجع: اگر بیماری او در میان سال خوب شد، باید روزه‌ها را قضا کند و اگر به سال‌های بعد انداخت، علاوه بر قضای روزه، باید برای هر روز يك مد طعام به فقیر بدهد اما اگر بیماری او تا سال بعد ادامه یافت - به طوری که نمی‌تواند قضا کند - فقط باید برای هر روز يك مد طعام به فقیر بدهد. 4.

جنابت قبل اذان

پرسش 185 . شخص جنبی که در ماه رمضان، قبل از اذان صبح دسترسی به آب ندارد، وظیفه‌اش چیست؟
همه مراجع: اگر تا پیش از اذان صبح به آب دسترسی ندارد، تیمم بدل از غسل کند و روزه او صحیح است. بعد از اذان در صورت دسترسی به آب، برای نماز صبح غسل کند و در غیر این صورت، با تیمم نماز صبح خود را بخواند. 5.

تأخیر غسل جنابت

پرسش 186 . اگر در شب ماه رمضان، جنب شویم و تا نزدیک اذان صبح غسل را به تأخیر اندازیم و سپس تیمم کنیم؛ آیا روزه صحیح است؟

همه مراجع (به جز صافی و وحید): در این فرض (هر چند تأخیر غسل، گناه است)؛ ولی چنانچه قبل از اذان صبح تیمم کنید، روزه تان صحیح است. 6.
آیات عظام صافی و وحید: در این فرض (هر چند تأخیر غسل، گناه است)؛ بنابر احتیاط واجب تیمم کنید و روزه بگیریید و قضای آن را نیز به جا آورید. 7.

جنابت روزه دار

پرسش 187. اگر شخصی بعد از نماز صبح، محتلم شود و تا غروب غسل نکند، آیا اشکالی به روزه او وارد می شود؟

همه مراجع: خیر، لازم نیست فوری غسل کند و روزه او صحیح است؛ ولی برای نماز باید غسل کند. 8.

پرسش 188. چندین سال با حال جنابت، روزه گرفتم و نماز خواندم؛ در حالی که نمی دانستم جنب باید غسل کند، تکلیف چیست؟

آیات عظام امام، بهجت، تبریزی، خامنه ای، مکارم و وحید: نماز و روزه هایی را که در حال جنابت انجام داده اید، باید قضا کنید. 9.

آیات عظام سیستانی، صافی و فاضل: اگر در یاد گرفتن مسائل کوتاهی نکرده اید، روزه ها صحیح است و قضا ندارد؛ ولی نماز هایی را که در حال جنابت خوانده اید، در هر حال باید قضا کنید. 10.

آیه الله نوری: روزه ها صحیح است و قضا ندارد؛ ولی نماز هایی را که در حال جنابت خوانده اید، باید قضا کنید. 11
تبصره. طهارت نسبت به نماز شرط واقعی است؛ از این رو اگر از روی ناآگاهی نیز بدون طهارت نماز بخواند، نمازش باطل است.

فراموشی غسل جنابت

پرسش 189. اگر در ماه رمضان، غسل جنابت را فراموش کنیم و پس از چند روز یادمان بیاید، چه تکلیفی داریم؟ همه مراجع: باید نمازها و روزه آن چند روز را قضا کنید؛ ولی کفاره ندارد. 12.

پرسش 190. کسی که مدتی نماز خوانده و روزه گرفته است و بعد بفهمد جنب بوده، تکلیف او چیست؟ همه مراجع: اگر متوجه اصل جنابت نبوده، روزه های او صحیح است؛ ولی نماز های او قضا دارد. 13.

استمنای روزه دار

پرسش 191. اگر کسی به عمد روزه خود را در ماه مبارک رمضان، به وسیله استمنای باطل کند، چه حکمی دارد؟ همه مراجع (به جز خامنه ای، سیستانی و صافی): علاوه بر قضا، بنابر احتیاط واجب، باید «کفاره جمع» (60 روز روزه و اطعام 60 فقیر) بپردازد. 14.

آیات عظام سیستانی و خامنه ای: علاوه بر قضا، کفاره دارد و بنابر احتیاط مستحب کفاره جمع (60 روز روزه و اطعام 60 فقیر) بپردازد. 15.

آیه الله صافی: علاوه بر قضا، باید کفاره جمع (60 روز روزه و اطعام 60 فقیر) بپردازد. 16.

پرسش 192. در جوانی گاهی در ماه رمضان استمنای می کردم؛ ولی به هیچ وجه از حرمت آن آگاهی نداشتم و نیز نمی دانستم که روزه را باطل می کند، تکلیف من چیست؟

آیات عظام امام، صافی و نوری: اگر جهل به حدی باشد که احتمال باطل شدن روزه را نمی داده اید، کفاره واجب نیست؛ ولی بنابر احتیاط واجب، باید روزه هایی را که با حال جنابت گرفته اید، قضا کنید. 17.

آیات عظام بهجت، خامنه ای و فاضل: اگر جهل به حدی باشد که احتمال باطل شدن روزه را نمی داده اید، کفاره واجب نیست؛ ولی باید روزه هایی را که با حال جنابت گرفته اید، قضا کنید. 18.

آیات عظام تبریزی و وحید: باید روزه هایی را که با حال جنابت گرفته اید، قضا کنید؛ ولی کفاره واجب نیست. 19
آیه الله سیستانی: پرداخت کفاره واجب نیست و اگر جهل به حدی باشد که احتمال باطل شدن روزه را نمی داده اید،

قضای روزه ها نیز واجب نیست. 20.

آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب باید روزه هایی را که با حال جنابت گرفته اید، قضا کنید؛ ولی کفاره واجب نیست. 21.

جهت آگاهی درباره مسائل جنابت و روزه به بخش احکام جنابت مراجعه فرمایید.

مسافرت ماه رمضان

پرسش 193. آیا می‌شود در ماه رمضان مسافرت کرد؟ حکم روزه چگونه است؟
همه مراجع: مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد؛ ولی اگر برای فرار از روزه باشد، مکروه است. 22

پرسش 194. آیا می‌توانیم نذر کنیم که روزه ماه رمضان و یا قضای آن را در سفر به جا آوریم؟
همه مراجع: خیر، این نذر صحیح نیست. 23

احکام اول ماه

رؤیت هلال

پرسش 195. راه‌های ثبوت اول ماه را به طور مختصر بیان کنید؟
اول ماه از چند راه ثابت می‌شود:

1. خود انسان ماه را ببیند؛
 2. دو مرد عادل شهادت بدهند که ماه را دیده‌اند؛
 3. عده‌ای که از گفته آنان یقین پیدا می‌شود، بگویند ماه را دیده‌اند؛
 4. سی روز از اول ماه شعبان بگذرد؛
 5. حاکم شرع (مجتهد جامع شرایط) حکم کند که اول ماه است. 24
- تبصره. آیه‌الله سیستانی و آیه‌الله وحید معتقدند با حکم حاکم اول ماه ثابت نمی‌شود.

اختلاف نظر مراجع

پرسش 196. علت اختلاف نظر مراجع تقلید، در اعلام اول ماه رمضان و عید فطر چیست؟ آیا در گذشته این اختلاف بوده است؟

اختلاف نظر مراجع تقلید در ثبوت اول ماه، امری نیست که تازه به وجود آمده باشد؛ بلکه در گذشته نیز این مسئله، در نزد ایشان مورد فکر و نظر بوده است. عوامل متعددی باعث اختلاف نظر گردیده است که موارد ذیل را می‌توان از مهم‌ترین آنها دانست:

1. اعتبار اتحاد افق؛ عده‌ای بر این باورند که اگر هلال ماه، در نقطه‌ای از کره زمین دیده شود - که افق در آنجا با جاهای دیگر تفاوت داشته باشد ولی در شب مشترک باشند - اول ماه در آن مکان‌ها ثابت می‌شود. در مقابل این نظریه، فقهای هستند که اتحاد در افق را معتبر می‌دانند و معتقدند: اگر هلال ماه در شهری دیده شود که افق آن، با شهر یا کشور دیگر اختلاف داشته باشد، اول ماه از نظر شرعی برای شهر دوم ثابت نمی‌شود. بدیهی است طبق نظر اول به طور معمول، اول ماه یک روز زودتر ثابت می‌شود.
2. اعتبار حکم حاکم؛ حجیت و نفوذ حکم حاکم میان فقیهان، نظری مشهور است؛ ولی برخی از آنان، حکم حاکم را در رؤیت هلال ماه معتبر نمی‌دانند.
3. شهادت بی‌تنبه نزد حاکم؛ گاه مجتهد جامع شرایط، از شهادت کسانی که ماه را دیده‌اند، اطمینان پیدا می‌کنند و بر این اساس ثبوت اول ماه را اعلام می‌دارند. چه بسا ممکن است به جهت فقدان برخی شرایط، برای مجتهد دیگری این اطمینان حاصل نشده باشد.

اختلاف فقیهان در امور یاد شده، به جهت اختلاف در یک سری از مبانی نظری و اصول فکری است که آرا و افکار متفاوتی را برمی‌تابد. نظریه‌پردازی مختلف در ادبیات و اصول فقه، برداشت متفاوت از آیات و روایات و اختلاف نظر در سند احادیث و شناخت روایان، به طور طبیعی موجب تفاوت در بعضی از فتاوا می‌شود.

پرسش 197. شما می‌گویید اگر دو نفر عادل شهادت بدهند کافی است؛ آیا اعلام عید از سوی چند مرجع، به اندازه دو نفر عادل نیست؟

کسی منکر عدالت مرجع تقلید نیست. آنچه گفته شده، آن است که دو نفر عادل، شهادت دهند که خودشان ماه را دیده‌اند؛ ولی مراجع معظم خودشان ماه را نمی‌بینند؛ بلکه از گفته دیگران اطمینان به رؤیت پیدا می‌کنند و این دو جهت با

هم تفاوت می‌کند و شهادت بر شهادت - که شهادت علمی نامیده می‌شود - در این مورد اعتبار شرعی ندارد. 25

پرسش 198 . با توجه به اینکه هر سال در ثبوت اول ماه رمضان، دچار اختلاف می‌شویم، تکلیف شب قدر چه می‌شود؟

برای انجام اعمال شب قدر کافی است هر کس در مسئله رؤیت هلال، به دیدگاه مرجع تقلید خود یا حکم حاکم و یا اطمینان شخصی خود، عمل کند و سه شب را به احیا و شب زنده داری بپردازد در این صورت به طور حتم خداوند او را از ثواب و پاداش معین شده، محروم نمی‌سازد و به احتمال قوی شب قدر را نیز درک می‌کند. برای درک حتمی شب قدر و فیوضات و برکات آن، بهتر است شش شب را احیا نماید تا آن شب بزرگ و با عظمت و مخفی درک گردد. شاهد این امر، روایات منقول از معصوم (علیه السلام) است. 26

پرسش 199 . اگر بین مراجع تقلید در ثبوت عید فطر، اختلاف پیش آید، وظیفه مکلف چیست؟ آیا هر مقلد باید به نظر مرجع تقلید خود مراجعه کند؟

همه مراجع: در ثبوت اول ماه تقلید راه ندارد، بلکه اگر شخص از گفته و اعلام نظر مرجع تقلید، اطمینان به رؤیت ماه پیدا کند، باید روزه خود را افطار کند و اگر شك داشت، باید آن روز را روزه بگیرد. 27

ثبوت ماه رمضان

پرسش 200 . اگر پیش از ظهر اعلام کردند که امروز اول ماه رمضان است؛ تکلیف روزه آن روز چه می‌شود؟ همه مراجع (به جز تبریزی و وحید): اگر مبطلات روزه را مرتکب نشده، باید نیت کند و روزه اش صحیح است و اگر یکی از آنها را مرتکب شده، روزه او باطل است؛ ولی (به احترام ماه رمضان) باید تا اذان مغرب از کاری که روزه را باطل می‌کند، خودداری نموده و بعد از ماه رمضان آن روز را قضا کند. 28

آیات عظام تبریزی و وحید: اگر مبطلات روزه را مرتکب نشده، باید نیت کند و روزه بگیرد و بنا بر احتیاط واجب بعد از ماه رمضان قضا نماید و اگر یکی از آنها را مرتکب شده، روزه اش باطل است؛ ولی (به احترام ماه رمضان) باید تا اذان مغرب از کاری که روزه را باطل می‌کند، خودداری نموده و بعد از ماه رمضان آن روز را قضا کند. 29

محاسبات تقویمی

پرسش 201 . آیا اول ماه بر اساس تقویم محاسبات منجمان ثابت می‌شود؟ همه مراجع: خیر، ثابت نمی‌شود؛ مگر آنکه انسان از گفته آنان اطمینان پیدا کند. 30

رؤیت هلال در سفر

پرسش 202 . افرادی که برای کار به کشورهای حوزه خلیج فارس می‌روند، با توجه به اینکه در آنجا رؤیت هلال اول ماه، يك روز زودتر اعلام می‌شود؛ تکلیف روزه آنان در ماه رمضان و عید فطر باید بر مبنای کدام محل باشد؟ همه مراجع: اگر از راه‌های شرعی و معتبر اول ماه در آنجا ثابت شود، باید بر مبنای محلی که هلال رؤیت می‌شود، عمل کنند. 31

اختلاف افق

پرسش 203 . اگر هلال ماه در عربستان دیده شود، آیا برای ایران نیز اول ماه ثابت می‌شود؟ همه مراجع (به جز تبریزی، صافی و نوری): خیر، برای ایران اول ماه ثابت نمی‌شود. 32

آیات عظام تبریزی، صافی، فاضل، نوری و وحید: اگر از راه‌های شرعی و معتبر ثابت شود، برای ایران نیز اول ماه ثابت می‌شود. 33

تبصره. دیدگاه آیات عظام: تبریزی، صافی، فاضل، نوری و وحید بر اساس آن است که اشتراك در شب بین مناطق مختلف جهت ثبوت اول ماه کفایت می‌کند و لازم نیست اتحاد افق داشته باشند.

پرسش 204 . اگر هلال ماه رمضان یا شوال، در کشوری دیده شود - که افق آنها يك یا دو ساعت با شهر ما تفاوت دارد - آیا اول ماه برای ما هم ثابت می‌شود؟

آیات عظام امام، بهجت، خامنه‌ای و مکارم: اگر شهر یا کشوری که ماه در آن دیده شده از بلاد شرقی باشد، اول ماه ثابت می‌شود و اگر از بلاد شرقی نباشد (مانند عربستان)، اول ماه ثابت نمی‌شود. 34

آیات عظام تبریزی، فاضل، صافی، نوری و وحید: اگر در شب مشترك باشند، اول ماه ثابت می‌شود؛ هر چند در افق یکی نباشند و از بلاد شرقی نباشد. 35

تبصره 1. به عنوان مثال کشور افغانستان در بخش شرقی ایران قرار دارد؛ اگر ماه در آنجا دیده شود، برای کشور ایران نیز ثابت می‌شود و یا اگر ماه در شهر مشهد دیده شود، برای شهر تهران نیز ثابت می‌شود.
تبصره 2. باید رؤیت هلال در آنجا از راه‌های شرعی و معتبر ثابت شود، تا برای کشور ما نیز اول ماه ثابت شود.

پرسش 205. اگر هلال ماه در عراق دیده شود، آیا برای مردم ساکن تهران نیز اول ماه ثابت می‌شود؟
آیات عظام امام، بهجت، سیستانی، خامنه‌ای، مکارم و نوری: با توجه به اینکه اختلاف افق بین این دو مکان، کم و ناچیز است (تقریباً ده دقیقه)، اول ماه برای مردم ساکن تهران ثابت می‌شود. 36
آیات عظام تبریزی، صافی، نوری و وحید: آری اول ماه برای آنان ثابت می‌شود. 37

حکم حاکم

پرسش 206. آیا حکم حاکم شرع، در ثبوت اول ماه، برای غیرمقلدان او نیز حجت است؟
همه مراجع (به جز سیستانی و وحید): آری، حکم حاکم شرع در ثبوت اول ماه، برای همه حجت است و باید به حکم او عمل کنند؛ مگر آنکه بفهمند حاکم شرع اشتباه کرده است. 38
آیه‌الله سیستانی: اول ماه با حکم حاکم شرع ثابت نمی‌شود. 39
آیه‌الله وحید: بنا بر احتیاط واجب، اول ماه به حکم حاکم شرع ثابت نمی‌شود. 40

اخبار عادل

پرسش 207. اگر چند نفر عادل شهادت بدهند که دو نفر عادل ماه را دیده‌اند؛ آیا اول ماه رمضان یا شوال ثابت می‌شود؟
همه مراجع: خیر، باید دو نفر عادل خودشان برای انسان شهادت بدهند که ماه را دیده‌اند و اگر رؤیت ماه را با واسطه نقل کنند، کافی نیست؛ مگر آنکه از گفته آنان، اطمینان به رؤیت هلال پیدا شود. 41

چشم مسلح

پرسش 208. آیا رؤیت ماه به وسیله چشم مسلح و تلسکوپ‌ها و وسایل نجومی، اعتبار دارد؟
همه مراجع (به جز خامنه‌ای و فاضل): خیر، مگر آنکه از این راه برای شخص اطمینان پیدا شود که اول ماه است. 42
آیات عظام خامنه‌ای و فاضل: آری، اول ماه به وسیله چشم مسلح و تلسکوپ و یا وسایل نجومی، ثابت می‌شود. 43

حدس و گمان

پرسش 209. اگر از گفته عده‌ای حدس بزنیم که فردا عید فطر است، آیا می‌توانیم روزه بگیریم؟
همه مراجع: تا هنگامی که برای شخص اطمینان پیدا نشود که فردا عید فطر و اول شوال است، نمی‌تواند روزه را افطار کند. 44

احکام زکات فطره

معنا و فلسفه فطره

پرسش 210. معنای فطره و فواید پرداخت آن را توضیح دهید؟
«فطره» در لغت چند معنا دارد که مهم‌ترین آنها، خلقت و اسلام است. در اصطلاح عبارت است از: «زکاتی که هر مسلمان برای خود و هر کس که نان خور او محسوب می‌شود، به مستحق می‌پردازد». زمان ادای آن مغرب روز آخر ماه رمضان تا ظهر روز عید فطر است.
با توجه به اینکه پرداخت این نوع حق مالی، باعث سلامت جسم (خلقت) و روح می‌شود، آن را زکات بدن یا فطره می‌نامند. شاید وجه تناسب آن با معنای اسلام، این باشد که زکات فطره مقتضای اسلام است؛ از این رو کسی که پیش از غروب شب عید فطر مسلمان شود، تکلیف از او ساقط نمی‌شود.

«زکات فطره» به اتفاق شیعه و سنی، واجب است و در متون دینی برای آن، فلسفه و فواید متعددی برشمرده است که مهم ترین آنها عبارت است از:

1. زکات فطره مکمل و تمام کننده روزه است؛ همان گونه که درود و صلوات بر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) مکمل و تمام کننده نماز است. 45
2. باعث قبولی روزه ماه مبارك رمضان می گردد. 46
3. موجب حفظ انسان از مرگ در آن سال می شود. 47
4. باعث سلامتی جسم و پاکسازی روح از رزایل اخلاقی است. 48
5. مکمل و تمام کننده زکات مال است. 49

فطریه دانشجو

پرسش 211. آیا زکات فطره برای دانشجویی که در خوابگاه سکونت دارد، واجب است؟
همه مراجع: اگر مخارج او را پدر و مادر می دهند و نان خور ایشان محسوب می شود، بر عهده آنها است و اگر دانشجو مستقل است، بر عهده خودش می باشد. 50

نان خور دولت

پرسش 212. فطره دانشجویان و سربازانی که به طور رایگان از غذای دولتی استفاده می کنند، بر عهده چه کسی است؟
همه مراجع (به جز صافی، مکارم و نوری): بر عهده خودش است و چنانچه تمکن مالی نداشته باشد از او ساقط است. 51
آیه الله نوری: در فرض یاد شده زکات فطره بر کسی واجب نیست. 52
آیه الله مکارم: اگر تمکن مالی دارد، بنابر احتیاط واجب خودش بپردازد. 53
آیه الله صافی: هر کدام تمکن داشته باشند، بنابر احتیاط خودشان بپردازند. 54
تصریح از نظر کسانی که زکات فطره بر عهده دانشجو نیست؛ اگر وی تمکن مالی دارد، احتیاط مستحب آن است که خودشان بپردازند.

فطریه نامزد

پرسش 213. فطره دختری که در حال عقد است، بر عهده کیست؟
همه مراجع: اگر نان خور پدرش باشد، بر عهده او است. 55

فطریه جنین

پرسش 214. آیا فرزندی که هنوز متولد نشده، زکات فطره دارد؟
همه مراجع: پرداخت زکات فطره برای بچه ای که در شکم مادر است، واجب نیست؛ مگر آنکه پیش از غروب شب عید فطر به دنیا آید. 56

پرداخت فطریه به والدین

پرسش 215. آیا زکات فطره را می توان به پدر و مادر خود، در صورت مستحق بودن، پرداخت کرد؟
همه مراجع: اگر پدر و مادر فقیر باشند، بر فرزندان واجب است که مخارج آنان را بپردازند و نمی توان چیزی از زکات فطره به ایشان داد. 57

پرداخت فطریه به فرزند

پرسش 216. آیا پدر می تواند زکات فطره را به فرزند خود که محتاج است، بدهد؟
همه مراجع: اگر فرزندان فقیر باشند، بر پدر و مادر واجب است که مخارج آنان را بپردازند و نمی توان چیزی از زکات فطره به آنها داد. 58

احکام اعتکاف

اهمیت اعتکاف

پرسش 217 . درباره اهمیت اعتکاف و چگونگی آن توضیح دهید؟

«و عهدنا إلى إبراهيم و إسماعيل أن طهرا بيّتي للطائفين و العاكفين و الرُّكع السُّجود» ؛ «و ما به ابراهيم و اسماعيل امر كرديم كه خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و ركوع کنندگان و سجده کنندگان، پاك و پاکیزه کنید» 59. اعتکاف، در لغت به معنای توقف در جایی است و در اصطلاح فقه، عبارت است از: «ماندن حداقل سه روز در مسجد، به قصد عبادت خداوند، با شرایطی خاص».

مراسم اعتکاف، به زمان حضرت ابراهیم (علیه السلام) بر می‌گردد و بعد از او در بعضی از شریعت‌ها و در زندگی برخی از صالحان - از جمله حضرت مریم و زکریا - به چشم می‌خورد. با ظهور دین اسلام این امر، شکل تازه‌ای به خود گرفت و در میان مسلمانان به عنوان يك عبادت مستحب با آداب و شرایط خاص، رایج شد.

اعتکاف عبادتی است که استحباب و فضیلت فراوان دارد و صفای خاصی به روح و جان می‌بخشد. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) همه ساله در ماه رمضان - به ویژه دهه آخر آن - اعتکاف می‌کرد و دستور می‌داد رختخوابش را برچینند و چادری در مسجد بر پا کنند و همیشه می‌فرمود: «ده روز اعتکاف در ماه رمضان، برابر با دو حج و دو عمره است» 60.

اعتکاف حکمت‌ها و فواید فراوانی دارد که بخشی از آنها عبارت است از:

الف. ایجاد زمینه مناسب برای اندیشه و تفکر و خردورزی ؛

ب. فراهم آمدن زمینه توبه و بازگشت ؛

ج. فراهم شدن فرصت نیایش، نماز و تلاوت قرآن ؛

د. به وجود آمدن دوره‌ای کوتاه برای محاسبه نفس و خودسازی که حداقل سه روز طول می‌کشد و انسان را از حاکمیت غریزه‌ها، عادت‌ها و اشتغالات معمول زندگی آزاد می‌سازد.

در زمینه اعتکاف توجه به چند امر ضروری می‌نماید:

1. اصل اعتکاف مستحب است ؛ ولی گاهی به واسطه نذر، عهد، قسم و مانند آن واجب می‌شود.

2. اعتکاف باید در یکی از مساجد چهارگانه و یا در مسجد جامع شهر باشد و در غیر آن صحیح نیست 61.

3. حداقل اعتکاف سه روز است و کمتر از آن صحیح نیست ؛ ولی بیش از آن اشکال ندارد.

4. این عبادت را می‌توان به نیابت از مردگان انجام داد.

5. اعتکاف زمان خاصی ندارد و در هر زمان که روزه صحیح باشد، اعتکاف نیز صحیح است. بنابراین کسی که نمی‌تواند روزه بگیرد (مانند مسافر، مریض، حائض و کسی که به عمد روزه گیرد) ؛ اعتکافش صحیح نیست.

بهترین زمان برای انجام دادن آن، ماه رمضان و دهه آخر آن است.

6. اگر اعتکاف با حق شوهر منافات داشت، با اجازه او باشد.

7. اگر اعتکاف باعث اذیت و آزار پدر و مادر شود، با اجازه آن دو باشد.

محرمات اعتکاف

پرسش 218 . محرمات اعتکاف کدام است؟

محرمات اعتکاف عبارت است از:

1. نزدیکی با همسر،

2. خرید و فروش غیر ضروری،

3. استمنا (بنابر احتیاط واجب) ،

4. بوییدن عطر و گیاهان خوشبو به قصد لذت بردن،

5. مجادله به منظور غلبه بر دیگری و اظهار فضل.

مکان اعتکاف

پرسش 219 . با توجه به اینکه اعتکاف باید در مسجد جامع شهر باشد، آیا جایز است در مسجد دانشگاه اعتکاف را به قصد رجا انجام داد؟

همه مراجع (به جز خامنه‌ای) : اعتکاف در مسجد دانشگاه صحیح نیست. 62

آیه الله خامنه‌ای: به قصد رجا اشکال ندارد. 63

اعتکاف در دانشگاه

پرسش 220 . آیا در ایام اعتکاف، رفتن به کلاس و شرکت در درس ها جایز است؟
همه مراجع: خروج از مسجد و شرکت در کلاس های درسی، اشکال دارد. 64

پرسش 221 . آیا در حیاط مسجد هم اعتکاف صحیح است؟ همچنین در پشت بام و زیرزمین مسجد چطور؟
همه مراجع: اگر جزء مسجد باشد، صحیح است. 65

نذر اعتکاف

پرسش 222 . با توجه به اینکه بیشتر مراجع، اعتکاف را تنها در مساجد جامع جایز می دانند ؛ آیا دانشجویان می توانند نذر کنند که سه روز در مسجد دانشگاه اجتماع کنند و در این مدت به طور معمول به نماز و روزه و عبادت و اجرای برنامه های دینی بپردازند؟

همه مراجع: آری، نذر یاد شده صحیح است. 66
تبصره. متعلق نذر به هر صورت که نیت شود، باید طبق آن عمل گردد. از این رو می توان روزهای عبادت و یا ساعت حضور را تغییر داد.

مطالعه هنگام اعتکاف

پرسش 223 . آیا می توانیم در روزهایی که معتکف هستیم، درس های خود را مطالعه و یا مسأله درسی حل کنیم؟
همه مراجع: آری، مانعی ندارد. 67

تلفن هنگام اعتکاف

پرسش 224 . گفت وگو با تلفن همراه در مسجد، در موارد غیر ضروری و مکرر، چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اشکال ندارد. 68

اعتکاف بدون روزه

پرسش 225 . به علت بیماری از روزه گرفتن معذورم، آیا می توانم بدون روزه اعتکاف کنم؟
همه مراجع: خیر، چون روزه شرط صحت اعتکاف است. 69
تبصره. تردیدی نیست که اصل توقف در مسجد و عبادت، خود مستحب و دارای ثواب است ؛ هر چند به عنوان اعتکاف نباشد.

روزه اعتکاف

پرسش 226 . آیا روزه های قضای خود را می توانیم در اعتکاف بگیریم؟
همه مراجع: آری، جایز است. 70

خروج از اعتکاف

پرسش 227 . در چه مواردی می توان از مسجد خارج شد؟
همه مراجع: خارج شدن از مسجد جایز نیست، مگر به جهت ضرورت عقلی، عرفی و شرعی ؛ مانند: مراجعه به پزشک در موارد اضطرار، رفتن به دستشویی (ضرورت عقلی)، عیادت بیمار، تشییع جنازه مرده ای که با او نسبت دارد (ضرورت عرفی)، غسل کردن و وضو گرفتن (ضرورت شرعی). 71

ترك اعتکاف

پرسش 228 . اگر کسی به جهت ضرورت از مسجد خارج شود و خروج او طولانی گردد، اعتکافش چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اگر به قدری باشد که صورت اعتکاف را به هم زند، اعتکاف او باطل می شود. 72

قطع اعتکاف

پرسش 229 . آیا قطع اعتکاف گناه دارد؟
همه مراجع: اگر اعتکاف واجب باشد و یا دو روز اعتکاف مستحبی را گذرانده باشد و بخواهد اعتکاف را به هم بزند،

معصیت کرده است. 73
تبصره. اگر بخواهد برای قطع اعتکاف دچار معصیت نشود، می‌تواند پیش از اعتکاف، با خدای خود شرط کند که هر زمان برای او عذر و پیشامدی رخ داد، دست از اعتکاف بکشد. در این صورت قطع اعتکاف جایز است. 74

نماز جمعه در اعتکاف

پرسش 230. آیا برای رفتن به نماز جمعه، می‌توان از محل اعتکاف خارج شد؟
همه مراجع (به جز تبریزی، نوری و وحید): آری، جایز است. 75
آیات عظام تبریزی و وحید: بنابر احتیاط واجب جایز نیست. 76
آیه‌الله نوری: جایز نیست. 77
تبصره. بنابر فتوای کسانی که رفتن به نماز جمعه را در ایام اعتکاف جایز می‌دانند؛ باید حداقل زمان لازم رعایت شود تا شکل و صورت اعتکاف، به هم نخورد.

احکام خمس

اهمیت خمس

پرسش 231. درباره خمس و اهمیت آن توضیح دهید؟
«وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ» 78؛
«و بدانید که هر چه غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و رسول و از آن خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است».

«خمس» در لغت به معنای پنج یک می‌باشد و در اصطلاح فقه عبارت است از: «پرداخت يك پنجم درآمدی که از راه زراعت، صنعت، تجارت، پژوهش و یا از طریق کارگری و کارمندی در مؤسسات گوناگون، به دست می‌آید. 79
خمس به امام (علیه السلام) و سادات اختصاص می‌یابد و باید آن را در عصر غیبت به فقیه جامع شرایط داد». 80
شارع مقدس به صاحب مال، فرصت داده چنانچه تا يك سال، آن را در مؤونه و نیازهای خود و خانواده استفاده نکند و تمام و یا مقداری از آن تا پایان سال زیاد بیاید، خمس آن را بپردازد.

آیه خمس، در عصر رسالت، نازل شده و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) این فریضه را به اجرا درآورده است. به طور مسلم آن حضرت، خمس غنیمت‌های جنگی را دریافت می‌کرد. اما خمس سود تجارت - هر چند بنا به ضرورت و مصالحی - تا عصر امامان (علیهم السلام) به تأخیر افتاد؛ ولی بی‌شک وجود آن در دوره امامان، غیرقابل انکار است. 81

«خمس» یکی از فریضه‌های اسلامی است و قرآن مجید آن را در کنار جهاد قرار داده و هر دو را از ریشه ایمان دانسته است؛ چه اینکه نشانه صداقت ایمان، مبارزه با مال اندوزی و تطهیر نفس است. حضرت باقر (علیه السلام) فرموده است: «برای هیچ کس جایز نیست از مالی که خمس به آن تعلق گرفته، چیزی بخرد؛ مگر اینکه حق ما را به ما برساند». 82

آیه 41 سوره «انفال» به طور روشن و صریح، بر اصل وجوب خمس دلالت می‌کند؛ از این رو شیعه و سنی بر اصل آن اتفاق نظر دارند. البته ممکن است دلالت آیه بر مواردی از آن (مانند درآمد کسب) روشن و شفاف نباشد؛ ولی بی‌شک به کمک روایات متعددی، به خوبی وجوب خمس درآمد استفاده می‌شود. 83
خمس دارای حکمت‌ها و اسرار گوناگونی است که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

1. خمس به منظور تأمین هزینه‌های امام (علیه السلام) به عنوان رئیس حکومت، برای پیشبرد نظام اسلامی و اداره جامعه، واجب گردیده است. 84؛ از این رو در روایت از خمس به عنوان «وجه الاماره» یاد شده است. 85
2. خداوند متعال برای حفظ کرامت و عزت پیامبر اسلام، محل تأمین بودجه فقیران بنی هاشم و منسوبان به آن حضرت را از خمس قرار داد و سهم آنان را قرین سهم خود و رسول کرد تا زمینه تحقیر نسبت به آنان از بین برود. 86

3. خمس برای تأمین بودجه هر کار خیری است که امام بخواهد انجام دهد و برای هر موردی که صلاح بداند، مصرف کند. 87

4. خمس وسیله‌ای برای رشد و کمال انسان محسوب می‌شود که ادای آن، باعث جلب روزی و وسیله آمرزش گناهان می‌گردد. 88

5. خمس برای احیای دین خدا و تحقق حکومت اسلامی واجب گردیده است. 89

پرسش 232. مؤونه چیست؟

«مؤونه» به مخارجی گفته می‌شود که در زندگی، هزینه می‌گردد و شامل موارد ذیل است:

1. هزینه‌های زندگی شخصی؛ مانند: خوراک و پوشاک، خانه مسکونی، وسایل زندگی، وسایل نقلیه، وسایل تحصیلی، رایانه، هزینه ازدواج و...؛
2. هدایا و بخشش‌ها؛ مانند: خیرات، صدقات، جوایز و...؛
3. مخارج سفر حج (واجب و مستحب)، سفر زیارت، گردش و تفریح؛
4. حقوقی که بر عهده شخص است؛ مانند: دیه، غرامت و کفاره 90.91

خمس درآمد دانشجو

پرسش 233. آیا به درآمد دانشجویی که تحت تکفل خانواده است، خمس تعلق می‌گیرد؟

همه مراجع: چنانچه از درآمد کسب تهیه شده و یک سال از آن گذشته باشد، خمس دارد. 92
تبصره. حکم درآمدهایی مانند هدیه، جایزه و... در بخش «خمس هدیه» بیان شد.

خمس کمک هزینه

پرسش 234. آیا به پولی که در مدت تحصیل در دانشگاه به عنوان کمک هزینه دریافت می‌شود، خمس تعلق می‌گیرد؟

همه مراجع: خیر، خمس ندارد. 93

تبصره 1. کمک هزینه تحصیلی، وامی است که در مدت تحصیل، به دانشجویان پرداخت می‌شود و اقساط آن چند سال بعد، باز پس گرفته می‌شود.

تبصره 2. چنانچه کمک هزینه تحصیلی تا پس از پرداخت اقساط آن پس انداز شود، به اصل و سود آن خمس تعلق می‌گیرد.

خمس کتاب

پرسش 235. آیا به کتاب‌هایی که برای ترم‌های آینده تهیه می‌کنیم، خمس تعلق می‌گیرد؟

همه مراجع (به جز بهجت، فاضل، نوری): در فرض یاد شده خمس دارد مگر آنکه داشتن آنها مورد نیاز و در شأن شخص باشد، در این صورت خمس ندارد. 94

آیات عظام بهجت، فاضل و نوری: آری، خمس دارد؛ مگر آنکه نتوانید در سال آینده تهیه کنید، در این صورت خمس ندارد. 95

خمس درآمد زن

پرسش 236. آیا به درآمد زنی که برای خود کسبی داشته و مخارج او را شوهر می‌دهد، خمس تعلق می‌گیرد؟

همه مراجع: آری، باید خمس آن را بدهد؛ ولی اگر مقداری از آن را در نیازهای زندگی خرج کرده باشد، تنها باید خمس باقی مانده را بدهد. 96

خمس بورسیه

پرسش 237. آیا پولی که به عنوان بورسیه به دانشجو می‌دهند، خمس دارد؟

همه مراجع: آری، چنانچه تا سر سال خمسی زیاد بیاید، خمس دارد. 97

تبصره. دانشجویان بورسیه دبیری و... کسانی‌اند که چند سال آموزش می‌بینند و در این مدت، از سوی دانشگاه یا وزارتخانه مربوطه حقوق دریافت می‌کنند و تعهد می‌دهند که پس از پایان تحصیلات، در مقابل حقوق دریافت شده، خدمت کنند. این حقوق تفاوتی با سایر درآمدها ندارد؛ از این رو به آن خمس تعلق می‌گیرد.

خمس سپرده‌گذاری

پرسش 238. آیا به پولی که در بانک سپرده‌گذاری شده و از درآمد (سود) آن ارتزاق می‌شود، خمس تعلق می‌گیرد؟
آیات عظام امام، سیستانی، فاضل و مکارم: اگر پول سپرده‌گذاری از درآمد کسب باشد، خمس دارد. [اما در صورتی

که] با پرداخت خمس (هر چند به صورت اقساط) نتواند زندگی خود را اداره کند، خمس ندارد. 98
آیات عظام بهجت، تبریزی و نوری: اگر از درآمد کسب باشد، آن مقدار از پول سپرده - که اداره زندگی به آن بستگی دارد - خمس ندارد؛ ولی به مقدار بیشتر از آن، خمس تعلق می‌گیرد. 99
آیات عظام خامنه‌ای، صافی و وحید: اگر پول سپرده‌گذاری از درآمد کسب باشد، خمس دارد و چنانچه نمی‌تواند با پرداخت خمس آن، امرار معاش کند، می‌تواند با حاکم شرع دستگردان نماید. 100
تبصره 1. به سود حاصل از آن، خمس تعلق می‌گیرد.
تبصره 2. اگر پول سپرده‌گذاری از راه هدیه، جایزه و مانند آن به دست آمده باشد، حکم اصل را دارد. 101

خمس سهام بورس

پرسش 239. آیا سهامی که از سازمان بورس خریداری می‌کنیم، خمس دارد؟
همه مراجع: آری، سر سال باید خمس آن را بدهید؛ چون حکم سرمایه را دارد. 102

خمس شرکت

پرسش 240. اگر شریک من، خمس سهم و سرمایه خود را ندهد، تکلیف چیست؟ آیا ادامه شرکت با او جایز است؟
همه مراجع (به جز تبریزی و سیستانی): هیچ کدام نمی‌توانید در آن تصرف کنید و ادامه شرکت با او جایز نیست؛ مگر آنکه از حاکم شرع اجازه بگیرید. 103
آیات عظام تبریزی و سیستانی: اگر شما خمس سهم و درآمد خود را بدهید، می‌توانید در سرمایه مشترک تصرف کنید. 104

خمس هدیه

پرسش 241. اگر چیزی به انسان هدیه یا جایزه بدهند، آیا باید خمس آن را پرداخت؟
آیات عظام امام، خامنه‌ای و نوری: هدیه، خمس ندارد. 105
آیات عظام بهجت، فاضل و مکارم: چنانچه تا سر سال خمسی زیاد بیاید، بنابر احتیاط واجب، باید خمس آن را بدهد. 106
آیات عظام تبریزی و وحید: چنانچه مقدار آن زیاد و قابل توجه باشد و از مخارج سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد. 107
آیات عظام سیستانی و صافی: چنانچه تا سر سال خمسی زیاد بیاید، خمس دارد. 108

پرسش 242. آیا به پولی که برای خرید وسایل ضروری زندگی ذخیره می‌شود، خمس تعلق می‌گیرد؟
آیات عظام امام، تبریزی، سیستانی، مکارم و وحید: چنانچه سال خمسی از آن بگذرد، خمس دارد. 109
آیه‌الله بهجت: اگر بدون پس‌انداز کردن، نمی‌توانند وسایل مورد نیاز خود را در آینده تهیه کنند؛ چنانچه پس‌انداز کوتاه مدت (مثلاً تا سه سال) باشد، خمس ندارد. 110
آیات عظام فاضل و نوری: اگر بدون پس‌انداز کردن، نمی‌توانند وسایل مورد نیاز خود را در آینده تهیه کنند، خمس ندارد. 111
آیه‌الله خامنه‌ای: اگر برای تهیه وسایل مورد نیاز در آینده نزدیک (مثلاً تا سه ماه پس از سال خمسی) پس‌انداز شده باشد و با پرداخت خمس آن نتواند آنها را تهیه کند، خمس ندارد. 112
آیه‌الله صافی: اگر هم اکنون به آن وسیله نیاز دارد و تهیه آن بدون پس‌انداز در مدت چند سال ممکن نباشد، خمس ندارد. 113
تبصره. چنانچه در آینده با پس‌انداز خود، لوازم مورد نیاز خویش را تهیه نکند، باید خمس آن را بدهد.

خمس وام مسکن

پرسش 243. آیا به پولی که جهت گرفتن وام مسکن، در بانک گذاشته می‌شود و چندین سال از آن می‌گذرد، خمس تعلق می‌گیرد؟
آیات عظام امام، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، مکارم و وحید: آری، خمس دارد. 114
آیات عظام بهجت، فاضل و نوری: اگر برای تهیه خانه مورد نیاز، راهی جز این ندارد، به پول پس‌انداز شده خمس تعلق نمی‌گیرد. 115

آیه‌الله صافی: اگر خانه مسکونی در حال حاضر مورد نیاز او و در شأنش باشد و راهی جز طریق یاد شده ندارد، به آن خمس تعلق نمی‌گیرد. 116
تبصره. بنا بر نظر مراجعی که معتقدند پول مزبور خمس ندارد؛ چنانچه در آینده، صرف خرید منزل نشود، خمس آن را باید بدهد.

خمس فیش حج عمره

پرسش 244. کسانی که قصد تشریف به حج و عمره دارند، برای حفظ نوبت باید مبلغ مقرری را به بانک بپردازند که این مبلغ مطابق قرارداد مضاربه است و سودی نیز به آن تعلق می‌گیرد. زمانی که نوبت تشریف آنان فرا می‌رسد، اصل پول و سود را دریافت و به سازمان حج و زیارت می‌سپارند و به عمره و حج مشرف می‌شوند و چنانچه کسی این پول را به بانک نپردازد، نوبتی برای تشریف او منظور نخواهد شد؛ آیا در این فرض به اصل پول و سود آن خمس تعلق می‌گیرد؟

همه مراجع (به جز بهجت و مکارم): اگر در سال سپرده‌گذاری پول به بانک (همان سال خمسی) به حج مشرف شود، خمس ندارد؛ ولی اگر نوبت حج پس از آن سال است، به اصل پول سپرده‌گذاری خمس تعلق می‌گیرد، اما سود آن اگر قابل وصول نباشد و برای تشریف به حج از آن استفاده شود خمس ندارد. 117
آیه‌الله بهجت: اگر برای رفتن به حج و عمره چاره‌ای جز سپرده‌گذاری و ثبت نام ندارد، به آن خمس تعلق نمی‌گیرد. 118

آیه‌الله مکارم: اگر پول سپرده‌گذاری از درآمد سالی باشد که نام نویسی کرده، خمس ندارد (نه اصل و نه سود آن). 119.

تبصره. حکم یاد شده در صورتی است که شخص با بانک قرارداد شرعی (مانند مضاربه و...) انجام دهد.

خمس وسایل ضروری

پرسش 245. به جهت نیاز وسایلی خریدم؛ ولی با اینکه بیش از یک سال از خرید آنها می‌گذرد، هیچ استفاده‌ای نکرده‌ام، آیا به اینها خمس تعلق می‌گیرد؟

همه مراجع (به جز سیستانی و وحید): چنانچه در معرض استفاده بوده، خمس ندارد. 120
آیه‌الله سیستانی: باید خمس آن را بپردازد؛ مگر اینکه وجود آن در خانه ضروری باشد و در وقت نیاز نتواند فوری آن را تهیه کند. در این صورت اگر تهیه آن از قبل، متعارف باشد، خمس ندارد. 121
آیه‌الله وحید: خمس دارد. 122

تبصره. هر چند عبارت رساله‌ها در مورد «کتاب» است؛ ولی کتاب خصوصیتی ندارد و این حکم شامل هر وسیله‌ای است که مورد نیاز انسان باشد.

خمس زمین

پرسش 246. از درآمد خود، زمینی خریدم تا دو سال دیگر آن را بسازم و در آن زندگی کنم، آیا سر سال به آن خمس تعلق می‌گیرد؟

همه مراجع (به جز تبریزی، مکارم و وحید): چنانچه برای تهیه خانه مسکونی، راهی جز نگه داشتن زمین تا چند سال نیست، خمس ندارد. 123

آیات عظام تبریزی و وحید: باید خمس زمین را به قیمت فعلی بدهد. 124

آیه‌الله مکارم: خمس ندارد. 125

خمس رهن

پرسش 247. آیا به پولی که از درآمد کسب تهیه شده و به عنوان رهن به صاحبخانه پرداخت می‌شود، خمس تعلق می‌گیرد؟

آیات عظام امام و سیستانی: خمس دارد و هر زمان دریافت شد یا دریافت آن ممکن گردید، باید فوری خمس آن را بپردازد. 126

آیات عظام بهجت، تبریزی، فاضل و وحید: چنانچه بدون پول رهن، نیاز مسکن او تأمین نمی‌شود، خمس ندارد و هر زمان آن را باز پس گرفت و نیازی به آن نداشت و از مخارج سال زیاد آمد، خمس دارد. 127
آیه‌الله خامنه‌ای: هنگامی که برای این منظور نیاز دارد، پرداخت خمس آن واجب نیست؛ ولی هر زمان آن را باز پس

گرفت، باید خمس آن را بدهد؛ مگر آنکه برای اجاره در جای دیگر، به آن نیاز داشته باشد. 128
آیات عظام صافی و مکارم: پول رهن جزء مؤونه است و خمس ندارد؛ ولی اگر آن را باز پس گرفت و نیازی به آن
نداشت، بنابر احتیاط خمس آن را بپردازد. 129
آیه‌الله نوری: اگر نتواند خانه را از راه دیگری اجاره کند، به مبلغ مذکور خمس تعلق نمی‌گیرد. 130
تبصره. اصطلاح «رهن» در رهن و اجاره خانه غلط مشهور است، اصطلاح قرض و اجاره (اجاره به شرط قرض)
صحیح است. از این رو اصل قرض خمس ندارد.

خمس پول ازدواج

پرسش 248. آیا به پولی که انسان برای ازدواج ذخیره کرده، خمس تعلق می‌گیرد؟
آیات عظام امام، تبریزی، سیستانی، مکارم و صافی: خمس دارد. 131
آیه‌الله بهجت: چنانچه پس‌انداز کوتاه مدت و در حد متعارف (مثلاً تا سه سال) باشد، خمس ندارد. 132
آیات عظام فاضل و نوری: چنانچه بدون پس‌انداز نمی‌تواند در آینده ازدواج کند، خمس ندارد. 133
آیه‌الله خامنه‌ای: اگر برای تهیه هزینه‌های ازدواج در آینده نزدیک (مثلاً تا سه ماه پس از سال خمسی) پس‌انداز شده
باشد و با پرداخت خمس آن، نتواند آنها را تهیه کند، خمس ندارد. 134

خمس جهیزیه

پرسش 249. شخصی وسیله‌ای برای جهیزیه دختر خود خریده و چندین سال نگه داشته است؛ اکنون نمی‌خواهد آن
را به عنوان جهیزیه به دختر بدهد. حال اگر آن را برای زندگی خویش استفاده کند، باز باید خمس آن را بپردازد یا
نه؟ اگر بفروشد چطور؟
همه مراجع: اگر جهیزیه را به دختر بخشیده، جایز نیست آن را از او بگیرد و اگر نبخشیده، باید خمس آن را
بپردازد. 135

خمس موبایل و خودرو

پرسش 250. آیا به پول درآمدی که برای تهیه موبایل و خودروی مورد نیاز، به حساب ریخته می‌شود و سال هم بر
آن می‌گذرد، خمس تعلق می‌گیرد؟
آیات عظام امام، تبریزی، سیستانی، صافی و وحید: خمس دارد. 136
آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، فاضل و نوری: چنانچه خودرو، مورد نیاز بوده و تنها راه تهیه آن، واریز کردن پول به
حساب است، خمس ندارد. 137
آیه‌الله مکارم: اگر به عنوان پیش‌خرید به حساب ریخته است، خمس ندارد و چنانچه به صورت ودیعه باشد، خمس
دارد. 138
تبصره 1. پولی که به سازمان مربوطه ریخته می‌شود، چنانچه سود داشته باشد و یک سال از آن بگذرد، به سود آن
خمس تعلق می‌گیرد.
تبصره 2. حکم بالا به خودرو اختصاص ندارد؛ بلکه هر گونه وسیله مورد نیازی را که با ثبت نام خریداری شود،
شامل می‌شود.

خمس قرض الحسنه

پرسش 251. به پولی که از درآمد کسب تهیه شده و به عنوان قرض الحسنه به دیگری داده‌ایم، آیا خمس تعلق
می‌گیرد؟
همه مراجع: چنانچه سرسال خمسی دریافت آن (بدون زحمت) ممکن باشد، باید خمس آن را بپردازد و در غیر این
صورت هر زمان دریافت کرد، باید فوری خمس آن را بدهد. 139

بدهی مؤجل

پرسش 252. بدهی که به جهت نیاز زندگی بوده و چند ماه بعد از سال خمسی، زمانش فرا می‌رسد؛ آیا می‌توان
هنگام محاسبه مقدار آن را از درآمد کم کرد؟
همه مراجع: اگر بدهی را پیش از سال خمسی ادا کند، به مقدار آن، از درآمد کسر می‌شود. 140

خمس طلا

پرسش 253. خانمی از حقوق خود طلا و زیورآلاتی که همیشه خود را با آن زینت می‌کند، خریده است. شوهرش پولی ندارد که وی بتواند در این زمینه صرف کند، آیا دادن خمس این گونه خریده‌ها بر زن لازم است؟ همه مراجع: اگر به مقدار متعارف و مناسب شأن او باشد، خمس ندارد. 141

خمس سکه

پرسش 254. آیا به سکه بهار آزادی، خمس تعلق می‌گیرد؟ همه مراجع: اگر از درآمد کسب تهیه شده و از مخارج سال زیاد بیاید، خمس دارد. 142
تبصره 1. سکه بهار آزادی جزء مؤونه (هزینه زندگی) شمرده نمی‌شود؛ از این رو سر سال به آن خمس تعلق می‌گیرد.
تبصره 2. بنابر نظر مراجعی که معتقدند هدیه خمس دارد، چنانچه سکه بهار آزادی به آنها بخشیده شود و از مخارج سال زیاد بیاید، خمس دارد.

پرداخت خمس

پرسش 255. خمس را باید به چه کسی پرداخت کرد؟ امام: باید به مرجع تقلید خود یا مجتهدی که مانند او از نظر کمیّت و کیفیت به مصرف می‌رساند، بپردازد و نیز می‌تواند در جایی مصرف کند که مرجع تقلیدش اجازه می‌دهد. 143
آیات عظام بهجت، فاضل، مکارم، نوری و وحید: باید سهم امام را به مرجع تقلید خود یا مجتهدی که مانند او از نظر کمیّت و کیفیت به مصرف می‌رساند، بدهد و نیز می‌تواند در جایی مصرف کند که مرجع تقلیدش اجازه می‌دهد. سهم سادات را بنابر احتیاط واجب، باید به مرجع تقلید خود و یا با اجازه او به سادات بدهد. 144
آیه‌الله تبریزی: باید سهم امام را به مرجع تقلید خود یا به مصرفی که او اجازه می‌دهد، برساند و چنانچه بخواهد به مجتهد دیگری بدهد، بنابر احتیاط واجب باید از مرجع تقلید خود، اجازه بگیرد. سهم سادات را می‌توان به خود آنان داد. 145
آیه‌الله سیستانی: باید سهم امام را به مرجع تقلید خود یا به مصرفی که او اجازه می‌دهد، برساند و احتیاط واجب آن است که او مرجع اعلم و آگاه بر جهات عامه باشد. سهم سادات را می‌توان به خود آنان داد. 146
آیه‌الله خامنه‌ای: باید خمس را به ولی امر مسلمین یا وکیل او بدهد و اگر به فتوای مرجع تقلید خود نبر عمل کند، موجب برائت ذمه می‌شود. 147
آیه‌الله صافی: باید سهم امام را به مرجع تقلید خود یا مجتهدی که مانند او از نظر کمیّت و کیفیت به مصرف می‌رساند، بدهد و نیز می‌تواند در جایی مصرف کند که مرجع تقلیدش اجازه می‌دهد. سهم سادات را می‌توان به خود آنان داد. 148
تبصره. خمس دو قسمت می‌شود: نصف آن سهم امام و نصف دیگر سهم سادات است. آیات عظام سیستانی، تبریزی و صافی در پرداخت سهم سادات، اجازه مجتهد را لازم نمی‌دانند.

مصرف خمس

پرسش 256. آیا می‌توان خمس را در امور فرهنگی و احداث اماکن علمی و دانشگاهی، مصرف کرد؟ همه مراجع: باید طبق اجازه حاکم شرع مصرف شود. 149

سهم سادات

پرسش 257. آیا به سیدی که بیش از مخارج سالش داشته باشد، می‌توان خمس داد؟ همه مراجع: خیر، در سهم سادات «فقر» شرط است. 150

زن سیده

پرسش 258. آیا می‌توان به زن سیده‌ای که فقیر است و شوهرش قادر به اداره زندگی او نیست، سهم سادات داد؟ آیات عظام امام و خامنه‌ای: با اجازه حاکم شرع اشکال ندارد. 151
آیات عظام بهجت، فاضل، مکارم، نوری و وحید: بنابر احتیاط واجب، باید با اجازه حاکم شرع انجام گیرد. 152
آیات عظام تبریزی، سیستانی و صافی: آری، جایز است. 153

پرسش 259. آیا در پرداخت خمس لازم است به مستحق گفته شود که این پول خمس است؟
همه مراجع: خیر، لازم نیست گفته شود؛ بلکه می‌تواند به عنوان هدیه به او بدهد و نیت خمس کند. 154
تبصره. فرض مسئله جایی است که شخص برای به مصرف رساندن سهم سادات (طبق برخی فتاوا) و سهم امام
(علیه السلام)، از حاکم شرع اجازه گرفته باشد.

پرسش 260. از کسی طلبکار هستم؛ آیا جایز است طلب خود را بابت خمس حساب کنم؟
آیات عظام امام، بهجت، فاضل و نوری: اگر بدهکار مستحق است، باید با اجازه حاکم شرع باشد. 155
آیه‌الله تبریزی: اگر بدهکار مستحق است، در مورد سهم سادات می‌تواند طلب خود را بابت خمس حساب کند؛ ولی
نسبت به سهم امام (علیه السلام) بنابر احتیاط واجب، باید با اجازه حاکم شرع باشد. 156
آیه‌الله سیستانی: اگر بدهکار مستحق است، در مورد سهم سادات می‌تواند از مستحق وکالت گرفته و از جانب او قبض
نموده و بابت طلبش دریافت کند و نسبت به سهم امام (علیه السلام)، باید با اجازه حاکم شرع باشد. 157
آیه‌الله صافی: اگر بدهکار مستحق است، می‌تواند سهم سادات را به او بدهد و تعد مستحق بابت بدهی، به او برگرداند،
ولی نسبت به سهم امام (علیه السلام) باید با اجازه حاکم شرع باشد. 158
آیه‌الله مکارم: اگر بدهکار مستحق است، در مورد سهم سادات می‌تواند طلب خود را بابت خمس حساب کند، ولی
نسبت به سهم امام (علیه السلام)، باید با اجازه حاکم شرع باشد. 159
آیه‌الله وحید: اگر بدهکار مستحق است، بنابر احتیاط واجب باید با اجازه حاکم شرع باشد. 160
تبصره. فرض مسئله جایی است که طلب انسان پول است، نه جنس و کالا.

سال خمسی

پرسش 261. شخص از چه زمانی باید سال خمسی داشته باشد؟
آیات عظام امام، بهجت، خامنه‌ای، صافی و فاضل: آغاز سال خمسی برای کسانی که درآمد تدریجی روزانه دارند
(مانند تاجر و کاسب)، از وقتی است که شروع به کار می‌کند و برای کارمند و کارگر اولین درآمد و حقوق آنان
است و برای کشاورز و مانند آن، از اولین محصولی است که برداشت می‌کند و چنانچه از مخارج سال زیاد آمد، باید
خمس آن را بپردازد. 161
آیات عظام تبریزی، مکارم و نوری: آغاز سال خمسی برای هر کس، اولین درآمد او است و چنانچه از مخارج سال
زیاد آمد، باید خمس آن را بپردازد. 162
آیات عظام سیستانی و وحید: آغاز سال خمسی برای هر کس، از وقتی است که شروع به کار می‌کند و چنانچه از
مخارج سال زیاد آمد، باید خمس آن را بپردازد. 163

زمان خمس

پرسش 262. کسی که درآمد او کمتر از مخارجش باشد و در عین حال سر سال مقداری پول، خوراکی و... زیاد
می‌آورد، آیا باز هم واجب است حساب سال داشته باشد و خمس بپردازد؟
همه مراجع (به جز بهجت و نوری): آری اگر درآمد او تا یک سال در نیازهای زندگی مصرف نشود و سر سال زیاد
بیاورد، باید خمس آن را بدهد. 164
آیات عظام بهجت و نوری: خیر و چنانچه سر سال پول و یا چیزهایی از مؤونه زیاد بیاورد، می‌تواند آنها را در مخارج
مورد نیاز صرف کند و خمس ندارد. 165

پرسش 263. آیا پرداخت خمس به صورت اقساط جایز است؟
همه مراجع: خیر، پرداخت خمس به صورت اقساط جایز نیست؛ ولی اگر حاکم شرع صلاح بداند، می‌تواند با او یا
نماینده‌اش، مقدار بدهی خود را دستگردان کند و به ذمه بگیرد و به صورت اقساط بپردازد. 166

محاسبه خمس

پرسش 264. راه محاسبه خمس را ذکر کنید.
کشاورزان، کارمندان، کارگران، کاسب‌ها و کسانی که درآمد کسب دارند، باید برای خود حساب سال خمسی داشته
باشند و جهت محاسبه خمس، به صورت زیر عمل کنند:

هنگامی که از دریافت اولین درآمد 167 يك سال گذشت، آن روز، وقت حساب سال است. هر چه از مؤونه که مورد استفاده قرار می‌گیرد و عین آن از بین می‌رود (مانند خوراکی‌ها، موادهای شوینده، وسایل تحصیلی دفتر، خودکار و غیر آنها) چنانچه تا آخر سال خمسی زیاد بیاید و در بازار ارزشی داشته باشد، باید خمس (يك پنجم) آن را با قیمت روز بپردازند. چیزهایی از مؤونه که مورد نیاز انسان است و با استفاده عین آن، از بین نمی‌رود (مانند وسایل زندگی مثل فرش، یخچال، وسیله نقلیه و...)، هر چند سال هم بر آنها بگذرد، خمس به آنها تعلق نمی‌گیرد. 168

مثال: کارمندی در پایان خرداد سال 80، اولین حقوق خود را دریافت می‌کند؛ حساب سال او پایان خرداد سال 81 است. در این تاریخ ده کیلو برنج، پنج کیلو لپه، پنج عدد تاید و مبلغ پنجاه هزار تومان زیاد آمده است. او باید يك پنجم هر يك از اجناس بالا را جدا کرده و بابت خمس بپردازد و جایز است قیمت آن را به روز حساب کرده و يك پنجم آن را به صورت پول نقد بدهد.

تبصره 1. کسی که شغل ندارد، اگر اتفاقاً معامله‌ای کند و سودی ببرد - بعد از آنکه يك سال از وقتی که فایده برده، بگذرد - باید خمس مقداری را که از خرج سالش زیاد آمده بدهد. 169

تبصره 2. درباره خمس بعضی از درآمدها (مانند حقوق خانواده شهدا، هدیه، جایزه بانکی و...) میان مراجع تقلید اختلاف نظر هست.

پرسش 265. اگر مال مخمس با مال غیرمخمس، در يك حساب بانکی جمع شود؛ آیا می‌توانیم برای مخارج زندگی نیت کنیم مال غیرمخمس کسر شود؟

آیات عظام امام، بهجت، تبریزی، سیستانی و نوری: آری، جایز است. 170

آیات عظام خامنه‌ای، فاضل، مکارم و وحید: خیر، جایز نیست؛ بلکه باید در پایان سال، خمس باقی‌مانده را به نسبت اموال بپردازید؛ مگر آنکه پیش از هزینه کردن، آن دو را جدا و از مال غیرمخمس خرج کنید. 171

آیه‌الله صافی: بنابر احتیاط واجب، باید در پایان مال، خمس باقیمانده را به نسبت اموال بپردازید؛ مگر آنکه پیش از هزینه کردن، آن دو را جدا و از مال غیرمخمس خرج کنید. 172

فرار از خمس

پرسش 266. آیا شخص قبل از رسیدن سال، می‌تواند اموال خود را به قصد فرار از خمس به همسرش ببخشد تا بعد از سال خمسی، او دوباره همان پول را به شوهرش ببخشد؟

همه مراجع (به جز مکارم): خیر، باید خمس آن را سر سال بپردازد. 173

آیه‌الله مکارم: بنابر احتیاط واجب، باید خمس آن را سر سال بپردازد. 174

پرسش 267. آیا به پولی که خمس تعلق گرفته، جایز است به مقدار خمس جدا کرد و در بقیه آن تصرف نمود؟

همه مراجع (به جز بهجت): خیر، جایز نیست؛ مگر با اجازه حاکم شرع. 175

آیه‌الله بهجت: آری، اشکال ندارد. 176

مال خمس نداد

پرسش 268. رفت و آمد با خانواده‌ای که خمس پرداخت نمی‌کنند، چه حکمی دارد؟

همه مراجع (به جز تبریزی و سیستانی): معاشرت با آنان اشکال ندارد و اگر یقین نداشته باشد به غذای آنها خمس تعلق گرفته، خوردن آن نیز جایز است و چنانچه احتمال تأثیر بدهد، آنان را ارشاد کند. 177

آیات عظام تبریزی و سیستانی: معاشرت با آنان اشکال ندارد و می‌تواند از غذای آنها استفاده کند؛ هر چند بدانند که خمس آن پرداخت نشده است. چنانچه احتمال تأثیر بدهد، آنان را ارشاد کند. 178

پرسش 269. جنسی که به آن خمس تعلق گرفته فروخته‌ام؛ آیا می‌توانم در پولی که به دست آورده‌ام، تصرف کنم؟ وظیفه‌ام چیست؟

همه مراجع (به جز تبریزی و سیستانی): معامله يك پنجم جنس فضولی است و نیاز به اجازه حاکم شرع (مجتهد جامع شرایط) دارد. اگر آن را امضا کرد، خریدار باید خمس جنس را به حاکم شرع بدهد و به مقدار آن از شما پس بگیرد. 179

آیات عظام تبریزی و سیستانی: باید خمس جنس را بدهید و بر خریدار چیزی نیست. 180

احکام نذر

اهمیت نذر

پرسش 270. درباره اهمیت نذر و سابقه تاریخی آن توضیح دهید؟
«يُؤْفُونَ بِالنَّذْرِ وَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا» ؛ «آنان به نذر خویش وفا می‌کنند و از روزی که شر و عذابش گسترده است (قیامت) می‌ترسند». 181

«نذر» در لغت به معنای وعده دادن و پیمان به چیزی است و در اصطلاح پیمان خاصی با خداوند است که انسان آن را بر خود واجب می‌کند. نذر به دو صورت می‌تواند انجام گیرد: نذر مشروط و نذر مطلق.
«نذر مشروط» آن است که شخص به خاطر انجام دادن عمل نیک و یا اجتناب از کار ناشایست، آن را بر خود واجب می‌کند تا در نتیجه آن، خداوند متعال حاجت او را برآورد. به عنوان مثال می‌گوید: «اگر فرزندم خوب شد و سلامتی خود را بازیافت، هزار تومان به فقیر کمک می‌کنم.»
«نذر مطلق» نذری است که هیچ قید و شرطی در آن مطرح نیست؛ به عنوان مثال می‌گوید: «من برای خدا نذر می‌کنم که نماز شب بخوانم.»

نذر دارای پیشینه زیادی است و انسان در طول تاریخ از آن سود جسته و با نذر سعی کرده تا رضایت معبود خویش را در جهت تأمین نیازهایش جلب کند. این امر همواره مورد توجه پیامبران و امت‌های گذشته بوده 182 و در اسلام نیز مشروعت یافته است. قرآن کریم در آیاتی، داستان نذر حضرت مریم (علیها السلام) و مادرش را بیان می‌کند. 183 همچنین ویژگی‌های بندگان خدا را وفای به نذر برمی‌شمارد: «آنان به نذر خویش وفا می‌کنند و از روزی که شر و عذابش گسترده است (قیامت) می‌ترسند». 184
امام صادق (علیه السلام) در شأن نزول این آیه می‌فرماید: «هنگامی که حسن و حسین (علیهم السلام) مریض بودند، روزی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به ملاقات آنان آمد و به علی (علیه السلام) فرمود: خوب است جهت سلامتی فرزندان نذر کنی. علی (علیه السلام) فرمود: من نذر می‌کنم: «چنانچه این دو بهبود یابند، سه روز را به جهت تشکر از خداوند روزه بگیرم». سپس فاطمه (علیها السلام) و فضه (خدمتگزار آنان)، همین نذر را تکرار کردند. خدای متعال نیز لباس عافیت به اندام آن دو امام پوشاند و ایشان نیز روزه گرفتند» 185.
نذر ممکن است حکمت‌های گوناگونی داشته باشد که مهم‌ترین آنها، رسیدن به مطلوب و برآورده شدن حاجت و تقویت انگیزش در جهت سیر و سلوک معنوی است.
نذر یکی از احکام عملی و جاری اسلام و دارای احکام و شرایطی است. این عمل نیاز به صیغه خاص دارد که اگر به هر زبانی خوانده شود، کفایت می‌کند. البته باید نام «الله» یا ترجمه آن ذکر شود. بدون رعایت این شرایط، نذر تحقق نمی‌یابد. پس اگر بگوید: «چنانچه مریض من خوب شود، برای خدا بر من است که ده تومان به فقیر بدهم»، نذر او صحیح است.

شرایط نذر

پرسش 271. شرایط نذر کدام است؟

شرایط نذر عبارت است از:

1. نذر کننده بالغ باشد، عاقل و با قصد و اختیار باشد.
 2. انجام دادن آن ممکن باشد.
 3. انجام دادن آن مطلوب شرع باشد (مانند نماز، روزه، قربانی کردن، کمک به دیگران، عیادت مریض و ...).
 4. ترك آنها مطلوب شرع باشد (ترك حرام یا مکروه).
- تیسره. اگر متعلق نذر مباح باشد؛ یعنی، انجام دادن یا ترك آن از هر جهت مساوی باشد، نذر باطل است. اما اگر انجام دادن یا ترك آن، از جهتی بهتر باشد، صحیح است. برای مثال نذر کند: غذایی بخورد که برای عبادت نیرو بگیرد و یا غذایی نخورد که مایه سستی بدن او از انجام دادن عبادت می‌شود.

صیغه نذر

پرسش 272. صیغه نذر چیست و آیا جمله خاصی دارد؟
همه مراجع: آری، نذر صیغه خاصی دارد؛ برای مثال شخصی در مورد شفا یافتن بیماری‌اش نذر می‌کند که مبلغی به فقیر بدهد؛ پس چنین می‌گوید: «إِنَّ شَفَى اللَّهِ مَرَضِي فَلِلَّهِ عَلَيَّ أَنْ أُعْطِيَ الْفَقِيرَ كَذَا». البته لازم نیست به عربی

بخواند. همین اندازه کافی است که بگوید: اگر بیماری من شفا یابد، برای خدا بر عهده من است که فلان مبلغ را به فقیر بدهم. 186

تغییر نذر

پرسش 273. آیا تغییر نذر جایز است؟ برای مثال کسی که نذر کرده در روز عاشورا، به مردم حلیم بدهد، آیا می‌تواند به جای آن خوراکی دیگری بدهد؟ یا حلیم را در روزهای دیگر ماه محرم به مصرف برساند؟ همه مراجع: اگر نذر طبق صیغه معتبر شرعی بوده، تغییر آن جایز نیست؛ بلکه باید به همان صورت که نذر کرده، عمل کند و در غیر این صورت تغییر مورد نذر، اشکال ندارد. 187

عمل به نذر

پرسش 274. آیا عمل به نذر فوری است؟ مثلاً چنانچه شخص نذر کند که اگر حاجتش برآورده شود، ده روز روزه بگیرد؛ آیا باید بلافاصله این کار را بکند؟ همه مراجع: اگر برای گرفتن روزه‌ها زمان معین نکرده، لازم نیست بعد از برآورده شدن حاجتش، بلافاصله روزه بگیرد. 188
تبصره. البته سهل انگاری و کوتاهی در عمل به نذر، جایز نیست.

زمان نذر

پرسش 275. اگر انسان برای نذر خود وقت تعیین کند؛ ولی در زمان خود نتواند آن را انجام دهد، وظیفه‌اش چیست؟ همه مراجع: اگر نذر او روزه است، چنانچه در وقت عمل به آن عذری مانند بیماری، سفر ضروری و... پیش آید، عمل به آن واجب نیست و کفاره هم ندارد ولی باید قضای آن را بجا آورد. و در غیر روزه، اگر در وقت انجام دادن نذر، نتواند آن را به جا آورد، تکلیف از او ساقط است و کفاره هم ندارد. 189

شك در نذر

پرسش 276. نذری کرده‌ام، ولی بین دو چیز (روزه گرفتن و صدقه دادن به فقیر) شك دارم و نمی‌دانم کدام يك از آن دو است؛ تکلیف چیست؟ همه مراجع: باید احتیاط کرده و به هر دو عمل کنید. 190

فراموشی نذر

پرسش 277. کسی نذر کرده به فقیر مبلغی پول بدهد، ولی فراموش کرده که مقدار آن چقدر است؛ تکلیف چیست؟ همه مراجع: اگر نذر طبق صیغه معتبر شرعی بوده، می‌تواند به مقدار حداقل اکتفا کند. به عنوان مثال اگر بین هزار تومان یا بیشتر تردید دارد؛ پرداخت همان هزار تومان کافی است [و اگر بیشتر هم بدهد، کار پسندیده‌ای است]. 191

کفاره نذر

پرسش 278. کفاره نذری که از روی عمد به جا نیاورده و چندین مدت از زمان آن گذشته، چگونه است؟ همه مراجع (به جز تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی و وحید): کفاره آن آزاد کردن يك بنده، یا اطعام شصت فقیر و یا گرفتن دو ماه روزه پی‌درپی به طور تخییر است. 192
آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی و وحید: کفاره آن آزاد کردن يك بنده یا اطعام ده فقیر یا پوشاندن آنان است و اگر اینها را نتوانست، باید سه روز پی‌درپی روزه بگیرد. 193

نذر فرزند

پرسش 279. آیا برای نذر اجازه پدر لازم است؟ آیات عظام امام و خامنه‌ای: خیر، اجازه پدر لازم نیست و او نمی‌تواند فرزند را از نذر منع کند. 194
آیه‌الله بهجت: بنا بر احتیاط واجب، اجازه پدر لازم است و اگر بدون اجازه او نذر کند، بنا بر احتیاط باید به نذرش عمل کند. 195
آیات عظام تبریزی، صافی، فاضل، نوری و وحید: خیر، اجازه پدر لازم نیست؛ ولی اگر پدر از کاری منع کند که

فرزند نذر آن را کرده، نذر او صحیح نیست. 196.
 آیه‌الله سیستانی: خیر، اجازه پدر لازم نیست؛ ولی اگر پدر از کاری منع کند که فرزند آن را نذر کرده - چنانچه نهی او از روی شفقت و دوستی باشد و مخالفت فرزند باعث آزار او گردد - نذر او صحیح نیست. 197.
 آیه‌الله مکارم: خیر، اجازه پدر لازم نیست؛ مگر آنکه کار او باعث آزار پدر باشد. در این صورت نذر صحیح نیست. 198.

نذر زن

پرسش 280. آیا زن می‌تواند بدون اذن شوهر، از مال خودش نذر کند؟
 آیات عظام امام و خامنه‌ای: خیر، نذر زن در اموال خودش، بدون اذن شوهر صحیح نیست. 199.
 آیه‌الله بهجت: نذر زن بدون اذن شوهر [حتی در اموال خودش]، بنا بر احتیاط واجب صحیح نیست. 200.
 آیات عظام تبریزی و مکارم: اگر نذر زن مزاحم حقوق شوهر باشد، بدون اذن او [در هر حال] صحیح نیست و اگر مزاحم نباشد، احتیاط مستحب آن است که با اجازه او باشد [حتی در اموال خودش]. 201.
 آیات عظام سیستانی، صافی و وحید: اگر نذر زن مزاحم حقوق شوهر باشد، بدون اذن او (در هر حال) صحیح نیست و بنا بر احتیاط واجب در اموال خودش نیز - غیر از حج، زکات، صلّه رحم و احسان به پدر و مادر - با اذن شوهر نذر کند. 202.
 آیه‌الله فاضل: اگر نذر زن مزاحم حقوق شوهر باشد، بدون اذن او [در هر حال] صحیح نیست و اگر مزاحم نباشد، احتیاط واجب آن است که با اذن او باشد؛ به خصوص در نذر اموال (هر چند متعلق به خودش باشد). 203.
 آیه‌الله نوری: آری، نذر زن از مال خودش، بدون اذن شوهر صحیح است. 204.

نذر روزه

پرسش 281. آیا نذر روزه در سفر صحیح است؟
 آیات عظام امام، تبریزی، صافی، فاضل، نوری و وحید: در مسافرت، نذر روزه جایز نیست. 205.
 آیات عظام بهجت، خامنه‌ای و سیستانی: آری، در مسافرت نذر روزه جایز و صحیح است. 206.
 آیه‌الله مکارم: روزه در سفر در هر صورت جایز نیست، هر چند نذر کرده باشد. 207.

احکام موسیقی و جشن‌ها

آثار موسیقی

پرسش 282. درباره موسیقی و دلیل حرمت آن توضیح دهید؟
«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ» 208؛ «و برخی از مردم سخنان بیهوده را می‌خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند».
 «موسیقی» - یا «موسیقیا» - واژه‌ای یونانی است که در فرهنگ لغت، معادل «غنا» است؛ ولی در حوزه مفاهیم دینی و اصطلاح فقهی، با یکدیگر تفاوت دارد. «غنا» در اصطلاح شرعی عبارت است از: «آوازی که از حنجره آدمی بیرون آمده و در گلو چرخانده (چهجه) شود و در شنونده حالت سرور و وجد ایجاد کند و مناسب با مجالس لهو و خوش‌گذرانی باشد». اما موسیقی به «صوت و آهنگی گفته می‌شود که از آلات موسیقی، پدید آید». بر این اساس بین موسیقی علمی و موسیقی فقهی، عموم و خصوص مطلق است. 209.
 در قرآن چند آیه در این مورد نازل شده است که با توجه به بعضی از آیات قرآن و احادیث، حرمت غنا و موسیقی لهوی، به خوبی ثابت می‌شود. 210 افزون بر آن، تمامی فقیهان شیعی نیز بر حرمت موسیقی و غنا اتفاق نظر دارند. 211.
 با بررسی کوتاه در قرآن و روایات و سخن روان‌شناسان، می‌توان موارد ذیل را از فلسفه‌های حرمت موسیقی دانست:

1. انسان را به فساد و فحشا گرایش می‌دهد. 212
 2. او را از یاد خدا غافل می‌سازد. 213
 3. بر روان و اعصاب، تأثیر سوئی دارد. 214
- در زمینه غنا و موسیقی توجه به چند نکته بایسته است:

یکم. هر نوع آواز و آهنگی، حرام شمرده نمی‌شود؛ بلکه تنها آهنگ‌های مناسب با مجالس لهو و فساد، مشمول حرمت است و گوش دادن به آهنگ‌هایی که از این مشخصه عاری بوده و یا مشکوک به نظر می‌رسد، اشکال ندارد. دوم. طرب و لهو، دو واژه کلیدی است که در باب غنا و موسیقی به کار می‌رود. «طرب» به حالت سبک وزنی و سبک عقلی گفته می‌شود که در اثر شنیدن آواز یا آهنگ، در روان و نفس آدمی پدید می‌آید و او را از حد اعتدال خارج می‌کند. این امر تنها به حالت شادی اختصاص نمی‌یابد؛ بلکه ممکن است از آهنگ‌های غم و حزن آور نیز به دست آید. 215 «لهو» سازگاری و هم‌نوایی آواز و آهنگ نواخته شده با مجالس فساد و خوش‌گذرانی است؛ بدین معنا که ممکن است نغمه‌ای طرب‌انگیز نباشد؛ ولی از نغمه‌هایی باشد که فقط در جلسات فاسقان و هواپرستان رایج باشد، به این آهنگ لهوی می‌گویند و اگر از هر دو مشخصه (طرب و لهو) برخوردار باشد، به آن مطرب لهوی می‌گویند. تمامی مراجع تقلید، «لهوی بودن» را جزء و قید موسیقی حرام می‌دانند؛ ولی در قید «طرب‌انگیزی» اختلاف نظر دارند. 216

سوم. آلات موسیقی دو قسم است: آلات مختص حرام؛ آلات مشترک. «آلات مختص» به آلاتی از موسیقی گفته می‌شود که نوعاً در لهو و لعب به کار می‌رود و منفعت حلالی در بر ندارد. «آلات مشترک» به آلاتی از موسیقی گفته می‌شود که هم برای منافع مشروع و حلال به کار می‌رود و هم برای منافع نامشروع و حرام. استفاده از آلات مختص به هیچ وجه جایز نیست؛ ولی آلات مشترک بستگی به کیفیت نواختن آن دارد. بیشتر مراجع تقلید 217 استفاده از آلات مشترک را به طور مطلق حرام نکرده‌اند؛ بلکه براساس کیفیت نواختن آن فتوا داده‌اند.

حکم نوازندگی

پرسش 283. حکم نواختن با آلات موسیقی را بیان کنید؟ همه مراجع (به جز بهجت و صافی): اگر از آلاتی است که به لهو و حرام اختصاص دارد، نواختن آن (در هر حال) جایز نیست؛ ولی اگر از آلات مشترک باشد، استفاده از آن به منظور منافع مشروع و حلال اشکال ندارد. 218. آیات عظام بهجت و صافی: به طور کلی نواختن با آلات موسیقی (لهو)، حرام است. 219.

حکم انواع موسیقی

پرسش 284. آیا میان انواع موسیقی‌ها - از قبیل اصیل (سنتی)، کلاسیک، محلی، پاپ و... - تفاوتی در حکم هست؟ همه مراجع: خیر، هیچ گونه تفاوتی میان آنها در حکم نیست و معیار حرمت استماع موسیقی، طرب‌انگیزی و لهوی بودن آن است. 220.

شنیدن آهنگ

پرسش 285. حکم گوش دادن به آهنگ بدون کلام چیست؟ آیات عظام امام، خامنه‌ای، فاضل و نوری: گوش دادن به هر آهنگی که مطرب و لهوی و مناسب مجالس گناه و خوش‌گذرانی است، جایز نیست (هرچند مشتمل بر کلام نباشد). 221. آیات عظام بهجت و صافی: گوش دادن به هر آهنگی که مطرب و لهوی و مناسب مجالس گناه و خوش‌گذرانی است، جایز نیست و گوش دادن به آهنگی که از نواختن آلات موسیقی تولید می‌شود، حرام است. 222. آیات عظام تبریزی، سیستانی، مکارم و وحید: گوش دادن به هر آهنگ لهوی که مناسب مجالس گناه و خوش‌گذرانی است، جایز نیست (هر چند مشتمل بر کلام نباشد). 223.

موسیقی حرام

پرسش 286. اگر استماع موسیقی هیچ گونه تأثیری در انسان نداشته باشد، آیا باز حرام است؟ همه مراجع: اگر از نوع موسیقی حرام باشد، گوش دادن به آن جایز نیست؛ هر چند در شخص تأثیر نداشته باشد. 224.

تصره. موسیقی حرام، غالباً آثار مخرب دارد و باعث بیگانگی از خدا و تحریک شهوت و آلودگی به مفاصد دیگر می‌شود؛ ولی حکم تابع این امور نیست و اگر به فرض، در موردی موسیقی حرام هیچ تأثیری در روح و روان انسان بر جای نگذارد، باز گوش دادن به آن جایز نیست.

موسیقی لَهوی

پرسش 287. آیا در موسیقی، «لهوی بودن» آن مطرح است یا محتوای شعرهایی که خوانده می‌شود؟ به تعبیر دیگر اگر اشعار خوب و مذهبی در قالب موسیقی مطرب و لهوی خوانده شود، آیا باز حرام است؟
همه مراجع: معیار در حرمت موسیقی، مطرب و لهوی بودن آن است؛ هر چند محتوای آن اشعار مذهبی و اسلامی باشد. 225
تبصره. برخی از مراجع تقلید (آیات عظام: تبریزی، سیستانی، مکارم و وحید)، قید «مطرب» را جزء موسیقی حرام نمی‌دانند.

نواختن موسیقی

پرسش 288. ویژگی‌های نواختن موسیقی حرام (بدون کلام) کدام است: داشتن ریتم تند، ایجاد رقص در شنونده، طرب‌انگیزی آن و یا هیچ کدام؟
آیات عظام امام، خامنه‌ای، فاضل و نوری: معیار حرمت موسیقی، طرب‌انگیزی و لهوی بودن آن است که با مجالس گناه و خوش‌گذرانی و فساد تناسب دارد. 226
آیات عظام بهجت و صافی: استفاده از آلات موسیقی به طور مطلق حرام است. 227
آیات عظام تبریزی، سیستانی، مکارم و وحید: معیار حرمت موسیقی، لهوی بودن آن است که با مجالس گناه، خوش‌گذرانی و فساد تناسب دارد. 228
تبصره. موسیقی حرام معمولاً دارای نشانه‌های یاد شده است؛ ولی گاه ممکن است لهوی و مناسب مجالس گناه و خوش‌گذرانی باشد؛ اما با وجود آن دارای ریتم تند و ایجاد حالت رقص در شنونده نباشد. در این صورت نیز گوش دادن به آن حرام است.

موزیک‌های ورزشی

پرسش 289. اگر گوش دادن به موزیک، باعث نیرو گرفتن و ایجاد علاقه به کار باشد؛ چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اگر از نوع موسیقی حرام باشد، گوش دادن به آن جایز نیست (هر چند باعث علاقه پیدا کردن به کار شود). 229.

موسیقی تحریقی

پرسش 290. آیا زن و شوهر به جهت تمایل به یکدیگر و افزایش شهوت، می‌توانند به موسیقی لَهوی گوش فرا دهند؟
همه مراجع: گوش دادن به موسیقی حرام، جایز نیست و صرف افزایش تمایل به همسر، مجوز شرعی برای استماع آن محسوب نمی‌شود. 230

موسیقی درمانی

پرسش 291. امروزه موسیقی برای معالجه بعضی از بیماری‌های روانی (مانند افسردگی، اضطراب، مشکلات جنسی و سرد مزاجی زنان) به کار می‌رود، حکم آن چیست؟
همه مراجع: اگر نظر پزشک متخصص و امین، بر این است که تنها راه معالجه و درمان آن، استفاده از موسیقی است؛ گوش دادن به آن - به مقداری که درمان بیمار اقتضا می‌کند - اشکال ندارد. 231
تبصره. این فرض بسیار نادر است و خداوند متعال در کارهای حرام - از جمله موسیقی ممنوع - شفا قرار نداده است و پاسخ یاد شده تنها در هنگام ضرورت و به مقدار حداقل به کار می‌آید.

مجالس موسیقی

پرسش 292. در صورتی که در مجلسی، مجبور باشیم موسیقی مطرب و لهوی را تحمل کنیم، آیا باز هم مرتکب گناه شده‌ایم؟
همه مراجع: اگر احتمال تأثیر می‌دهید - با فراهم بودن سایر شرایط - باید نهی از منکر کنید. اگر نمی‌پذیرند - چنانچه حضور شما در آنجا باعث استماع موسیقی حرام و یا تأیید گناه گردد - مجلس را ترك کنید؛ مگر آنکه باعث فتنه و فساد شود. در این صورت ماندن در آن محل به مقدار ضرورت، اشکال ندارد. البته در صورت امکان باید از گوش دادن به موسیقی حرام، اجتناب ورزید و اگر صدای آن بدون دلخواه به گوش شما رسید، اشکال ندارد. 232

پرسش 293. شرکت در مجالسی که موسیقی و ترانه مبتذل پخش می‌کنند - در حالی که تذکر دادن فایده ندارد - چگونه است؟

همه مراجع: شرکت در مجالسی که باعث استماع موسیقی حرام و یا تأیید گناه می‌گردد، جایز نیست؛ مگر آنکه بتواند نهی از منکر کند. 233

تشخیص موسیقی

پرسش 294. ملاک و مرجع تشخیص موسیقی و غنای حرام در نظام اسلامی چیست: وزارت ارشاد، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، کارشناسان موسیقی، فقیهان، عرف مردم و یا شخص؟
همه مراجع: در تعیین و تشخیص موسیقی حرام و حلال، باید به عرف عام مراجعه کرد. 234
تبصره. فقیهان، کارشناسان موسیقی و نهادهای فرهنگی نیز می‌توانند در زمینه موضوعات، اظهار نظر کرده و موسیقی حرام و حلال را (بر اساس نظر عرفی خود) معرفی کنند.

تکثیر نوار موسیقی

پرسش 295. درآمدی که از رهگذر تکثیر و توزیع نوار و سی‌دی‌های موسیقی به دست می‌آید، حلال است یا حرام؟
همه مراجع: اگر از نوع موسیقی حرام است، خرید و فروش و درآمد حاصل از آن، حرام می‌باشد. 235

موسیقی شب عروسی

پرسش 296. حکم استفاده از دف و دایره زنگی در عروسی چیست؟
آیات عظام امام، خامنه‌ای و فاضل: استفاده از آلات موسیقی برای نواختن موسیقی مطرب و لهوی (مناسب مجالس گناه و خوش‌گذرانی)، جایز نیست و بین مجلس عروسی و غیر آن، تفاوتی وجود ندارد. 236
آیات عظام بهجت و صافی: استفاده از آلات موسیقی به طور کلی جایز نیست و بین مجلس عروسی و غیر آن، تفاوتی وجود ندارد. 237
آیات عظام تبریزی، سیستانی، مکارم، نوری و وحید: استفاده از آلات موسیقی برای نواختن موسیقی لهوی (مناسب مجالس گناه و خوش‌گذرانی)، جایز نیست و بین مجلس عروسی و غیر آن، تفاوتی وجود ندارد. 238

مجالس عروسی

پرسش 297. آیا جایز است زن در شب عروسی (در مجلس زنان)، غنا و آواز بخواند و عده‌ای به رقص و زدن زن روی میز و صندلی مشغول شوند؟ حکم شرعی چنین مجلسی چیست (البته از آلات موسیقی استفاده نمی‌شود)؟
همه مراجع (به جز تبریزی و خامنه‌ای): در فرض مذکور اشکال دارد. 239
آیه‌الله تبریزی: اگر مرد یا پسر ممیز در مجلس زنانه حضور نداشته باشد و از موسیقی لهوی نیز استفاده نکنند؛ آواز زن در مجلس زنان و رقص زن برای زنان و زدن بر میز و صندلی و مانند آن - که از آلات موسیقی محسوب نمی‌شود - اشکال ندارد. 240
آیه‌الله خامنه‌ای: اگر کیفیت زدن به شیوه متداول در عروسی‌های سنتی باشد و لهو محسوب نشود و نیز رقص زن برای زنان، باعث تحریک شهوت و یا مفسده دیگر نگردد، اشکال ندارد. 241

موسیقی مجلس عروسی

پرسش 298. اگر به مجلس عروسی و مانند آن دعوت شدیم؛ ولی در آنجا موسیقی و ترانه مبتذل پخش کردند، تکلیف چیست؟ آیا باید محل را ترک کنیم؟
همه مراجع: اگر احتمال تأثیر می‌دهید، با فراهم بودن شرایط، نهی از منکر کنید و اگر نمی‌پذیرند - چنانچه حضور شما باعث استماع موسیقی حرام یا تأیید گناه گردد - باید مجلس را ترک کنید؛ مگر آنکه عسر و حرج لازم آید. 242

آهنگ‌های صدا و سیما

پرسش 299. گاهی از صدا و سیما و یا نوار ضبط صوت، آهنگ‌هایی پخش می‌شود که به نظر می‌رسد مناسب با مجالس لهو و خوش‌گذرانی است؛ در حالی که در نظر دیگران این چنین نیست! آیا می‌توانم آنان را از گوش دادن به آن منع کنم؟
همه مراجع: بر شما واجب است به آن گوش ندهید؛ ولی نهی دیگران، مبتنی بر این است که آنان هم آن را موسیقی

حرام بدانند. 243.

تبصره. یکی از شرایط وجوب فریضه امر به معروف و نهی از منکر، آن است که حرام بودن منکر، درباره انجام دهنده آن ثابت باشد و یا او بر گناه اصرار ورزد. فرض مسأله در جایی است که موسیقی یاد شده، در نظر دیگران از نوع موسیقی حلال است؛ در نتیجه نهی از منکر در اینجا ساقط می‌شود.

آهنگ مبتذل

پرسش 300. استفاده از آهنگ‌های مبتذل (موسیقی حرام)، در مجالس عروسی زنان چه حکمی دارد؟
همه مراجع: گوش دادن به موسیقی حرام - هر چند در مجالس عروسی زنان - جایز نیست. 244.
تبصره. «موسیقی» و «غنا و آوازخوانی» دومقوله است. آنچه که در مجالس عروسی زنان جایز شمرده شده، غنا و آوازخوانی زن است؛ ولی موسیقی لهوی، در هر حال و زمانی حرام است.

موسیقی محل کار

پرسش 301. من در مکانی کار می‌کنم که صاحب آن همیشه به نوارهای موسیقی مبتذل و حرام گوش می‌دهد و من هم مجبور به شنیدن آن هستم؛ آیا این کار برای من جایز است یا خیر؟
همه مراجع: اگر احتمال تأثیر می‌دهید - با تحقق سایر شرایط - باید او را نهی از منکر کنید و اگر نمی‌پذیرد، چنانچه مجبورید در آن مکان حضور داشته باشید، کارکردن در آنجا برای شما اشکال ندارد؛ ولی باید به موسیقی حرام گوش ندهید. و اگر صدای آن بدون دلخواه به گوش شما رسید، اشکال ندارد. 245.
تبصره. اگر این شخص بتواند بدون زحمت و مشقت، شغل مناسب دیگری پیدا کند، باید این راه را برگزیند. فرض مسأله جایی است که ترك آن مکان و انتخاب شغل دیگر، برای او دشوار و حرجی است.

کف زدن

پرسش 302. حکم دست زدن در مراسم عروسی چیست؟
آیات عظام امام، بهجت، خامنه‌ای، صافی و مکارم: اگر به طور متعارف و غیر لهوی باشد، اشکال ندارد. 246.
آیات عظام تبریزی، سیستانی و فاضل: دست زدن فی‌نفسه (به‌تنهایی)، اشکال ندارد. 247.
آیه‌الله نوری: اگر جلف و سبک نباشد، اشکال ندارد. 248.
آیه‌الله وحید: احتیاط واجب در ترك آن است. 249.

جشن ولادت امامان (علیهم‌السلام)

پرسش 303. حکم دست زدن در مراسم و جشن‌هایی که به مناسبت ایام ولادت و اعیاد امامان (علیهم‌السلام) برگزار می‌شود، چیست؟
آیات عظام امام، بهجت، خامنه‌ای، صافی، فاضل و مکارم: اگر دست زدن به نحو متعارف (غیر لهوی) باشد، اشکال ندارد؛ ولی این کار با مجالس اهل بیت (علیهم‌السلام) مناسبت ندارد و بهتر است فضای این مراسم، به ذکر صلوات و تکبیر و مانند آن، معطر گردد. 250.
آیات عظام تبریزی و سیستانی: دست زدن در این گونه مجالس، اشکال ندارد؛ ولی این کار با مجالس اهل بیت (علیهم‌السلام) مناسبت ندارد و بهتر است فضای این مراسم، به ذکر صلوات و تکبیر و مانند آن معطر گردد. 251.
آیه‌الله نوری: دست زدن در این گونه مجالس - اگر سبک و جلف نباشد - اشکال ندارد؛ ولی بهتر است فضای این مراسم، به ذکر صلوات و تکبیر و مانند آن معطر گردد. 252.
آیه‌الله وحید: احتیاط واجب در ترك آن است. 253.

حکم رقص

پرسش 304. آیا رقص زن و مرد اشکال دارد؟
آیات عظام امام و خامنه‌ای: رقص اگر باعث تحریک شهوت، ارتکاب گناه و یا ترتب مفسده شود و یا زن در بین مردان نامحرم برقصد، حرام است. 254.
آیه‌الله بهجت: به طور کلی رقص اشکال دارد. 255.
آیه‌الله تبریزی: رقص زن برای شوهر و رقص زن برای زنان، در مجالس عروسی و مانند آن - در صورتی که در معرض نگاه مرد (حتی پسر ممیز) نبوده و مشتمل بر حرام دیگری مثل موسیقی و مانند آن نباشد - اشکال ندارد.

رقص در غیر این دو مورد، از مصادیق لهو بوده و سزاوار است که مؤمن، از لهو اجتناب کند. 256.
آیات عظام سیستانی و وحید: تنها رقص زن برای شوهر و بر عکس آن، جایز است. 257.
آیات عظام صافی، فاضل و مکارم: تنها رقص زن برای شوهر جایز است. 258.

رقص همسر

پرسش 305 . آیا زن می‌تواند برای شوهرش برقصد و همراه با آن، به موسیقی طرب انگیز و شاد گوش کنند؟
همه مراجع (به جز بهجت): رقص زن برای شوهر، در صورتی که با موسیقی حرام همراه نشود، جایز است. 259.
آیه‌الله بهجت: اگر همراه با موسیقی حرام انجام گیرد، جایز نیست و اگر بدون آن باشد، بنا بر احتیاط واجب جایز نیست. 260.

نگاه به رقص

پرسش 306 . آیا نگاه به رقص از تلویزیون داخلی و خارجی، اشکال دارد؟
همه مراجع: نگاه به رقص از تلویزیون، اگر باعث تحریک شهوت یا استماع موسیقی حرام و یا مفسده گردد، جایز نیست. 261.
تبصره. نگاه به رقص از طریق تلویزیون، حکم حضور در مجلس گناه را ندارد؛ مگر آنکه باعث گناه و مفسده شود.

خوانندگی زن

پرسش 307 . گوش دادن به نواری که خواننده‌اش زن باشد از سروده‌های شعرایی مثل حافظ و مولوی و ... استفاده کند، چه حکمی دارد؟
آیات عظام امام، بهجت، صافی، فاضل، مکارم و وحید: گوش دادن به آن جایز نیست. 262.
آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی و نوری: گوش دادن به آواز زن، اگر غنا نباشد و باعث التذاذ جنسی و تهییج شهوت نشود و مفسده‌ای بر آن مترتب نگردد، اشکال ندارد. 263.
تبصره. «غنا» عبارت است از ترجیع صدا، به نحوی که طرب‌انگیز و مناسب با مجالس لهو و گناه باشد.

همخوانی زنان

پرسش 308 . همخوانی زنان و یا زنان و مردان در سرودها و تواشیح، چه حکمی دارد و آیا شنیدن آن جایز است؟
همه مراجع (به جز بهجت، صافی و مکارم): اگر به صورت غنا نباشد و باعث تهییج شهوت و مفسده نگردد، اشکال ندارد. 264.
آیات عظام بهجت، صافی و مکارم: اگر باعث مفسده شود، حرام است و بدون آن نیز بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست. 265.

مداحی زنان

پرسش 309 . در برخی موارد مرثیه خوانی و یا مداحی زنان در مجلس خودشان، به گونه‌ای است که صدای آنان با بلندگو به گوش مردان رهگذر می‌رسد؛ آیا این عمل جایز است؟
همه مراجع (به جز مکارم): اگر صدای آنان در معرض ریه، تلذذ و تهییج شهوت باشد، جایز نیست. 266.
آیه‌الله مکارم: خیر، جایز نیست. 267.

احکام پوشش

اهمیت حجاب

پرسش 310 . درباره حجاب و دلیل وجوب آن توضیح دهید؟
«وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» 268؛ «و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار نکنند و [اطراف] روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند [تا گردن و سینه با آن پوشانده شود]».

«حجاب»، در لغت به معنای پرده، حاجب و پنهان کردن است و در اصطلاح «پنهان کردن زن خود را از دید مرد

بیگانه است». آنچه دین اسلام بر زنان لازم دانسته، همان پوشش است که در متون دینی و در کلام فقیهان، از آن به ستر، پوشش، ساتر و پوشاننده تعبیر شده است.

حجاب و پوشش پیش از اسلام، در میان برخی از ملت‌ها - از جمله ایران باستان و قوم یهود و شاید در هند - مطرح و از آنچه که در قانون اسلام آمده، سخت‌تر بوده است. 269

این دستور در دین اسلام، حدود سال‌های چهارم و پنجم تشریح گردیده است. 270

حجاب، یکی از احکام ضروری اسلام به شمار می‌آید و شیعه و سنی بر آن، اتفاق نظر دارند. خداوند متعال در این باره سه آیه 271 در شهر مدینه، نازل کرده و در دو مورد آن، به مسأله پوشش بانوان اشاره کرده است. 272 علاوه بر این، احادیث بسیاری درباره اهمیت و چگونگی حجاب نقل شده است.

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «پوشیدگی زن به حالش، بهتر است و زیبایی‌اش را پایدارتر می‌سازد». 273 پوشش برای زن دو هدف و فلسفه اساسی دارد:

1. مصونیت زن، در برابر طمع ورزی‌های هوس‌بازان.
 2. پیشگیری از تحریکات شهوانی و تأمین سلامت و بهداشت جامعه. 274
- در زمینه حجاب و پوشش، توجه به چند نکته بایسته است:
- یکم. زن باید بدن و زیور آلات و آرایش خود و هر آنچه را که نزد عرف زینت محسوب می‌شود، در برابر مرد نامحرم بپوشاند و تنها دست و صورت از آن استثنا شده است.
- دوم. هر چند دین اسلام نسبت به نوع و رنگ و حتی دوخت لباس، تأکید چندانی ندارد و تنها به اصل پوشش - اعم از چادر، مانتو و مانند آن - تکیه کرده است؛ ولی روشن است که لباس نباید تنگ، محرک، نازک، بدن‌نما و باعث جلب توجه گردد. از این رو چادر برترین پوشش به شمار می‌آید. از مواردی که مشکلی بودن آن مکروه نیست؛ بلکه نشانه وقار و متانت است، چادر و عبا می‌باشد که در روایات به آن اشاره شده است.
- سوم. پرهیز از نرمش در سخن که باعث طمع نامحرم شود و متانت در راه رفتن و استفاده نکردن از کفش‌هایی که باعث توجه نامحرم می‌گردد، بخشی از حجاب زن را تشکیل می‌دهد.
- چهارم. گرچه پوشش کامل برای مرد واجب نیست؛ ولی نگاه زن به بدن او حرام است. همان گونه که پوشش صورت و دست‌ها تا مچ بر زن، واجب نیست؛ ولی نگاه مرد به آن از روی شهوت حرام است.

حکم مانتو

پرسش 311. پوشیدن مانتو‌هایی که برجستگی‌های بدن (مانند سینه و پشت) را نمایان می‌سازد، چگونه است؟ همه مراجع: اگر باعث تهییج شهوت باشد، جایز نیست. 275

پوشش در برابر کودکان

پرسش 312. آیا بر زن لازم است خود را در مقابل بچه نابالغ بپوشاند؟ همه مراجع (به جز بهجت، تبریزی و مکارم): اگر خوب و بد را می‌فهمد و احتمال می‌دهد که نگاهش به بدن زن، موجب تحریک شهوتش شود؛ بنابراین احتیاط واجب، باید بدن و موی خود را از او بپوشاند. 276

آیه‌الله بهجت: اگر خوب و بد را می‌فهمد، بنابر احتیاط واجب باید بدن و موی خود را از او بپوشاند. 277

آیات عظام تبریزی و مکارم: خیر، لازم نیست؛ ولی بهتر است، بدن و موی خود را از پسری هم که خوب و بد را می‌فهمد، بپوشاند. 278

پوشش زیرچانه

پرسش 313. آیا پوشاندن زیر چانه و کف و روی پا، در مقابل نامحرم واجب است؟ همه مراجع (به جز تبریزی و مکارم): آری، باید آنها را از نامحرم بپوشاند. 279

آیه‌الله مکارم: پوشاندن زیر چانه واجب است؛ ولی پوشاندن کف و روی پا تا مچ، بهتر است پوشانده شود و اگر احتمال مفسده بدهد واجب است پوشانده شود. 280

آیه‌الله تبریزی: پوشاندن زیر چانه واجب است؛ ولی پوشاندن کف و روی پا تا مچ بنابر احتیاط، واجب است. 281

آستین کوتاه

پرسش 314. پوشیدن پیراهن آستین کوتاه در مقابل زن نامحرم، چه حکمی دارد؟ آیات عظام امام، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل و مکارم: اشکال ندارد. 282

آیه‌الله نوری: اگر مخالف عفت عمومی نباشد و در نظر افراد متشرع، منکر محسوب نشود، اشکال ندارد. 283
آیه‌الله وحید: اگر بداند زنان از روی تعمد و لذت به او نگاه می‌کنند، واجب است مرد لباس آستین‌دار بر تن کند و در غیر این صورت اشکال ندارد. 284

آیات عظام بهجت و صافی: بنا بر احتیاط واجب، باید لباس آستین‌دار بر تن کند. 285
تبصره. اگر در جایی پوشیدن لباس آستین کوتاه، باعث مفسده خاص گردد، اجتناب از آن واجب است.

پوشش صورت

پرسش 315. زنی که می‌داند به جهت چهره زیبایی که دارد، مردان نامحرم به او نگاه می‌کنند، چه وظیفه‌ای دارد؟ آیا پوشاندن آن واجب است؟

آیات عظام امام، سیستانی، فاضل، مکارم و نوری: اگر باعث مفسده نشود، پوشاندن چهره بر او واجب نیست؛ ولی مردان وظیفه دارند به او نگاه نکنند. 286

آیات عظام بهجت، تبریزی و وحید: اگر باعث جلب توجه مرد نامحرم شود، بنا بر احتیاط واجب باید چهره خود را بپوشاند. 287

آیه‌الله صافی: باید چهره خود را در برابر نامحرم بپوشاند. 288

ادکلن زنان

پرسش 316. آیا برای زن جایز است که عطر بزند و از منزل بیرون رود؟

همه مراجع: خیر، جایز نیست. 289

تبصره. حکم فوق بر این اساس است که بیرون رفتن زن از منزل با حالت معطر، باعث تحریک و جلب توجه مرد نامحرم می‌شود و اگر در جایی باعث این مفسده نشود، بیرون رفتن او با آن حالت اشکال ندارد.

زیورآلات زنان

پرسش 317. زیورآلات زن، اگر در معرض دید نامحرم باشد، چه حکمی دارد؟

آیات عظام امام، بهجت، صافی، خامنه‌ای، فاضل و وحید: باید از دید مرد نامحرم پوشانده شود. 290

آیه‌الله تبریزی: پوشاندن زیورآلات پنهانی (مانند دستبند، انگو و گردن بند)، از دید نامحرم واجب است؛ ولی پوشاندن انگشتری که پیش زنان بزرگسال و یا کمی پایین‌تر متعارف است، واجب نیست. 291

آیه‌الله سیستانی: پوشاندن گردن بند از دید نامحرم واجب است؛ ولی پوشاندن انگو، دستبند، حلقه ازدواج و انگشتر واجب نیست. 292

آیات عظام مکارم و نوری: پوشاندن زیورآلات پنهانی (مانند دستبند، انگو و گردن بند) از دید نامحرم واجب است؛ ولی پوشاندن حلقه ازدواج و انگشتر، واجب نیست. 293

پوشش آرایش صورت

پرسش 318. آیا باید سرمه چشم، اصلاح صورت و ابروهای رنگ کرده را از نامحرم پوشاند؟

امام: پوشاندن اصلاح صورت واجب نیست؛ ولی پوشاندن سرمه چشم و رنگ ابرو - اگر نزد عرف زینت محسوب شود - واجب است. 294

آیات عظام بهجت و صافی: باید آن را از نامحرم پوشاند. 295

آیه‌الله تبریزی: پوشاندن اصلاح صورت - به گونه‌ای که نزد زنان کهنسال و یا کمی کمتر از آن متعارف است - واجب نیست. 296

آیات عظام سیستانی، مکارم و نوری: پوشاندن آن از نامحرم واجب نیست. 297

آیات عظام خامنه‌ای، فاضل و وحید: اگر زینت محسوب می‌شود، باید آن را از نامحرم پوشاند. 298

تبصره. اگر موارد یاد شده به گونه‌ای باشد که باعث مفسده و جلب توجه مرد نامحرم شود، پوشاندنش واجب است.

احکام نامحرم

گفت و گوی تلفنی

پرسش 319 . آیا در گفت‌وگوی زن و مرد نامحرم، فرقی بین گفت‌وگوی مستقیم و از راه دور هست؟
همه مراجع: خیر، هیچ تفاوتی در حکم نمی‌کند و در هر دو مورد، اگر با قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، اشکال دارد. 299

صحبت برای ازدواج

پرسش 320 . آیا صحبت کردن با کسی که قصد داریم در آینده با او ازدواج کنیم، گناه است؟
همه مراجع: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد و باعث مفسده نشود، اشکال ندارد. 300

چت با جنس مخالف

پرسش 321 . چت کردن با جنس مخالف و رد و بدل کردن صحبت‌های معمولی، چه حکمی دارد؟
همه مراجع: در صورتی که خوف فتنه و کشیده شدن به گناه وجود داشته باشد، جایز نیست. 301

چت اینترنتی

پرسش 322 . چت کردن با شخصی که از جنسیت او بی‌اطلاعیم، چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اگر ترس افتادن به حرام باشد، جایز نیست. 302

چشم‌های دانشگاه

پرسش 323 . برگزاری جشن‌ها و مراسم در دانشگاه - که در آن دختران و پسران مختلط اند - چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اصل اجتماع دختران و پسران، در يك محیط اشکال ندارد؛ ولی اگر بانوان حجاب کامل را رعایت نکنند و آقایان نگاه گناه‌آلود داشته باشند و محرمات دیگری (از قبیل موسیقی حرام و مانند آن) انجام گیرد، اجتماع آنان در آن محل جایز نیست. 303

اردوی مختلط

پرسش 324 . آیا دانشجویان دختر و پسر، می‌توانند به طور مشترك به اردوهای تفریحی و سیاحتی بروند؟
همه مراجع: با توجه به اینکه اختلاط دختران و پسران باعث مفسده است، باید از آن اجتناب شود. 304

سلام به نامحرم

پرسش 325 . آیا سلام کردن مرد به زن نامحرم و زن به مرد نامحرم، جایز است؟
همه مراجع: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، اشکال ندارد. 305
تبصره. اگر جنس مخالف، دختر جوان باشد، بهتر است به او سلام نکند تا از افتادن در گناه، در امان باشد.

شوخی با نامحرم

پرسش 326 . شوخی کردن با نامحرم چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اگر با قصد لذت (جنسی) باشد و یا بترسد به گناه بیفتد، جایز نیست. 306

خنده با نامحرم

پرسش 327 . خنده زن هنگام صحبت با مرد نامحرم، چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اگر خنده او طوری باشد که باعث تحريك نامحرم شود، جایز نیست. 307

همکاری دختر و پسر

پرسش 328 . آیا ارتباط صمیمی بین دختر و پسر در هنگام همکاری یا میهمانی اشکال دارد؟
همه مراجع: دوستی بین دختر و پسر جایز نیست؛ چون ترس افتادن به گناه در میان است. اما ارتباط شغلی، اگر باعث مفسده نشود و موازین شرع در آن رعایت شود، اشکال ندارد. 308

خلوت با نامحرم

پرسش 329 . آیا خلوت کردن دو نفر نامحرم در يك مکان، جایز است؟

امام، خامنه‌ای و نوری: اگر کسی نمی‌تواند وارد آن مکان شود و آنها بترسند که به حرام بیفتند، ماندنشان در آنجا حرام است. 309

آیات عظام بهجت، سیستانی و وحید: اگر احتمال فساد برود، ماندنشان در آنجا حرام است؛ هر چند طوری باشد که کس دیگر بتواند وارد شود. 310

آیات عظام تبریزی و فاضل: اگر کسی نمی‌تواند وارد آن مکان شود - در صورتی که احتمال فساد برود - ماندنشان در آنجا حرام است. 311

آیه‌الله صافی: اگر کسی نمی‌تواند وارد آن مکان شود، ماندنشان در آنجا حرام است؛ هر چند احتمال فساد ندهند و به گفت و گوهای علمی و ضروری بپردازند. 312

آیه‌الله مکارم: اگر کسی نمی‌تواند وارد آن مکان شود، بنابر احتیاط واجب ماندنشان در آنجا حرام است؛ هر چند احتمال فساد ندهند و به گفت و گوهای علمی و ضروری مانند آن بپردازند. 313

نشستن کنار نامحرم

پرسش 330. گاهی در وسایل نقلیه به جهت نشستن مرد کنار زن، بدنشان به یکدیگر برخورد می‌کند، در اینجا تکلیف چیست؟

همه مراجع: اصل تماس بدن زن و مرد با یکدیگر از روی لباس حرام نیست؛ ولی اگر باعث تحریک شهوت و فساد گردد، جایز نمی‌باشد. 314

تبصره. اگر در تماس بدنی، فشار و اتکا پیدا شود، باید از آن پرهیز کرد.

دست دادن با نامحرم

پرسش 331. هرگاه در منطقه یا محیطی، رسم بر این باشد که هنگام برخورد با یکدیگر مصافحه می‌کنند (حتی زنان با مردان) و اگر این کار را ترک کنند، اهانت و اسائه ادب نسبت به طرف مقابل محسوب می‌شود؛ حکم دست دادن زن و مرد با این فرض چیست؟

همه مراجع: دست دادن با زن نامحرم جایز نیست و شعائر دینی باید حفظ شود و با بیان حکم شرعی، حمل آن بر اسائه ادب از بین می‌رود. 315

داستان تحریک‌کننده

پرسش 332. آیا خواندن داستان‌های تحریک‌کننده جنسی، جایز است؟

همه مراجع: اگر باعث تحریک شهوت گردد، خواندن آن جایز نیست. 316

نامه‌نگاری نامحرم

پرسش 333. نامه‌نگاری با نامحرم و طرح مسائل شهوانی از طریق ایمیل، چه حکمی دارد؟

همه مراجع: طرح مسائلی که باعث ایجاد فتنه و فراهم آمدن زمینه فساد است، اشکال دارد. 317

احکام نگاه

نگاه نامحرم

پرسش 334. درباره حرمت نگاه به نامحرم توضیح دهید؟

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» 318؛ «به مؤمنان بگو: چشم‌های خود را از نگاه به نامحرم فرو گیرند.»

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» 319؛ «و به زنان با ایمان بگو: چشم‌های خود را از نگاه هوس آلود فرو گیرند.»

نگاه حرام در شرع عبارت است از: نگاه مرد به بدن زن نامحرم (به جز صورت و دست‌ها تا مچ)؛ خواه با قصد باشد یا بدون آن. و نیز نگاه به صورت و دست‌ها اگر با قصد شهوت یا ترس افتادن به حرام باشد. همچنین نگاه زن به مرد نامحرم (به جز صورت، گردن و دست‌ها و مقداری از پا)؛ خواه با قصد باشد یا بدون آن و نیز به مواضع یاد شده، اگر با قصد شهوت یا ترس افتادن به حرام باشد.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «نگاه به نامحرم، تیری از تیرهای مسموم شیطان است و چه بسا يك نگاهی که

نگاه های حلال

پرسش 335 . نگاه های جایز و حلال کدام است؟

نگاه های جایز عبارت است از:

1. نگاه به زن روستائین که نوعاً خود را نمی پوشاند، 321
 2. نگاه به عکس بی حجاب زن ناشناس،
 3. نگاه همجنس به همجنس (به جز عورت)،
 4. نگاه به زن به منظور ازدواج (با شرایط خاص)،
 5. نگاه به زن که سن 322 که هیچ گونه رغبتی به ازدواج با او نیست،
 6. نگاه به زن غیرمسلمان ؛ خواه از اهل کتاب باشد یا نه. 323
- تبصره. جواز نگاه های یاد شده در صورتی است که با قصد لذت و یا ترس افتادن به گناه همراه نشود.

نگاه های حرام

پرسش 336 . نگاه های ممنوع و حرام کدام است؟

نگاه های حرام عبارت است از:

1. نگاه به چهره آرایش کرده زن،
2. نگاه به زیور آلات زن،
3. نگاه به عکس بی حجاب زن آشنا،
4. نگاه با ریبه (ترس افتادن به حرام)،
5. نگاه به بدن مرد نامحرم (به جز صورت و دست ها)،
6. نگاه به تمام بدن زن نامحرم (به جز صورت و دست ها تا مچ)،
7. نگاه هوس آلود (هر چند به صورت و دست ها و یا به بدن همجنس) .

نگاه به عکس دختر

پرسش 337 . آیا مرد می تواند برای آگاهی از خصوصیات جسمی و زیبایی دختری که می خواهد با او ازدواج کند،

عکس یا فیلم او را مشاهده کند؟ در صورتی که دختر، فامیل و آشنا باشد، چه حکمی دارد؟

همه مراجع: اگر بدون قصد لذت باشد، اشکال ندارد ؛ هر چند آن دختر از فامیل و آشنایان باشد. 324

نگاه به دختران

پرسش 338 . شخصی قصد ازدواج دارد، آیا می تواند بدون قصد لذت به چهره و موی خانم ها (مثلاً در خیابان) نگاه

کند، تا یکی را ببیند و بعد از او خواستگاری کند؟

همه مراجع: این نوع نگاه ها جایز نیست. 325

تبصره. نگاه به بدن زن، به منظور ازدواج با او شرایطی دارد و پرسش یاد شده، خارج از این موارد است.

نگاه به نامزد

پرسش 339 . آیا نگاه مرد به بدن نامزد خود - که هنوز نامحرم است ؛ ولی ازدواج با او قطعی است - جایز است؟

همه مراجع: خیر، نامزد نامحرم، با سایر زنان تفاوتی ندارد. 326

نگاه خواستگاری

پرسش 340 . مرد تا چه اندازه می تواند به بدن زن، هنگام خواستگاری نگاه کند (البته با رعایت شرایط خاص خود

)؟

آیات عظام امام، خامنه ای و فاضل: می تواند به بدن دختر نگاه کند ؛ هر چند احتیاط مستحب است که تنها به دست و

صورت و پاها، مو و مقداری از بدن (مانند گردن و بالای سینه) اکتفا کند. 327

آیات عظام بهجت، تبریزی، سیستانی و مکارم: تنها می تواند به دست و صورت، پاها، مو و مقداری از بدن (مانند

گردن و بالای سینه) دختر نگاه کند. 328

آیه‌الله صافی: بنا بر احتیاط واجب، تنها به صورت و دست‌ها تا مچ اکتفا کند 329.
آیه‌الله نوری: می‌تواند به دست و صورت، پاهای، مو و مقداری از بدن (مانند گردن و بالای سینه) دختر نگاه کند و اگر نتواند از خصوصیات سایر بدن، از روی لباس آگاهی پیدا کند، نگاه به تمام بدن جایز است. 330
تبصره. نگاه به دختر برای خواستگاری شرایطی دارد که عبارت است از:

1. به قصد لذت و ریبه نباشد.
2. برای آگاهی از وضع جسمانی او باشد.
3. مانعی از ازدواج در میان نباشد.
4. احتمال بدهد که دختر او را رد نمی‌کند.

نگاه به برجستگی‌ها

پرسش 341. آیا نگاه به برجستگی‌های بدن زن نامحرم (مانند سینه و پشت)، از روی لباس و مانند جایز است؟
همه مراجع: اگر با قصد لذت باشد و یا بترسد که به گناه بیفتد، نگاه به این مواضع جایز نیست. 331

نگاه لذت آور

پرسش 342. اگر انسان همان طور که از دیدن باغ و گلستان لذت می‌برد، از نگاه کردن به چهره زن لذت ببرد؛ آیا این کار حرام است و مصداق قصد لذت به حساب می‌آید؟
همه مراجع: این گونه نگاه‌ها، چون جنبه لذت جنسی دارد، جایز نیست. 332

نگاه به چشم خواهری

پرسش 343. نگاه به زنان نامحرم - به ویژه فامیل و آشنا - بدون قصد لذت و تنها از روی علاقه و محبت (مثلاً به چشم خواهری)، چه حکمی دارد؟
همه مراجع (به جز صافی): اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، نگاه به صورت و دست آنان تا مچ جایز است؛ ولی نگاه به جاهای دیگر (هر چند بدون قصد لذت) حرام است. 333
آیه‌الله صافی: نگاه به بدن آنان (هر چند بدون قصد لذت) حرام است و بنابر احتیاط واجب، به صورت و دست آنان تا مچ نیز بدون قصد لذت نگاه نشود. 334

نگاه از آینه

پرسش 344. آیا نگاه به موهای زن نامحرم، از داخل آینه جایز است؟
همه مراجع: خیر، جایز نیست. 335
تبصره. حکم نگاه از آینه، شیشه، آب صاف و مانند آن، با نگاه به عکس و فیلم زن تفاوت دارد. نگاه از داخل آینه به زن نامحرم جایز نیست؛ ولی نگاه به عکس و فیلم او (اگر نا آشنا باشد)، جایز است.

نگاه به مرد

پرسش 345. حکم نگاه کردن زن به بازو و آرنج مرد نامحرم چیست؟
آیات عظام امام، خامنه‌ای و صافی: جایز نیست. 336
آیه‌الله بهجت: بنابر احتیاط واجب جایز نیست. 337
آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل، مکارم، نوری و وحید: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه باشد، اشکال ندارد. 338

نگاه به دختر بچه

پرسش 346. آیا نگاه کردن به مو و بدن دختر نابالغ جایز است؟
آیات عظام امام و سیستانی: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، اشکال ندارد؛ ولی بنابر احتیاط (مستحب) به جاهایی (مانند ران، شکم و سینه) که معمولاً آنها را می‌پوشانند، نگاه نکند. 339
آیه‌الله بهجت: اگر دختری است که خوب و بد را می‌فهمد، بنابر احتیاط واجب نگاه به او - خواه با قصد لذت یا بدون آن - جایز نیست. 340
آیات عظام تبریزی، صافی و وحید: اگر دختری است که خوب و بد را می‌فهمد (و به حدی رسیده که مورد نظر

شهوانی است)؛ در این صورت نگاه به او - هر چند بدون قصد لذت - جایز نیست. 341
آیات عظام فاضل، مکارم و نوری: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، اشکال ندارد؛ ولی بنابر احتیاط
واجب به جاهایی (مانند ران، شکم و سینه) که معمولاً آنها را می‌پوشانند، نگاه نکند. 342

عکس کودکی

پرسش 347. دیدن عکس دوران کودکی زن نامحرم، در صورتی که پوشش کافی نداشته باشند، چه حکمی دارد؟
همه مراجع (به جز سیستانی): اگر نگاه به آن باعث هتك وی و تحريك شهوت نشود، اشکال ندارد. 343
آیه‌الله سیستانی: اگر عکس یاد شده، حکایت از وضع کنونی زن کند و او را نیز بشناسد، بنا بر احتیاط واجب جایز
نیست. 344

فیلم نامحرم

پرسش 348. نگاه به عکس و فیلم برخی از فامیل‌ها و آشنایان که از نظر حجاب بی‌بند و بار و بی‌باک هستند، چه
حکمی دارد؟
آیات عظام امام، تبریزی، سیستانی، مکارم، نوری و وحید: اگر باعث مفسده نشود، اشکال ندارد. 345
آیات عظام بهجت و فاضل: بنابر احتیاط واجب، نگاه به عکس و فیلم آنان، جایز نیست. 346
آیات عظام خامنه‌ای و صافی: نگاه به عکس و فیلم آنان جایز نیست. 347

فیلم مجاز

پرسش 349. نگاه به فیلم‌های مجاز داخلی و خارجی - که از سوی وزارت ارشاد اجازه داده شده است - چه حکمی
دارد؟
همه مراجع: [اگر در حد ابتذال نبوده] و بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه باشد و باعث مفسد و انحرافات
اخلاقی نشود، اشکال ندارد (خواه فیلم داخلی باشد یا خارجی). 348

فیلم تحريك همسر

پرسش 350. آیا زن و شوهر برای تحريك جنسی، می‌توانند به فیلم‌های سکس و مبتذل نگاه کنند؟
همه مراجع (به جز تبریزی): خیر، تحريك شهوت به وسیله فیلم‌های مبتذل و جنسی جایز نیست. 349
آیه‌الله تبریزی: نگاه به فیلم‌هایی که باعث تحريك شهوت بر حرام و یا ترویج فساد در جامعه می‌شود، جایز
نیست. 350

فیلم تحريك کننده

پرسش 351. اگر با مشاهده فیلم‌های شهوت‌انگیز، مقداری از شهوت انسان فروکش کند و در جلوگیری از ارتکاب
حرام مؤثر باشد؛ آیا مشاهده آن جایز است؟
همه مراجع: نگاه به این فیلم‌های شهوت‌انگیز، جایز نیست و توجیه یاد شده، مجوز ارتکاب حرام دیگر
نمی‌شود. 351

فیلم مبتذل

پرسش 352. نگاه به فیلم‌های مبتذل - که بیشتر زنان غیرمسلمان در آن بازی می‌کنند - در صورتی که موجب
تحريك انسان نشود، چه حکمی دارد؟
همه مراجع (به جز تبریزی و سیستانی): با توجه به اینکه دیدن این گونه فیلم‌ها، شهوت برانگیز و مقدمه ارتکاب گناه
است، نگاه به آنها حرام است. 352
آیه‌الله تبریزی: نگاه به فیلم‌هایی که موجب تحريك شهوت بر حرام یا ترویج فساد در جامعه باشد، جایز نیست. 353
آیه‌الله سیستانی: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه نیز باشد، بنابر احتیاط واجب نگاه به زنان جایز
نیست. 354

عکس اینترنتی

پرسش 353. در حین کار با شبکه اینترنت گاهی در کنار برخی از مقالات، عکس‌های مبتذل دیده می‌شود که ناگزیر

از دیدن آنها هستیم؛ راهنمایی شما چیست؟
آیات عظام امام، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل و وحید: اگر به طور اتفاقی چشمتان به آن بیفتد، اشکال ندارد؛ ولی نگاه به آن با قصد لذت حرام است و بنا بر احتیاط واجب، بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه، جایز نیست. 355
آیات عظام بهجت، صافی، مکارم و نوری: اگر به طور اتفاقی چشمتان به آن بیفتد، اشکال ندارد؛ ولی نگاه عمدی به آن (هر چند بدون قصد لذت)، جایز نیست.

سانسور فیلم

پرسش 354. دیدن فیلم‌های مبتذل به منظور سانسور کردن آن، چه حکمی دارد؟
آیات عظام امام، خامنه‌ای، فاضل و مکارم: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، برای مأموران نظارت در مقام عمل به وظیفه قانونی - به مقدار ضرورت - اشکال ندارد؛ ولی باید از قصد لذت اجتناب کنند. واجب است افرادی که برای نظارت و بررسی گمارده می‌شوند، از جهت فکری و روحی زیر نظر راهنمایی مسئولان باشند. 356
آیات عظام بهجت، صافی و وحید: نگاه به این فیلم‌ها - که همیشه با نگاه شهوت برانگیز همراه است - جایز نیست. 357
آیه‌الله سیستانی: اگر با قصد لذت باشد، حرام است. اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه باشد، بنا بر احتیاط واجب، نگاه کردن به آن جایز نیست. 358

ظهور فیلم

پرسش 355. ظهور فیلم‌های عکاسی و میکس به وسیله مرد، چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اگر زن را نشانسد و باعث مفسده نشود، اشکال ندارد. 359

فیلم برداری مجالس

پرسش 356. در حالی که می‌دانیم مردان فامیل و آشنا، فیلم ما را مشاهده می‌کنند؛ آیا بر ما (زنان) جایز است بدون حجاب در مقابل فیلم بردار ظاهر شویم؟
همه مراجع: خیر، باید حجاب خود را رعایت کنید. 360

نگاه به ورزشکاران

پرسش 357. حضور بانوان در میادین ورزشی مردان (مانند فوتبال و کشتی) وقتی که با شورت و زیرپوش بازی می‌کنند، چه حکمی دارد؟
همه مراجع (به جز بهجت، تبریزی و سیستانی): نگاه زن به بدن نامحرم جایز نیست؛ هر چند بدون قصد لذت باشد. 361
آیه‌الله بهجت: نگاه به آنها بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و اگر باعث مفسده شود، حضور آنان حرام است. 362
آیات عظام تبریزی و سیستانی: با توجه به اینکه حضور زنان در این گونه ورزشگاه‌ها، باعث مفسده است، جایز نیست. 363

فیلم ورزشی

پرسش 358. حکم تماشای کشتی‌گیران و سایر ورزشکاران با بدن نیمه برهنه، از تلویزیون برای بانوان چگونه است؟
آیات عظام امام، فاضل، سیستانی، نوری و وحید: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد و باعث مفسده هم نشود، اشکال ندارد. 364
آیات عظام بهجت، صافی و مکارم: با توجه به اینکه نگاه به این نوع برنامه‌ها، باعث فساد و تهییج شهوت می‌شود، جایز نیست. 365
آیه‌الله تبریزی: اگر به طور غیرزنده پخش شود و قصد لذت و ترس افتادن به حرام نباشد، اشکال ندارد. اما اگر به طور زنده پخش شود، در هر حال جایز نیست. 366
آیه‌الله خامنه‌ای: اگر به طور غیر زنده پخش شود و قصد لذت و ترس افتادن به حرام نباشد، اشکال ندارد. و اگر به طور زنده پخش شود، در هر حال بنا بر احتیاط واجب جایز نیست. 367
تبصره. فرض مسأله، جایی است که مردان ورزشکار و کشتی‌گیر ناشناس باشند (یعنی او را از غیر طریق فیلم به

طور شخصی نشناسد) وگرنه به فتوای همه مراجع تقلید، تماشای آن حرام است.

احکام ازدواج

اهمیت ازدواج

پرسش 359. درباره اهمیت ازدواج و فواید آن توضیح دهید؟

«وَأَنْكَحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَانِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»
«368؛ «مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید و نیز غلامان و کنیزان شایسته را اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد؛ خداوند گشایش دهنده و آگاه است».

هیچ شالوده ای مقدس تر از بنای رفیع ازدواج نیست 369 و هر ملتی در دین و آیین خود، به نوعی از آن بهره مند است. دین اسلام بیش از همه، بر آن تأکید فراوان دارد و آثار و فواید مهمی برای آن یاد کرده است. فقیهان، ازدواج را از مستحبات مؤکد بر شمرده و آن را برای کسی که به سبب نگرفتن همسر به گناه بیفتد، واجب دانسته اند. نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هر کس ازدواج کند، به درستی که از نصف دینش پاسداری کرده است». 370
ازدواج دارای چند فایده است:

1. بقای نسل،
 3. آرامش و تعادل روحی و جسمی،
 3. سلامت اخلاقی و اجتماعی جامعه،
 4. ارضای حس محبت کردن و مورد محبت قرار گرفتن و
- زن و مرد از سه راه به یکدیگر محرم می شوند: نسب (خویشاوندی)، رضاع (شیر خوردن) و ازدواج. راه سوم (ازدواج) بر دو قسم است: دائمی و موقت. عقد دائم آن است که مدت زناشویی در آن تعیین نشود و عقد موقت آن است که مدت زناشویی در آن تعیین شود. برای مثال زن را به مدت یک ساعت، یک روز، یک ماه، یک سال و یا بیشتر عقد نمایند 371. زنی را که به این قسم عقد کنند، متعه و صیغه نیز می نامند. هر دو ازدواج در بسیاری از احکام و مسائل مشترک است؛ به عنوان مثال در هر دو باید صیغه خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد کافی نیست. خود زن و مرد می توانند این صیغه را بخوانند و یا دیگری را وکیل کنند که از طرف آنان بخواند. در پاره ای از مسائل نیز با یکدیگر تفاوت دارد؛ مانند:
1. ذکر نشدن مهر در عقد دائم، عقد را باطل نمی سازد؛ بر خلاف عقد موقت.
 2. زن و شوهر در عقد دائم از یکدیگر ارث می برند؛ بر خلاف عقد موقت.
 3. جایز نیست زن و شوهر در عقد دائم شرط کنند که نزدیکی انجام نگیرد؛ بر خلاف عقد موقت.
 4. شوهر در عقد دائم باید نفقه زن را بپردازد؛ برخلاف عقد موقت.
 5. زن در عقد دائم بدون اجازه شوهر نمی تواند بیرون برود؛ ولی در عقد موقت می تواند؛ مگر آنکه باعث تضییع حق شوهر شود.
 6. ذکر مدت در عقد دائم لازم نیست؛ ولی در عقد موقت باید مدت ذکر شود.

شرایط عقد ازدواج

پرسش 360. شرایط عقد ازدواج چیست؟

ازدواج دارای شرایطی است؛ از جمله:

1. به صورت شفاهی صیغه خوانده شود، نه نوشتاری.
2. قصد انشای عقد داشته باشند.
3. بین ایجاب و قبول موالات رعایت شود.
4. صیغه را به صورت صحیح بخوانند.
5. خواننده صیغه عاقل و بالغ باشد.
6. زن و مرد به ازدواج راضی باشند.

ازدواج های حرام

پرسش 361. ازدواج های حرام کدام است؟

ازدواج با افراد زیر حرام است:

1. محارم،
2. زن شوهردار،
3. خواهرزن،
4. زن عده دار،
5. خواهر لواط دهنده،
6. کافر غیرکتابی (مانند کمونیست ها)،
7. در حال احرام،
8. ازدواج دائم با زن پنجم.

هم‌خوابی دوران عقد

پرسش 362. آیا در زمان عقد (پیش از عروسی)، اجازه پدر عروس در مورد هم‌خوابی شرط است؟
همه مراجع: اگر دختر در خانه پدر باشد، رفت و آمد به آن خانه برای ارتباط زناشویی، باید با اجازه پدر او باشد. 372.

وجوب ازدواج

پرسش 363. آیا ازدواج در اسلام واجب است، یا اینکه شخص می‌تواند تا پایان عمر خود مجرد بماند؟
همه مراجع: اصل ازدواج در اسلام واجب نیست و از مستحباتی است که به آن بسیار سفارش شده است؛ ولی اگر کسی به واسطه نداشتن همسر، به حرام بیفتد، ازدواج بر او واجب می‌گردد و حق ندارد تا پایان عمر مجرد باشد.

تأخیر ازدواج

پرسش 364. اگر جوانی از نظر شغلی و مالی، قادر به ازدواج نباشد؛ آیا باز ازدواج بر او واجب است؟
همه مراجع: اگر امکانات ازدواج برای او فراهم نباشد، معذور است؛ ولی باید خود را از گناه حفظ کند. 373.

حلقه داماد

پرسش 365. آیا خانواده عروس، می‌تواند برای داماد حلقه و انگشتر طلا تهیه کند؟
همه مراجع: خرید آن جایز نیست. 374.

طلای زرد

پرسش 366. زینت مردان با طلای زرد چه حکمی دارد؟
همه مراجع: پوشیدن طلا - مانند آویختن زنجیر طلا به گردن و به دست کردن انگشتر و ساعت طلا - برای مرد حرام است. 375.

طلای سفید

پرسش 367. طلای سفید برای مردان چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اگر از جنس طلا باشد، جایز نیست؛ هر چند به رنگ سفید باشد. 376.

حکم پلاتین

پرسش 368. آیا در دست کردن و استفاده از پلاتین برای مرد اشکال دارد؟
همه مراجع: استفاده از پلاتین اشکال ندارد. 377.
تبصره. پلاتین طلا نیست و فلز دیگری است.

زمان عروسی

پرسش 369. آیا مراسم عقد و عروسی در ماه محرم و صفر جایز است؟
همه مراجع: برگزاری این نوع مراسم، اگر توأم با معصیت و یا هتک حرمت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) نباشد، اشکال ندارد. اما برای مؤمنان سزاوار است که حرمت این ایام را پاس بدارند و از انجام کارهای شادی آفرین

دوران نامزدی

پرسش 370. تفریح و رفتن به گردش با نامزد خود - که هنوز عقد نکرده است - چه حکمی دارد؟
همه مراجع: تا زمانی که عقد شرعی خوانده نشده، جایز نیست. 379

صیغه موقت

پرسش 371. زن و مردی صیغه موقت جاری می‌کنند و بعد از آمیزش متوجه می‌شوند که عقدشان به جهتی باطل بوده است؛ آیا این کار آنان در حکم زنا است و بچه به دنیا آمده نامشروع است؟
همه مراجع: با توجه به اینکه به مسأله آگاه نبوده‌اند، عملشان زنا نبوده و بچه نیز حلال زاده است و اگر بخواهند به زندگی موقت ادامه دهند، باید دوباره صیغه عقد را جاری کنند. 380

مدت عقد موقت

پرسش 372. حداقل و حداکثر مدت در عقد موقت چه مقدار است؟
همه مراجع (به جز تبریزی، سیستانی، مکارم و وحید): عقد موقت اندازه معینی ندارد و مقدار آن، با توافق دو طرف انجام می‌پذیرد. 381
آیه‌الله سیستانی: ... باید مدت آن از مقدار عمر زن و شوهر و یا یکی از آنها بیشتر نباشد که در این صورت عقد باطل خواهد بود. 382
آیات عظام تبریزی، مکارم و وحید: ... بنابر احتیاط واجب، باید مدت آن از مقدار عمر زن و شوهر یا یکی از آنها بیشتر نباشد. در غیر این صورت، احتیاط واجب آن است که احکام عقد دائم را بر آن جاری سازند. 383

عقد دائم

پرسش 373. آیا جایز است پیش از تمام شدن مدت عقد موقت، زن را به عقد دائم خود در آورد؟
همه مراجع: خیر، جایز نیست؛ ولی می‌تواند مدت باقی مانده را به او ببخشد و سپس عقد دائم بخواند. 384

صیغه عقد عربی

پرسش 374. آیا در عقد ازدواج - خواه دائم یا موقت - عربی خواندن شرط است؟
آیات عظام امام، تبریزی، خامنه‌ای، مکارم، سیستانی و وحید: بنابر احتیاط واجب باید صیغه به عربی صحیح خوانده شود. 385
آیه‌الله بهجت: خیر شرط نیست؛ بلکه می‌توانند به هر زبانی که خواستند بخوانند. اما احتیاط مستحب (بهتر) آن است که به عربی بخوانند. 386
آیات عظام صافی، فاضل و نوری: باید صیغه به عربی صحیح خوانده شود. 387

اشتباه صیغه عقد

پرسش 375. اگر در خواندن عقد نکاح يك حرف یا بیشتر اشتباه شود، آیا عقد باطل است؟
همه مراجع: اگر معنای آن عوض شود، عقد باطل است. 388

خواندن صیغه عقد

پرسش 376. کسی که معنای لفظ عربی صیغه ازدواج را نمی‌داند، می‌تواند آن را بخواند؟
همه مراجع (به جز بهجت): خیر، جایز نیست؛ مگر آنکه معنای هر کلمه از عقد را جداگانه بداند و کلمات آن را صحیح ادا کند. 389
آیه‌الله بهجت: بنابر احتیاط واجب، نمی‌تواند آن را به عربی بخواند؛ مگر آنکه بخواهد ترجمه آن را به زبان فارسی و یا زبان دیگری جاری کند. در این صورت احتیاط مستحب آن است که هر دو را بخواند (عربی و ترجمه آن). 390

صیغه عقد فارسی

پرسش 377. آیا زن و مرد می‌توانند خودشان صیغه ازدواج را به فارسی بخوانند یا اینکه باید وکیل بگیرند تا عربی

خوانده شود؟

آیات عظام امام، سیستانی، صافی، مکارم، نوری و وحید: اگر نمی‌توانند خودشان به صورت عربی صحیح بخوانند، می‌توانند به فارسی و یا هر زبان دیگری صیغه را اجرا کنند؛ ولی باید در همان زبان، لفظی را بگویند که معنای «زوجت» و «قبلت» را بفهماند و لازم نیست وکیل بگیرند. 391

آیه‌الله بهجت: خواندن عقد نکاح به زبان فارسی و یا هر زبان دیگری جایز است؛ هر چند توانایی بر خواندن زبان عربی هم داشته باشند و وکیل گرفتن لازم نیست. 392

آیات عظام تبریزی و فاضل: اگر نمی‌توانند خودشان به صورت عربی صحیح بخوانند، چنانچه گرفتن وکیل برایشان ممکن باشد - بنا بر احتیاط واجب - باید وکیل بگیرند و اگر ممکن نیست، می‌توانند خودشان به زبان فارسی و یا هر زبان دیگری صیغه را اجرا کنند؛ ولی باید در همان زبان، لفظی را بگویند که معنای «زوجت» و «قبلت» را بفهماند. 393

پرسش 378. اگر دختر و پسری بخواهند خودشان صیغه عقد موقت بخوانند، کیفیت آن به چه شکل است؟ همه مراجع: پس از تعیین مهر و مدت عقد و رعایت شرایط عقد (مانند اجازه پدر دختر)، نخست دختر بگوید: **«رَوِّجْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ»** و پس از آن بدون فاصله (طولانی) پسر بگوید: **«قَبِلْتُ التَّرْوِيجَ»**. 394

مجلس عقد

پرسش 379. آیا زن و شوهر باید در مجلسی که صیغه عقد خوانده می‌شود، حضور داشته باشند؟ همه مراجع: خیر، لازم نیست. 395

روابط مشروع

پرسش 380. آیا هیچ راه شرعی و قانونی - به جز ازدواج - وجود دارد که دو جوان روابط مشروع با هم داشته باشند؟ آیا در اسلام چیزی به نام صیغه خواهر و برادری وجود دارد؟ همه مراجع: خیر، تنها راه، ازدواج - به طور دائم یا موقت - است و صیغه خواهر و برادری با نامحرم مشروع نیست. 396

وکیل عقد ازدواج

پرسش 381. آیا خود مرد می‌تواند از طرف زن، وکیل شود و عقد را بخواند؟ همه مراجع: آری، می‌تواند. 397

ازدواج اجباری

پرسش 382. اگر پدر و مادر فرزندان خود (پسر یا دختر) مجبور سازند با شخص غیر مورد علاقه خود ازدواج کنند، آیا عقد صحیح است؟ همه مراجع: خیر، در فرض یاد شده عقد باطل است. 398

عقد در چت

پرسش 383. آیا جایز است عقد ازدواج را از طریق چت و به صورت آنلاین و زنده، اجرا کرد؟ همه مراجع: اگر شرایط صحت عقد را رعایت کنند و صدای یکدیگر را بشنوند و بین جملات آنان فاصله طولانی نیفتد، اشکال ندارد و عقد صحیح است. 399

عقد معاطاتی

پرسش 384. آیا عقد و نکاح معاطاتی نیز جایز است؟ به عنوان مثال پسر انگشتری را در دست دختر کند به قصد اینکه همسر یکدیگر شوند، بی‌آنکه صیغه عقد بخوانند؟ همه مراجع: ازدواج معاطاتی، درست نیست و باید صیغه بخوانند. 400

شاهد ازدواج

پرسش 385 . آیا در عقد ازدواج، شاهد گرفتن لازم است؟
همه مراجع: خیر، در عقد ازدواج - خواه دائم یا موقت - حضور شاهد لازم نیست. 401

اجازه پدر

پرسش 386 . آیا در ازدواج با دختر باکره، اجازه پدر یا جد پدری واجب است و اگر بدون اجازه عقد بخوانند، عقدشان باطل است؟
آیات عظام امام، تبریزی، سیستانی، مکارم و نوری: آری، باید با اجازه پدر یا جد پدری دختر باشد و بدون اجازه او عقد باطل است. 402
آیات عظام بهجت، فاضل: از نظر تکلیفی، احتیاط واجب آن است که با اجازه پدر یا جد پدری باشد، ولی اگر بدون اجازه عقد بخوانند، عقد باطل نیست. 403
آیات عظام خامنه‌ای، صافی و وحید: بنا بر احتیاط واجب، باید با اجازه او باشد و اگر بدون اجازه عقد بخوانند بنا بر احتیاط واجب، عقد باطل است. 404

اجازه عقد موقت

پرسش 387 . آیا عقد موقت نیز مانند عقد دائم، احتیاج به اجازه پدر دارد؟
همه مراجع: آری، تفاوتی بین آن دو نیست. 405

صیغه محرمیت

پرسش 388 . ما دو نفر همکار مجرد هستیم، برای آنکه روابط مان از نظر شرعی دچار مشکل نشود و به گناه کشیده نشویم، می‌توانیم بدون اجازه پدر دختر، ازدواج موقت کنیم؟
همه مراجع: روابط کاری و تحصیلی باعث نمی‌شود، اذن پدر یا جد پدری دختر از اعتبار بیفتد. 406

تفاوت مرجع تقلید

پرسش 389 . اگر مرد مقلد مرجعی باشد که معتقد است ازدواج موقت دختر باکره بدون اجازه پدرش جایز نیست؛ ولی دختر مقلد کسی است که می‌گوید اجازه پدر لازم است؛ آیا مرد می‌تواند این دختر را بدون اجازه پدرش عقد کند؟
همه مراجع: در این فرض نیز باید با اجازه پدر دختر باشد. 407

رضایت قلبی پدر

پرسش 390 . اگر دختر گفت: پدر و مادرم رضایت قلبی به ازدواج دارند؛ آیا می‌توان به گفته او بدون اذن پدر با او ازدواج کرد؟
همه مراجع: در اذن پدر، اظهار لازم است و رضایت قلبی کافی نیست. 408

ازدواج دختر

پرسش 391 . اگر دختر بکارتش را در دوران کودکی از دست داده باشد (البته نه از راه نامشروع؛ بلکه مثلاً با بازی و ورزش)، آیا در ازدواج با او، اجازه پدرش شرط است؟
همه مراجع: این دختر حکم دختر باکره را دارد. 409

طلاق دختر

پرسش 392 . اگر دختر باکره‌ای شوهر کند و بدون اینکه با او نزدیکی شود، طلاق بگیرد؛ آیا ازدواج با او نیاز به اجازه پدر دارد؟
آیات عظام امام، سیستانی و نوری: آری، باید با اجازه او باشد. 410
آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، صافی، فاضل، مکارم و وحید: بنا بر احتیاط واجب، باید با اجازه او باشد. 411

عقد مخفیانه نامزد

پرسش 393 . اگر پدر دختر به ازدواج دائم با جوانی اجازه دهد؛ آیا آنان می‌توانند برای آشنایی از خصوصیات

یکدیگر، بدون اطلاع خانواده او، عقد موقت بخوانند؟
همه مراجع: در این فرض نیز اعتبار اجازه پدر برای خواندن عقد موقت ساقط نمی‌شود 412.

فوت پدر

پرسش 394. دختر باکره رشیده‌ای که پدرش فوت کرده، اجازه چه کسی برای عقد او لازم است؟
همه مراجع (به جز مکارم): در ازدواج با دختر باکره به جز اجازه پدر و یا جد پدری، اجازه فرد دیگری لازم نیست. 413
آیه‌الله مکارم: در صورت فوت پدر و جد پدری، عقد موقت دختر با اجازه حاکم شرع باشد.

روابط قبل عقد

پرسش 395. آیا دختر و پسر عاقل و بالغ، می‌توانند بدون اطلاع خانواده برای ازدواج با هم صحبت کنند و سپس خانواده را مطلع سازند؟
همه مراجع: خواستگاری و گفت‌وگویی پیش از عقد، اگر مفسده نداشته و بدون قصد لذت و ترس افتادن در گناه باشد، اشکال ندارد. 414

مخالفت پدر

پرسش 396. در صورتی که دختر و پسری هم کفو باشند؛ ولی پدر دختر مخالف ازدواج آنها باشد، آیا باز هم رضایت او لازم است؟ (باید توجه داشت دختر بالغ و رشیده است و نیاز به ازدواج دارد)؟
همه مراجع (به جز بهجت، تبریزی و صافی): اگر پسر - شرعا و عرفا - کفو و همتای دختر باشد، اجازه پدر لازم نیست. 415
آیات عظام بهجت و تبریزی: اگر پسر - شرعا و عرفا - کفو و همتای دختر باشد و ازدواج هم به مصلحت او باشد، اجازه پدر لازم نیست. 416
آیات عظام خامنه‌ای و صافی: اگر پسر - شرعا و عرفا - کفو و همتای دختر باشد و کفو دیگری نیز پیدا نشود، اجازه پدر لازم نیست. 417

رضایت پدر

پرسش 397. در صورتی که ولی دختر باکره، به اصل ازدواج دخترش با جوانی راضی است؛ ولی نسبت به خصوصیات ازدواج (مانند مقدار مهر و تعیین زمان عقد و عروسی و...) مخالف است و خود پسر و دختر توافق دارند؛ آیا در این صورت هم اجازه پدر لازم است؟
همه مراجع: اگر پدر با اصل ازدواج موافق است، ولی نسبت به خصوصیات آن مخالف باشد؛ در این صورت اجازه او لازم نیست و عقد صحیح است. 418

ازدواج مجدد

پرسش 398. آیا زن می‌تواند در ضمن عقد ازدواج، شرط کند که شوهر او همسر دوم اختیار نکند؟
آیات عظام امام، بهجت، خامنه‌ای، فاضل، مکارم و نوری: خیر، این شرط صحیح و نافذ نیست؛ ولی اگر شرط کند که: «زن وکیل شوهر باشد، چنانچه شوهر ازدواج مجدد نماید، خود را طلاق دهد»، صحیح است. 419
آیات عظام تبریزی، سیستانی و صافی: آری، این شرط صحیح و نافذ است و اگر شوهر بعد از ازدواج، به این شرط عمل نکرد و ازدواج مجدد نمود، گناه کرده است. 420
آیه‌الله وحید: بنابر احتیاط واجب، این شرط صحیح و نافذ نیست؛ ولی اگر شرط کند که: «زن وکیل شوهر باشد، چنانچه شوهر ازدواج مجدد نماید، خود را طلاق دهد»، صحیح است. 421

زنان بدکاره

پرسش 399. صیغه کردن زنان بدکاره چه حکمی دارد؟
آیات عظام امام، بهجت، خامنه‌ای و صافی: ازدواج موقت با او کراهت شدید دارد و اگر با او ازدواج کرد، واجب است او را از کار زشتش باز دارد. 422
آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل، مکارم، نوری و وحید: بنا بر احتیاط واجب پیش از توبه او، جایز نیست. 423

ازدواج با بی‌نماز

پرسش 400. آیا ازدواج با شخصی که نماز نمی‌خواند، جایز است؟
همه مراجع: ازدواج با او جایز است؛ ولی کراهت دارد. 424
تبصره. ازدواج با فرد فاسق کراهت دارد و کسی که نماز نمی‌خواند، مصداق بارز فسق شمرده می‌شود.

ازدواج با اهل سنت

پرسش 401. حکم ازدواج دختر شیعه با مردی از اهل تسنن چیست؟
همه مراجع (به جز بهجت، تبریزی و وحید): ازدواج دختر شیعه با مرد سنی، مکروه است؛ ولی اگر بترسد که بر اثر ازدواج با او به گمراهی بیفتد، جایز نیست. 425
آیات عظام بهجت، تبریزی و وحید: اگر بترسد که بر اثر ازدواج با او به گمراهی بیفتد، جایز نیست و در غیر این صورت بنا بر احتیاط واجب، با او ازدواج نکند. 426
تبصره. ازدواج با برخی از فرقه‌ها مانند: غلات، ناصبی‌ها و خوارج - که خود را مسلمان می‌پندارند، ولی در حقیقت محکوم به کفر هستند - جایز نیست.

زن شوهردار

پرسش 402. هرگاه با زنی به صورت دائم یا موقت ازدواج کند، آن‌گاه معلوم شود که شوهر دارد، تکلیف چیست؟
همه مراجع: عقد باطل است و باید از او جدا شود و نیاز به طلاق هم ندارد. 427

خواهر لواط دهنده

پرسش 403. شخصی پس از بلوغ با پسر بچه‌ای نابالغ، وطی (لواط) کرده؛ بعد خواهر او را گرفته است. پس از ازدواج متوجه می‌شود که ازدواج با او حرام بوده؛ اکنون تکلیف چیست؟
همه مراجع (به جز تبریزی): در فرض یاد شده، آن زن بر مرد حرام است و باید از او جدا شود و نیاز به طلاق هم ندارد. 428
آیه‌الله تبریزی: بنا بر احتیاط واجب زن بر مرد حرام است و باید از او جدا شود و بنا بر احتیاط طلاق هم بدهد. 429

پرسش 404. اگر لواط کننده و لواط دهنده هر دو نابالغ باشند، آیا باز ازدواج با خواهر لواط دهنده حرام می‌شود؟
آیات عظام امام، بهجت و نوری: آری، ازدواج با خواهر او حرام می‌شود. 430
آیات عظام تبریزی، صافی، فاضل و مکارم: خیر، ازدواج با خواهر او حرام نمی‌شود. 431
آیات عظام سیستانی و وحید: بنا بر احتیاط واجب، ازدواج با خواهر او حرام نمی‌شود. 432

ازدواج در عده

پرسش 405. اگر مردی با زنی که در عده است از روی جهل به مسأله، عقد دائم یا موقت بخواند؛ آیا این زن بر او حرام ابدی می‌شود؟
همه مراجع (به جز مکارم): اگر هر دو نمی‌دانستند که ازدواج با زن عده‌دار حرام است؛ چنانچه مرد (در زمان عده) با او نزدیکی کرده باشد، آن زن بر او حرام ابدی می‌شود. اما اگر نزدیکی نکرده باشد، تنها عقد باطل است و می‌تواند پس از پایان عده، با یکدیگر ازدواج کنند. 433
آیه‌الله مکارم: اگر وکیل عقد را در عده خوانده باشد حرام ابدی نمی‌شود.

پرداخت مهریه

پرسش 406. اگر به اعتقاد اینکه، دختر باکره است با او ازدواج کند، آن‌گاه بعد از عقد متوجه شود که بکارتش از بین رفته؛ آیا عقد صحیح است؟ آیا از مهر چیزی کسر می‌شود؟
همه مراجع: آری، عقد صحیح است و باید مقدار تفاوت مهریه دختر باکره و غیرباکره‌ای که همانند و هم‌شان او هستند، در نظر گرفت و به نسبت آن از مهریه او کم کرد. به عنوان مثال اگر مهریه این دختر صد سکه و مهریه دختر باکره هم‌شان او، هشتاد سکه و مهریه دختر غیرباکره هم‌شان او، شصت سکه طلا باشد؛ در این صورت شوهر می‌تواند هفتاد و پنج سکه طلا به همسرش بدهد. 434

پرسش 407. اگر مردی قصد پرداختن مهریه همسرش را نداشته باشد، آیا این عقد آنها باطل است؟
همه مراجع: عقد صحیح است و مرد باید مهریه را بپردازد. 435

پرسش 408. اگر مرد هنگام اجرای عقد ازدواج، مهریه‌ای را قرار دهد که می‌داند قدرت پرداخت آن را ندارد؛ آیا این عقد باطل است؟

همه مراجع: خیر، عقد صحیح است و باید مهریه‌ای را که تعیین کرده، به زن بپردازد. 436

مهر السنه

پرسش 409. مقدار مهر السنه را بیان کنید؟

همه مراجع: «مهر السنه» مقدار مهری است که نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) برای همسران خود و حضرت زهرا (علیها السلام) قرار داد. مقدار آن پانصد درهم است و هر درهم، معادل 12/6 نخود نقره سکه‌دار است. در مجموع برابر 6300 نخود (یا 262/5 مثقال) می‌شود و قیمت آن در هر زمان، تابع نرخ همان زمان است. 437

احکام زن و شوهر

حقوق زن و شوهر

پرسش 410. درباره حقوق زن و شوهر توضیح دهید؟

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» 438؛ «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان، برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید».

در زندگی زناشویی چندین حقوق متقابل - به عنوان حق و وظیفه - مطرح است. هر جا وظیفه هست، در برابرش حق قرار دارد؛ چنان که هر جا برای کسی حقی قرار داده شده، در مقابل وظیفه‌ای نیز بر عهده او گذاشته شده است. زن و شوهر نسبت به همدیگر، وظایفی دارند و بر همین اساس حقوق متقابلی متوجه آنان است که اگر هر دو به وظایف خود عمل کنند و به حقوق خود برسند، زندگی آنها درست و بر اساس عدالت استوار است و در نتیجه زندگی در سایه آن شیرین می‌گردد.

پایه و اساس خانواده، احترام و محبت و رعایت حقوق یکدیگر است. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «هر کس زن گرفت، باید او را گرامی بدارد و به او احترام کند.» 439 و امام کاظم (علیه السلام) می‌فرماید: «جهاد زن شوهرداری نیکو است.» 440

حقوق زناشویی بر دو نوع است:

1. حقوق واجب و قانونی،

2. حقوق مستحب و اخلاقی.

حقوق قانونی، رعایت حداقل‌ها است که قانون و دادگاه از آن دفاع می‌کند. حقوق اخلاقی، رعایت حسن هم زیستی است که خوشی و شیرینی زندگی را بیش از پیش فراهم می‌سازد.

الف. حقوق زن نسبت به مرد:

1. تهیه غذا،

2. تهیه پوشاک،

3. تهیه وسایل مورد نیاز خانه،

4. تهیه مسکن،

5. حق آمیزش و همجواری،

ب. حقوق مرد نسبت به زن:

1. خروج از منزل با اجازه شوهر،

2. حق تمکین،

3. رفع امور نفرت آور،

4. آرایش و نظافت،

5. نذر و قسم خوردن با اجازه شوهر.

نفقة زن

پرسش 411. آیا بدهی‌های شرعی زن - از قبیل کفاره، خمس، رد مظالم و... - بر عهده شوهر است؟
همه مراجع: خیر، پرداخت این نوع بدهی‌ها بر شوهر واجب نیست و اگر زن مال دارد، باید خودش بدهد. در غیر این صورت، تکلیفی ندارد. 441

مخارج اضافی

پرسش 412. آیا علاوه بر نفقه و نیازهای ضروری زن، نیازهای دیگر او نیز - از قبیل خرید کتاب، انفاق به فقیران، هدیه دادن، برپا کردن مجالس روضه خوانی و جشن ائمه (علیهم‌السلام) - بر شوهر واجب است؟
همه مراجع: خیر، تأمین نیازهای یاد شده، برای شوهر واجب نیست. 442

مخارج زندگی

پرسش 413. چنانچه مردی نفقه همسرش را ندهد و یا از آن کم بگذارد، زن چگونه می‌تواند نفقه خود را از او استیفا نماید؟

آیات عظام امام، بهجت و فاضل: نخست باید به حاکم شرع مراجعه کند و با عدم دسترسی به او، با چند نفر از افراد عادل در میان بگذارد تا از این طریق، او را بر پرداخت نفقه ملزم کنند و اگر این راه‌ها ممکن نبود، می‌تواند مخارج زندگی خود را بدون اجازه از مال شوهر بردارد. 443
آیات عظام تبریزی، سیستانی، صافی، مکارم و نوری: اگر ممکن است، می‌تواند مخارج زندگی خود را بدون اجازه از مال شوهر بردارد. 444
آیه‌الله وحید: می‌تواند از طریق متصدی امور حسبیه، شوهر را بر پرداخت نفقه ملزم کند و اگر ممکن نشد، می‌تواند خرجی خود را بدون اجازه، از مال شوهر بردارد و احتیاط واجب آن است که این کار با اجازه حاکم شرع باشد. 445
تبصره. به فتوای آیه‌الله سیستانی و آیه‌الله مکارم شیرازی، در فرض یاد شده، تصرف در اموال شوهر باید با اجازه حاکم شرع باشد.

حق زن

پرسش 414. اگر زن درآمد کافی داشته باشد، آیا شوهر می‌تواند از پرداخت نفقه به همسر خود امتناع ورزد؟
همه مراجع: خیر؛ هر چند زن درآمد کافی نیز داشته باشد، باز نفقه او بر شوهر واجب است. 446

نفقه نامزد

پرسش 415. در دوران عقد تا عروسی - که دختر در خانه پدر به سر می‌برد - آیا تأمین نفقه او بر عهده شوهر است؟
آیات عظام امام، بهجت، خامنه‌ای، صافی، فاضل، مکارم و نوری: در فرض یاد شده اگر زن تمکین داشته باشد، نفقه او بر شوهر واجب است. 447
آیات عظام تبریزی و وحید: خیر، در این فرض بر عهده شوهر نیست. 448
آیه‌الله سیستانی: اگر در شهری که زندگی می‌کنند، متعارف این است که نفقه دختر را خانواده‌اش می‌دهد، بر عهده شوهر چیزی نیست. در غیر این صورت، پرداخت نفقه، وظیفه شوهر است. 449
تبصره. اگر با مطالبه زن، مرد نفقه را در این مدت نپردازد (طبق فتوای کسانی که می‌گویند نفقه او بر عهده شوهر است)، زن می‌تواند در آینده قیمت نفقه پرداخت نشده در این دوران را، از شوهر مطالبه کند.

مسکن زن

پرسش 416. آیا زن حق دارد از زندگی کردن در خانه‌ای که پدر و مادر شوهر هستند، امتناع ورزد و منزل جداگانه‌ای درخواست کند؟
همه مراجع: بر شوهر واجب است مسکن مناسب شأن زن و متعارف محل، تهیه کند و منزل جداگانه لازم نیست؛ مگر آنکه داشتن منزل جداگانه، از شئون آن زن باشد. 450

متابعت در سکونت

پرسش 417. آیا زن بعد از عقد ازدواج، می‌تواند از سکونت در شهری خاص امتناع ورزد؟
همه مراجع: خیر، چنین حقی ندارد؛ مگر آنکه در ضمن عقد شرط کرده باشد [و یا عقد بر این توافق واقع شده باشد]. 451.

مطالبه مهریه

پرسش 418. اگر زن بعد از نزدیکی با همسرش، مهرش را از شوهر بطلد؛ ولی او قادر به پرداخت آن نباشد، تکلیف چیست؟
همه مراجع: اگر شوهر به جز خانه و اثاث آن و چیزهای دیگری که به آنها نیاز دارد و یا در شأن او است، چیز دیگری نداشته باشد، زن نمی‌تواند مهر خود را از او مطالبه کند؛ بلکه باید صبر کند تا او بتواند بدهی خود را بپردازد. 452.

پرسش 419. در جایی که بیرون رفتن زن با حق شوهر منافات نداشته باشد (مانند اینکه شوهر سر کار است)، آیا باز اجازه او لازم است؟
همه مراجع (به جز تبریزی و مکارم): آری، اجازه شوهر در این فرض نیز لازم است. 453.
آیات عظام تبریزی و مکارم: بنابر احتیاط واجب، در این فرض نیز اجازه شوهر لازم است. 454.

پی‌نوشت‌ها:

1. توضیح المسائل مراجع، م 1583.
2. سیستانی، منهاج‌الصالحین، ج 1، کفاره‌الصوم؛ خامنه‌ای، اجوبه‌الاستفتائات، س 822 و دفتر: همه مراجع.
3. فاضل، جامع‌المسائل، ج 2، س 1313؛ سیستانی، منهاج‌الصالحین، ج 3، م 428 و دفتر: همه مراجع.
4. توضیح المسائل مراجع، 1705، 1709؛ وحید، توضیح المسائل، م 1713، 1717.
5. دفتر: همه مراجع.
6. توضیح المسائل مراجع، م 1621؛ مکارم، توضیح المسائل، م 1371؛ نوری، توضیح المسائل، م 1618.
7. وحید، توضیح المسائل، م 1629 و صافی، توضیح المسائل مراجع، م 1621.
8. توضیح المسائل مراجع، م 1632.
9. تبریزی، صراط‌النجاه، ج 1، س 107 و منهاج‌الصالحین، ج 1، بعد از م 1004؛ وحید، منهاج‌الصالحین، ج 2، بعد از م 1004؛ امام، استفتائات، ج 1 روزه، س 31؛ خامنه‌ای، اجوبه‌الاستفتائات، س 194؛ دفتر: مکارم و بهجت.
10. سیستانی، منهاج‌الصالحین، ج 1، بعد از م 1004؛ فاضل، جامع‌المسائل، ج 1، س 558؛ دفتر: صافی و وحید.
11. نوری، استفتائات، ج 2، س 69.
12. توضیح المسائل مراجع، م 1622.
13. امام، استفتائات، ج 1، روزه، س 31؛ خامنه‌ای، اجوبه‌الاستفتائات، س 195؛ نوری، استفتائات، ج 2، س 69؛ تبریزی، صراط‌النجاه، ج 1، س 107؛ فاضل، جامع‌المسائل، ج 1، س 558؛ بهجت، وسیله‌النجاه، ج 1، م 1089؛ سیستانی، تبریزی، منهاج‌الصالحین، م 985؛ صافی، هدایة‌العباد، ج 1، م 1282؛ دفتر: وحید و مکارم.
14. توضیح المسائل مراجع، م 1665؛ نوری، توضیح المسائل، م 1662؛ وحید، توضیح المسائل، م 1673.
15. همان، م 1665؛ خامنه‌ای، اجوبه‌الاستفتائات، س 785.
16. توضیح المسائل مراجع، م 1665.
17. امام، تحریر الوسیلة، ج 1، فیما یجب الامساک فیہ، م 18، فیما ینرتب علی الافطار، م 1؛ صافی، هدایة‌العباد، ج 1، م 1311، 1318؛ نوری، تعلیقات علی العروة، الفصل الثالث، السادس.
18. بهجت، وسیله‌النجاه، ج 1، م 1109، 1117؛ فاضل، تعلیقات علی العروة، الفصل الثالث، السادس؛ خامنه‌ای، اجوبه‌الاستفتائات، س 817.
19. تبریزی، وحید: منهاج‌الصالحین، کفارة‌الصوم، تنمیم.
20. سیستانی، منهاج‌الصالحین، ج 1، کفارة‌الصوم، تنمیم.
21. مکارم، توضیح المسائل مراجع، م 1658.

22. توضیح المسائل مراجع، م 1715 و 1703 و العروة الوثقی، فصل 6 م 7 و فصل 10، م 5.
23. فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 581؛ خامنه‌ای، استفتاء، س 1122؛ دفتر: همه مراجع.
24. توضیح المسائل مراجع، م 1730.
25. العروة الوثقی، ج 2، الصوم، طرق ثبوت الهلال، م 1.
26. من لا یحضره الفقیه، ج 2، باب الغسل فی اللیالی المخصوصه، ص 159.
27. العروة الوثقی، ج 2، الصوم، طرق ثبوت الهلال، م 1.
28. توضیح المسائل مراجع، م 1561.
29. تبریزی، توضیح المسائل مراجع، م 1561؛ وحید، توضیح المسائل، م 1569.
30. توضیح المسائل مراجع، م 1732؛ وحید، توضیح المسائل، م 1740.
31. العروة الوثقی، ج 2، فصل فی طرق ثبوت الهلال.
32. توضیح المسائل مراجع، م 1735؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س 837، 839.
33. توضیح المسائل مراجع، م 1735؛ وحید، توضیح المسائل، م 1743 و دفتر: فاضل.
34. توضیح المسائل مراجع، م 1735؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س 837، 839.
35. توضیح المسائل مراجع، م 1735؛ وحید، توضیح المسائل، م 1743.
36. توضیح المسائل مراجع، م 1739؛ 1735؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س 837 و 839.
37. توضیح المسائل مراجع، م 1735؛ وحید، توضیح المسائل، م 1743.
38. توضیح المسائل مراجع، م 1731؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س 842 و 843؛ بهجت، وسیله النجاه، ج 1، م 1162.
39. سیستانی، توضیح المسائل، م 1731.
40. وحید، توضیح المسائل، م 1739.
41. العروة الوثقی، ج 2، الصوم، طرق ثبوت الهلال، م 1.
42. دفتر: همه مراجع.
43. دفتر: فاضل و خامنه‌ای.
44. توضیح المسائل مراجع، م 1730؛ وحید، توضیح المسائل، م 1738.
45. من لا یحضره الفقیه، ج 2، باب الفطرة، ص 183.
46. همان، ص 183.
47. کافی، ج 4، باب الفطره، ص 174.
48. در روایتی در تفسیر آیه شریفه «قد افلح من زکیها» آمده است: منظور از تزکیه زکات فطره است. مستدرک وسائل الشیعه، ج 7، ابواب زکاة الفطره، ص 137.
49. وسائل الشیعه، ج 9، ابواب زکاة الفطره، ص 318.
50. العروة الوثقی، ج 2، زکات الفطره، فصل 2، م 2.
51. امام، استفتائات، ج 1، زکات، س 17؛ خامنه‌ای، استفتاء، س 859 و 860 و 863؛ فاضل، ج 1، س 876؛ تبریزی، استفتائات، س 780 و 781؛ دفتر: وحید، بهجت و سیستانی.
52. استفتائات، ج 2، س 302.
53. استفتائات، ج 1، س 369.
54. جامع الاحکام، ج 1، س 563.
55. توضیح المسائل مراجع، م 2008؛ نوری، توضیح المسائل، م 2004.
56. العروة الوثقی، ج 2، زکاة الفطره، فصل 2، مسأله 12.
57. توضیح المسائل مراجع، م 1948؛ نوری، توضیح المسائل، م 944.
58. توضیح المسائل مراجع، م 1948؛ نوری، توضیح المسائل، م 1944؛ خامنه‌ای، استفتاء، س 880.
59. بقره 2، آیه 125.
60. «اعْتِكَافٌ عَشْرٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يَعْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَ عُمْرَتَيْنِ»: وسائل الشیعه، ج 10، ابواب الاعتكاف و اللعنه الدمشقیه، كتاب الاعتكاف.
61. مسجد جامع مسجدی است كه اقشار مختلف مردم در آن شرکت می‌کنند و اختصاص به محله یا صنف خاصی ندارد. مساجد چهار گانه عبارت است از: مسجد الحرام، مسجد نبوی مدینه، مسجد کوفه و مسجد بصره.
62. دفتر: همه مراجع.

63. اجوبه الاستفتائات، س 849.
64. نوری، استفتائات، ج 2، س 276؛ سیستانی، Sistani.org، اعتکاف؛ صافی، جامع الاحکام، ج 1، س 515؛ فاضل، جامع المسائل، ج 2، س 462 و دفتر: امام، خامنه‌ای، مکارم، تبریزی، وحید و بهجت.
65. العروة الوثقی، شرائط الاعتکاف، م 20.
66. دفتر: همه مراجع.
67. همان، کتاب الاعتکاف.
68. دفتر: همه مراجع.
69. العروة الوثقی، کتاب الاعتکاف، م 4.
70. همان.
71. امام، نوری، مکارم و فاضل، تعلیقات علی العروة، الاعتکاف، م 30؛ صافی، هدایه العباد، ج 1، م 1412؛ بهجت، وسیله النجاة، ج 1، م 1203؛ تبریزی، سیستانی و وحید، منهاج الصالحین، الاعتکاف.
72. همان، م 37.
73. العروة الوثقی، شرائط الاعتکاف، م 39.
74. همان، م 40.
75. امام، تحریر الوسیلة، ج 1، شروط الاعتکاف، م 9؛ سیستانی، تعلیقات علی العروة، شرائط الاعتکاف، م 30؛ بهجت، وسیله النجاة، ج 1، م 1203؛ صافی، هدایه العباد، ج 1، م 1412؛ مکارم، استفتائات، ج 2، س 494؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 619.
76. وحید، منهاج الصالحین، ج 2، الاعتکاف، السادس و تبریزی، منهاج الصالحین، ج 1، الاعتکاف، السادس.
77. دفتر: نوری.
78. انفال 8، آیه 41.
79. البته در مورد هدایا، جوایز و هر فایده‌ای که بدون کسب به دست می‌آید، میان مراجع بزرگوار تقلید اختلاف نظر است که در متن بدان اشاره شده است.
80. العروة الوثقی، ج 2، م 72.
81. خویی، سیدابوالقاسم، مستند العروة الوثقی، کتاب الخمس، ص 196؛ هاشمی شاهرودی، سیدمحمود، کتاب الخمس، ج 2، ص 45 و مدرسی، محمدتقی، احکام الخمس، ص 16.
82. «لَا يَجِلُّ لِاحِدٍ أَنْ يَشْتَرِيَ مِنَ الْخُمْسِ شَيْئًا حَتَّى يَصِلَ إِلَيْنَا حَقًّا»: وسائل الشیعه، ج 6، باب 1، ح 4.
83. ر.ک: وسائل الشیعه، ابواب ما يجب فيه الخمس و ابواب الانفال.
84. ناصر، مکارم شیرازی، یک صد و هشتاد پرسش و پاسخ، ص 423 - 425 و تعلیقات علی العروة، کتاب الخمس، ص 392.
85. ر.ک: وسائل الشیعه، ج 6، کتاب الخمس، باب 2، ح 12.
86. ر.ک: وسائل الشیعه، ج 6، ابواب قسمة الخمس، باب 1، ح 4 و 8.
87. «فَمَا كَانَ بَلِّغُهُ لِرَسُولِهِ يَضَعُهُ حَيْثُ شَاءَ»؛ «آنچه خاص خدا است، برای پیامبر اسلام است، هر جا صلاح بدان قرار می‌دهد»: همان، ابواب الانفال، باب 1، ح 12.
88. در مکاتبه امام رضا (علیه السلام) به یکی از یارانش آمده است: «إِنَّ إِخْرَاجَهُ خَمْسَ مِفْتَاحٍ رَزَقَكُمْ وَ تَمَحِیصُ دُنُوبِكُمْ»؛ «پرداخت خمس کلید جلب روزی و وسیله آمرزش گناهان است»: همان، ابواب الانفال، باب 3، ح 2.
89. در همان مکاتبه آمده است «إِنَّ الْخُمْسَ عَوْنًا عَلَى دِينِنَا»؛ «خمس، کمک ما در پیاده کردن دین خداست»: همان، ابواب الانفال، باب 3، ح 2.
90. العروة الوثقی، ج 2، کتاب الخمس، م 61.
91. هزینه‌های زاید بر نیاز و شأن افراد، جزء مؤونه محسوب نمی‌شود. بنابراین اگر بیشتر از این مقوله صرف کند؛ به گونه‌ای که در عرف اسراف شمرده شود، باید سر سال، خمس آنها را بپردازد.
92. توضیح المسائل مراجع، م 1757؛ نوری، توضیح المسائل، م 1753؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س 996؛ وحید، توضیح المسائل، م 1765.
93. امام، استفتائات، ج 1، س 165؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س 974؛ مکارم، استفتائات، ج 2، س 527؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 850؛ بهجت، توضیح المسائل، م 1379؛ نوری، استفتائات، ج 2، س 332؛ تبریزی، صراط النجاة، ج 1، س 1389؛ سیستانی، Sistani.org، خمس؛ صافی، جامع الاحکام، ج 1، س 727؛ دفتر: وحید.

94. امام، استفتائات، ج 1، س 89 ؛ خامنه‌ای، اجوبة، س 899 ؛ تبریزی، استفتائات، س 805 ؛ مکارم، توضیح المسائل، م 1507 ؛ صافی، جامع الاحکام، ج 1، س 738 و 744 ؛ وحید، توضیح المسائل، م 1783 ؛ دفتر: سیستانی .
95. فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 748 ؛ بهجت، توضیح المسائل، م 1391 ؛ نوری، استفتائات، ج 2، س 341 .
96. توضیح المسائل مراجع، م 1757 ؛ نوری، توضیح المسائل، م 1753 ؛ العروة الوثقی، ج 2، م 83 ؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س 997 ؛ دفتر: وحید.
97. توضیح المسائل مراجع، م 1752 ؛ نوری، توضیح المسائل، م 1748 ؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س 995 و وحید، توضیح المسائل، م 1760.
98. العروة الوثقی، ج 2، م 59 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 708 ؛ مکارم، استفتائات، ج 2، س 543 ؛ سیستانی، المسائل المنتخبة، م 588 ؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج 1، م 1213.
99. نوری، استفتائات، ج 1، س 271 ؛ تبریزی، التعليقة على منهاج الصالحین، م 32 ؛ تبریزی، استفتائات، س 948 و بهجت، توضیح المسائل، م 1401.
100. دفتر: خامنه‌ای، صافی و وحید.
101. ر.ک: خمس هديه.
102. س 23.
103. توضیح المسائل مراجع، م 1793 ؛ وحید، توضیح المسائل، م 1810 ؛ دفتر: خامنه‌ای.
104. توضیح المسائل مراجع، م 1793.
105. توضیح المسائل مراجع، م 1753 ؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س 850 ؛ نوری، توضیح المسائل، م 1749.
106. همان، م 1753.
107. توضیح المسائل مراجع، م 1753 و وحید، توضیح المسائل، م 1761.
108. توضیح المسائل مراجع، م 1753.
109. امام، استفتائات، ج 1، س 24 ؛ تبریزی، استفتائات، س 856 ؛ سیستانی، sistani.org، خمس، ش 8 ؛ مکارم، استفتائات، ج 2، س 516 ؛ دفتر: وحید.
110. بهجت، توضیح المسائل، م 1391 .
111. فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 748 ؛ نوری، استفتائات، ج 2، س 330 .
112. خامنه‌ای، اجوبة، س 987 و 860.
113. صافی، جامع الاحکام، ج 1، س 738.
114. مکارم، استفتائات، ج 2، س 533 ؛ تبریزی، استفتائات، س 889 ؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س 908 ؛ سیستانی، Sistani.org، خمس، ش 10 ؛ دفتر: امام و وحید.
115. فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 677 ؛ بهجت، توضیح المسائل، م 1391 ؛ نوری، استفتائات، ج 2، س 328.
116. صافی، جامع الاحکام، ج 1، س 706.
117. دفتر: همه مراجع.
118. دفتر: بهجت.
119. استفتائات، ج 3، س 336.
120. امام، استفتائات، ج 1، س 41 ؛ صافی، جامع الاحکام، ج 1، س 740 ؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س 922 و 904 ؛ نوری، استفتائات، ج 1، س 267 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 702 ؛ بهجت، توضیح المسائل، م 1376 ؛ تبریزی، استفتائات، س 888 و 826 ؛ مکارم، توضیح المسائل، م 1507.
121. دفتر: سیستانی.
122. دفتر: وحید.
123. امام، استفتائات، ج 1، س 23 ؛ نوری، استفتائات، ج 1، س 283 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 675 ؛ بهجت، توضیح المسائل، م 1391 ؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج 1، م 1219 ؛ صافی، جامع الاحکام، ج 1، س 719 و خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س 902 و 956.
124. تبریزی، استفتائات، س 804 ؛ دفتر: وحید.
125. مکارم، استفتائات، ج 2، س 514.
126. امام، استفتائات، ج 1، س 116 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 687 ؛ دفتر: سیستانی.
127. بهجت، توضیح المسائل، م 1396 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 687 و 688 ؛ دفتر: وحید و تبریزی.

128. اجوبة الاستفتائات، س 897 و 945.
129. مكارم، استفتائات، ج 2، س 524 و توضيح المسائل، م 506 ؛ صافى، جامع الاحكام، ج 1، س 707.
130. استفتائات، ج 2، س 344.
131. امام، استفتائات، ج 1، س 24 ؛ مكارم، استفتائات، ج 2، س 516 ؛ تبريزى، استفتائات، س 880 ؛ صافى، جامع الاحكام، ج 1، س 747 ؛ سيستاني، sistani.org، خمس، ش 8.
132. بهجت، توضيح المسائل، م 1391 .
133. فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 748 ؛ نورى، استفتائات، ج 2، س 330 .
134. خامنه‌اى، اجوبة، 860، 978.
135. نورى، استفتائات، ج 2، س 328 ؛ دفتر: همه مراجع.
136. امام، استفتائات، ج 1، س 98 ؛ دفتر: سيستاني، تبريزى و وحيد.
137. بهجت، وسيله النجاة، م 1389 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 704 ؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س 883 ؛ دفتر: نورى.
138. دفتر: مكارم.
139. امام، استفتائات، ج 1، س 96 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 833 ؛ مكارم، استفتائات، ج 1، س 319 ؛ بهجت، توضيح المسائل، م 1379 ؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج 1، م 1251 ؛ نورى، استفتائات، ج 2، س 372 ؛ تبريزى، استفتائات، س 946 ؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س 870 ؛ صافى، جامع الاحكام، ج 1، س 621 ؛ دفتر: وحيد.
140. العروة الوثقى، ج 2، كتاب الخمس ، م 71.
141. العروة الوثقى، ج 2، م 83 ؛ توضيح المسائل مراجع، م 1757 ؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س 998 ؛ وحيد، توضيح المسائل، م 1783.
142. فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 649 ؛ العروة الوثقى، ج 2، م 1 ؛ صافى، جامع الاحكام، ج 1، س 628 ؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س 952.
143. توضيح المسائل مراجع، م 1834.
144. توضيح المسائل مراجع، م 1834 ؛ نورى، توضيح المسائل، م 1830 ؛ وحيد، توضيح المسائل، م 1843.
145. توضيح المسائل مراجع، م 1834.
146. همان.
147. خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س 1004 و 1002.
148. همان.
149. توضيح المسائل مراجع، م 1834 ؛ نورى، توضيح المسائل، م 830 ؛ وحيد، توضيح المسائل، م 1843 ؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س 1003 و 1004.
150. توضيح المسائل مراجع، م 1834 ؛ نورى، توضيح المسائل، م 1830 ؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س 1020 ؛ وحيد، توضيح المسائل، م 1843.
151. توضيح المسائل مراجع، 1834 ؛ خامنه‌اى، اجوبة، س 1017.
152. توضيح المسائل مراجع، م 1834 ؛ مكارم، استفتائات، ج 1، س 355 ؛ نورى، توضيح المسائل، م 1830 و 1839 ؛ وحيد، توضيح المسائل، م 1843 و 1852.
153. توضيح المسائل مراجع، م 1834.
154. مكارم، توضيح المسائل، م 1582 و دفتر: همه مراجع.
155. امام، تحرير الوسيله، ج 1، الخمس ، م 11 ؛ بهجت، وسيله النجاة، ج 1، م 1420 ؛ نورى و فاضل، توضيح المسائل مراجع، م 1834 ؛ خامنه‌اى، اجوبه الاستفتائات، س 1002 و 1004.
156. تبريزى، منهاج الصالحين، ج 1، م 1269.
157. سيستاني، منهاج الصالحين، ج 1، م 1269 ؛ توضيح المسائل مراجع، م 1834.
158. صافى، هداية العباد، ج 1، 1674 ؛ توضيح المسائل مراجع، م 1834.
159. مكارم، توضيح المسائل مراجع، م 1850.
160. وحيد، منهاج الصالحين، ج 2، م 1269.
161. امام، استفتائات، ج 1، س 135 ؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س 995 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 806 و 814 ؛ بهجت، وسيله النجاة، م 1382 ؛ صافى، توضيح المسائل، م 1774 و جامع الاحكام، ج 1، س 608.

162. نوری، استفتانات، ج 2، س 310؛ تبریزی، التعلیقة علی منهاج الصالحین، م 1218؛ مکارم، توضیح المسائل، م 1486.
163. سیستانی، المسائل المنتخبه، م 593 و وحید، توضیح المسائل، م 1773.
164. فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 807؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتانات، س 996؛ مکارم، استفتانات، ج 1، س 308؛ دفتر: امام، تبریزی، صافی، سیستانی و وحید.
165. نوری، استفتانات، ج 2، س 318؛ بهجت، توضیح المسائل، م 1400.
166. مکارم، توضیح المسائل، م 1568؛ صافی، جامع الاحکام، ج 1، س 773؛ دفتر: همه مراجع.
167. البته در آغاز سال خمسی میان مراجع اختلاف نظر هست. رك: زمان سال خمسی
168. العروة الوثقی، ج 2، باب الخمس، م 67.
169. توضیح المسائل مراجع، م 1765؛ نوری، توضیح المسائل، م 1761؛ وحید، توضیح المسائل، م 1773.
170. امام، استفتانات، ج 1، خمس، س 201؛ تبریزی، صراط النجاة، ج 5، س 376؛ دفتر: بهجت، سیستانی و نوری.
171. مکارم، استفتانات، ج 1، س 358؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 789؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتانات، س 1026؛ دفتر: وحید.
172. جامع الاحکام، ج 1، س 598.
173. امام، استفتانات، ج 1، س 177؛ نوری، استفتانات، ج 2، س 352؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 830؛ تبریزی، صراط النجاة، ج 2، س 580؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتانات، س 856؛ دفتر: سیستانی، بهجت و صافی.
174. استفتانات، ج 2، س 580.
175. امام، نوری، مکارم و فاضل: تعلیقات علی العروة، ج 2، م 76؛ تبریزی، استفتانات، س 924؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتانات، س 983؛ وحید و سیستانی، منهاج الصالحین، م 1256؛ دفتر: صافی.
176. دفتر: بهجت.
177. توضیح المسائل مراجع، م 1795؛ نوری، توضیح المسائل، م 1791؛ بهجت، توضیح المسائل، م 1408؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتانات، س 932، 933؛ وحید، توضیح المسائل، م 1803.
178. توضیح المسائل مراجع، م 1795.
179. توضیح المسائل مراجع، م 1762، وحید؛ توضیح المسائل، م 1779؛ دفتر: خامنه‌ای.
180. تبریزی و سیستانی، توضیح المسائل مراجع، م 1762.
181. انسان 76، آیه 7.
182. فقه القرآن، ج 2، ص 275.
183. آل عمران 3، آیه 36.
184. انسان 76، آیه 7.
185. وسائل الشیعه، ج 23، باب 6؛ میزان الحکمه، ح 10، ص 48.
186. توضیح المسائل مراجع، م 2641؛ وحید، توضیح المسائل، م 2705؛ نوری، توضیح المسائل، م 2639 و خامنه‌ای، استفتاء، س 1060 و 1100.
187. توضیح المسائل مراجع، م 2651؛ وحید، توضیح المسائل، م 2715؛ نوری، توضیح المسائل، م 2649 و خامنه‌ای، استفتاء، س 1072.
188. توضیح المسائل مراجع، م 2652؛ نوری، توضیح المسائل، م 2650؛ وحید، توضیح المسائل، م 2716 و خامنه‌ای، استفتاء، س 1116.
189. امام، تحریر الوسیلة، ج 2، النذر، م 11، 12 و 24؛ تبریزی، استفتانات، س 1729 و توضیح المسائل مراجع، 2653؛ صافی، هدایة العباد، ج 2، النذر، م 11، 12 و 24؛ سیستانی، توضیح المسائل مراجع، م 2647 و 2653؛ خامنه‌ای، استفتاء، س 1074 و دفتر: فاضل، نوری، مکارم، وحید، بهجت.
190. خامنه‌ای، استفتاء، س 1109، فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 1329 و دفتر: همه مراجع.
191. فاضل، جامع المسائل، ج 2، س 1173؛ تبریزی، استفتانات، س 1731؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتانات، س 1109 و دفتر: همه مراجع.
192. توضیح المسائل، مراجع، م 2654؛ نوری، توضیح المسائل، م 2652.
193. تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، م 1564؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج 3، م 746؛ خامنه‌ای، استفتاء، س 1149 و 1109؛ وحید، منهاج الصالحین، ج 3، م 1564.

194. امام، تحریر الوسیله، ج 2، النذر، م 3 و خامنه‌ای، استفتاء، س 1067.
195. دفتر: بهجت.
196. توضیح المسائل مراجع، م 2646؛ نوری، توضیح المسائل، م 2644؛ وحید، توضیح المسائل، م 2710.
197. توضیح المسائل مراجع، م 2646.
198. توضیح المسائل مراجع، م 2646.
199. امام، استفتائات، ج 2، نذر، س 10 و خامنه‌ای، استفتاء، س 1093.
200. بهجت، توضیح المسائل مراجع، م 2644.
201. مکارم، توضیح المسائل مراجع، م 2644 و تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، م 1551.
202. صافی و سیستانی، توضیح المسائل مراجع، م 2644 و وحید، توضیح المسائل، م 2708.
203. فاضل، توضیح المسائل مراجع، م 2644.
204. استفتائات، ج 1، س 759.
205. نوری، استفتائات، ج 1، س 231؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 584؛ دفتر: وحید، تبریزی، امام و صافی.
206. دفتر: خامنه‌ای، سیستانی و بهجت.
207. مکارم، استفتائات، ج 2، س 482 و 475.
208. لقمان 31، آیه 6.
209. ر.ک: امام خمینی، مکاسب المحرمه، ج 1، ص 198-224؛ حسینی، علی، الموسیقی، ص 16 و 17؛ تبریزی، استفتائات، س 1046 و 1047 و 1048؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 974 و 978 و 979.
210. ر.ک: لقمان 31، آیه 6؛ فرقان (25)، آیه 72؛ مؤمنون (23)، آیه 3؛ حج (22)، آیه 30؛ قصص (28)، آیه 55.
211. عده‌ای از فقیهان دین در کتب استدلالی خود و برخی از نویسندگان در نوشته‌های فارسی اظهار می‌دارند که دو تن از فقیهان شیعی فیض کاشانی و محمد باقر سبزواری قائل به حلیت غنا هستند؛ ولی با کمی تأمل و درنگ در کلام آنان، در خواهیم یافت که آنان نیز در اصل حرمت غنا تردیدی ندارند و تنها در برخی ویژگی‌ها و خصوصیات با آنان اختلاف نظر دارند. ر.ک: سیدابوالقاسم، خویی، مصباح الفقاهه، ج 1، باب الغناء؛ امام خمینی، مکاسب المحرمه، ج 1، باب الغناء.
212. در حدیثی از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده است: «الغناء رُفِیَهُ الزَّنا»؛ «غنا نردبان زنا است»؛ بحار الانوار، ج 76، باب 99، الغناء.
213. در آیه 6 از سوره «لقمان» یکی از عوامل گمراهی از سبیل الهی «لهو الحدیث» دانسته شده و «لهو» آن چیزی است که انسان را به خودش آنچنان مشغول کند که باعث غفلت و بازماندن از کارهای مهم‌تر شود، و در روایات اسلامی از آن به «غنا» تفسیر شده است؛ وسائل الشیعه، ج 12، باب 99، ابواب مایکتسب به.
214. ر.ک: تفسیر نمونه، ج 17، ص 24.
215. مکاسب المحرمه، ج 1، باب الغناء.
216. آیات عظام سیستانی، تبریزی، وحید و مکارم، موسیقی لہوی را حرام می‌دانند؛ اگرچه طرب‌انگیز نباشد.
217. آیه الله بهجت و آیه الله صافی، استفاده از هر نوع آلات موسیقی را حرام می‌دانند.
218. امام، استفتائات، ج 2، مکاسب محرمه، س 30؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات س 1164؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 992؛ مکارم، استفتائات، ج 1، س 524 و 525 و ج 2، س 707 و 710؛ تبریزی، استفتائات، س 1054 و 1065 و صراط النجاة، ج 1، س 1005؛ دفتر: سیستانی، وحید و نوری.
219. صافی، جامع الاحکام، ج 1، س 1003 و 1015 و 1018؛ دفتر: بهجت.
220. صافی، جامع الاحکام، ج 1، س 1002؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س 1127 و 1146؛ مکارم، استفتائات، ج 1، س 527؛ تبریزی، استفتائات، س 1043؛ سیستانی، Sistani.org، موسیقی، ش 26 و 22 و 5؛ نوری، استفتائات، ج 2، س 548 و دفتر: بهجت، وحید، امام، فاضل.
221. امام، استفتائات، ج 2، مکاسب محرمه، س 27 و 28؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 995 و 999 و 1005؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س 1140؛ نوری، توضیح المسائل، مسائل مستحدثه.
222. صافی، جامع الاحکام، ج 1، س 1018؛ بهجت: دفتر.
223. تبریزی، استفتائات، س 1046 و 1065؛ سیستانی، Sistani.org، موسیقی، ش 5؛ مکارم، استفتائات، ج 2، و 708؛ وحید، منهاج الصالحین، ج 3 م 17.

224. امام، استفتائات، ج 3، سوالات متفرقه، س 110 ؛ مكارم، استفتائات، ج 2، س 694 و 698 ؛ صافى، جامع الاحكام، ج 1، س 1003 و 1017 ؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س 1131 و 1135 و 1155 ؛ سيستانى، Sistani.org، موسيقى، ش 15 ؛ تبريزى، استفتائات، س 1039 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 996 ؛ دفتر: بهجت، وحيد و نورى.
225. امام، استفتائات، ج 2، مكاسب محرمة، س 25 ؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س 1157 ؛ بهجت، وسيله النجاة، ج 1، م 1449 ؛ صافى، جامع الاحكام، ج 1، س 1003 ؛ نورى، توضيح المسائل، مسائل مستحدثة ؛ وحيد، منهاج الصالحين، ج 3، م 8 و 17 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 999 ؛ تبريزى، صراط النجاة، ج 1، س 1008 و 1025 ؛ سيستانى، Sistani.org، موسيقى، ش 5 ؛ مكارم، استفتائات، ج 2، س 708.
226. امام، استفتائات، ج 2، مكاسب محرمة، س 27 و ج 3، سوالات متفرقه، س 107 و تحرير الوسيلة، ج 1، مكاسب محرمة، م 13 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 1005 و 987 و 988 و 974 ؛ نورى، توضيح المسائل، مسائل مستحدثة ؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س 1127 و 1132.
227. صافى، جامع الاحكام، ج 1، س 995 و 1018 و دفتر: بهجت.
228. سيستانى، منهاج الصالحين، ج 2، م 20 ؛ وحيد، منهاج الصالحين، ج 3، م 17 ؛ تبريزى، التعليقة على منهاج الصالحين، المكاسب المحرمة، م 17 ؛ مكارم، استفتائات، ج 1، س 519 و 520.
229. خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س 1143 و 1157 و 1147 ؛ صافى، جامع الاحكام، ج 1، س 999 و 1005 ؛ مكارم، استفتائات، ج 1، س 520 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 988 ؛ تبريزى، صراط النجاة، ج 1، س 1014 و ج 5، س 1149 ؛ دفتر: بهجت، وحيد، نورى، سيستانى و امام.
230. خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س 1152 و 1155 ؛ صافى، جامع الاحكام، ج 1، س 999 و 1005 ؛ تبريزى، استفتائات، س 1083 و صراط النجاة، ج 5، س 1149 ؛ دفتر: امام، بهجت، وحيد، مكارم، نورى، سيستانى و فاضل.
231. مكارم، استفتائات، ج 2، س 714 ؛ صافى، جامع الاحكام، ج 1، س 1004 ؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س 1151 ؛ دفتر: بهجت، وحيد، نورى، امام، تبريزى، سيستانى و فاضل.
232. دفتر: همه مراجع.
233. مكارم، استفتائات، ج 2، س 719 و ج 1، س 537 ؛ صافى، جامع الاحكام، ج 1، س 1011 و 1013 و ج 2، س 1466 و 1477 و 1475 ؛ تبريزى، استفتائات، س 1045 و 1071 و 1074 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 948 و 946 و 950 و ج 2، س 947 ؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س 11427 و 1429 و 1154 و دفتر: بهجت، وحيد.
234. مكارم، استفتائات، ج 2، س 659 ؛ صافى، جامع الاحكام، ج 1، س 994 و 1018 و 1020 ؛ تبريزى، استفتائات، س 1077 و 1050 و 1059 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 996 ؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س 1154 و 1127 ؛ سيستانى، منهاج الصالحين، ج 2، م 20 ؛ نورى، استفتائات، ج 1، س 1008 و وحيد، منهاج الصالحين، ج 3، م 17.
235. خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س 1210 و 1165 ؛ مكارم، استفتائات، ج 2، س 812 و ج 1، س 518 ؛ توضيح المسائل، مراجع م 2055 و 2067 و 2068 ؛ نورى، توضيح المسائل، م 2051 و 2062 و 2063 ؛ وحيد، توضيح المسائل، م 2063 و 2075 و 2076.
236. امام، استفتائات، مكاسب محرمة، س 25 ؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س 1134 و دفتر: فاضل.
237. دفتر: بهجت، صافى، جامع الاحكام، ج 1، س 1006 و 1009.
238. تبريزى، استفتائات، س 1054 ؛ سيستانى، Sistani.org، موسيقى، ش 2 و منهاج الصالحين، ج 2 م 20 ؛ نورى، استفتائات، ج 2، س 571 ؛ مكارم، استفتائات، ج 1، س 525 و 528 ؛ دفتر: وحيد.
239. مكارم، استفتائات، ج 1، س 535 ؛ صافى، جامع الاحكام، ج 1، س 1023 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 1736 و 1737 ؛ دفتر: سيستانى، امام، نورى، وحيد و بهجت.
240. تبريزى، صراط النجاة، ج 6، س 1456 و 1448 و 1444.
241. اجوبة الاستفتائات، س 1133 و 1134 و 1166.
242. مكارم، استفتائات، ج 1، س 1160 و ج 2، س 1388 و 719 ؛ صافى، جامع الاحكام، ج 1، س 1013 و 1011 و ج 2، س 1482 و 1459 و 1010 و 1475 ؛ تبريزى، استفتائات، س 1071 و 1074 و 1045 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 948 و 946 و 950 ؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س 1167 و 1174 و 1064 و 1193 و 1429 و 1154 ؛ سيستانى، Sistani.org، موسيقى، ش 13 ؛ دفتر: امام، بهجت، وحيد، نورى.
243. فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 929 ؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س 1140 ؛ امام، تحرير الوسيلة، ج 1،

- القول في شرايط وجوبهما، م 2 ؛ وحيد، منهاج الصالحين، ج 2، م 1271، الرابع ؛ تبريزي، منهاج الصالحين، ج 1، م 1271، الرابع ؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج 1، م 1271، الرابع ؛ صافي، جامع الاحكام، ج 2، س 1475 ؛ دفتر: بهجت، نوري، مكارم.
244. امام، تحرير الوسيله، ج 1، م 13 ؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س 1134 ؛ بهجت، توضيح المسائل، متفرقه، م 20 و وسليه النجاة، ج 1، م 1449 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 997 ؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج 2، م 20 ؛ وحيد، منهاج الصالحين، ج 3، م 17 ؛ تبريزي، استفتائات، 1057 و التعليقة على منهاج الصالحين، المكاسب المحرمة، م 17 ؛ مكارم، استفتائات، ج 1، س 528 ؛ صافي، هدايه العباد، ج 1، م 1698 و جامع الاحكام، ج 2، س 1585 ؛ دفتر: نوري.
245. مكارم، استفتائات، ج 1، س 1160 ؛ صافي، جامع الاحكام، ج 1، س 1016 ؛ تبريزي، صراط النجاة، ج 1، س 1004 و استفتائات، س 1071 و 1074 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 933 و 947 ؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س 1138 و 1158 و 1064 ؛ دفتر: بهجت، وحيد، امام و نوري.
246. مكارم، استفتائات، ج 2، س 538 و 539 ؛ صافي، جامع الاحكام، ج 2، س 1581 ؛ تبريزي، استفتائات، س 1051 ؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س 1181 و 1180 ؛ بهجت، توضيح المسائل، متفرقه، م 30 ؛ دفتر: امام.
247. تبريزي، استفتائات، س 1051 ؛ سيستاني، Sistani.org، موسيقى ش 5.
248. استفتائات، ج 2، س 584.
249. دفتر: وحيد.
250. مكارم، ج 1، س 539 و 538 ؛ صافي، جامع الاحكام، ج 2، س 1583 و 1581 ؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س 1181 ؛ بهجت، توضيح المسائل، متفرقه م 30 و فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 1736 و 1735.
251. تبريزي، استفتائات، س 1037 و صراط النجاة، ج 1، س 1020 ؛ سيستاني، Sistani.org، كف زدن ش 3 و 4.
252. استفتائات، ج 2، س 548.
253. دفتر: وحيد.
254. خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س 1168 ؛ دفتر: امام.
255. دفتر: بهجت.
256. استفتائات، س 1042.
257. سيستاني، Sistani.org، رقص ش 7 ؛ دفتر: وحيد.
258. مكارم، استفتائات، ج 1، س 534 و 535 ؛ صافي، جامع الاحكام، ج 2، س 1580 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 1736 و 1738 ؛ نوري، استفتائات، ج 2، س 574.
259. تبريزي، استفتائات، س 1042 ؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س 1174 و 1171 ؛ امام، استفتائات، ج 2، س 35 و 25 ؛ نوري، استفتائات، ج 2، س 574 و توضيح المسائل، مسائل مستحدثه ؛ مكارم، استفتائات، ج 1، س 534 و 535 ؛ دفتر: وحيد ؛ صافي، جامع الاحكام، ج 2، س 1580 و 1585 ؛ فاضل، ج 1، س 1737 و 989 ؛ سيستاني، Sistani.org، رقص، ش 2.
260. دفتر: بهجت.
261. مكارم، استفتائات، ج 1، س 821 ؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س 1169 ؛ دفتر: همه مراجع.
262. صافي، جامع الاحكام، ج 2، س 1671 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 1724 ؛ مكارم، استفتائات، ج 2، س 709 و ج 1، س 526 ؛ دفتر: بهجت، امام و وحيد.
263. تبريزي، استفتائات، س 1058 و 1049 و 1075 ؛ سيستاني، Sistani.org، غناء ، ش 6 ؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س 1145 ؛ نوري، استفتائات، ج 1، س 444 و ج 2، س 542 و 544 و 549.
264. امام، استفتائات، ج 3، نظر ، س 64 ؛ تبريزي، استفتائات، س 1058 ؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س 1145 ؛ نوري، استفتائات، ج 2، س 544 و 545 و 549 ؛ سيستاني، Sistani.org، غناء ، س 6 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 1722 و 977 و دفتر: امام، سيستاني و وحيد.
265. مكارم، استفتائات، ج 1، س 522 ؛ صافي، جامع الاحكام، ج 2، س 1674 و 1675 و دفتر: بهجت.
266. فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 2182 ؛ صافي، جامع الاحكام، ج 2، س 1681 ؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س 1145 ؛ نوري، استفتائات، ج 2، س 545 ؛ امام، استفتائات، ج 3، احكام نظر ، 57 و 65 ؛ تبريزي، استفتائات، س 1058 ؛ دفتر: وحيد، بهجت و سيستاني.
267. مكارم، استفتائات، ج 2، س 764 و ج 1، س 785 و دفتر استفتائات.

268. نور 24 ، آیه 31.
269. مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، ص 21.
270. باید توجه داشت که هر چند سال نزول آیات حجاب و پوشش، در کتب تفسیر و تاریخ ثبت نشده است ؛ ولی با توجه به اینکه از يك سو این آیات در سوره های احزاب و نور آمده و سوره احزاب از نظر ترتیب نزول پیش از سوره نور و بعد از سوره آل عمران قرار دارد و از سوی دیگر طبق نقل تفسیر نمونه سوره آل عمران در بین سالهای دوم و سوم نازل گردیده است، می توان به خوبی حدس زد که سوره احزاب در سال های چهارم و پنجم نازل گردیده است. بنابر این آیه حجاب در این سال ها تشریح گردیده است. محتوای این سوره نیز مؤید این مسأله می باشد .
271. نور 24 ، آیه 31 و احزاب (33) ، آیه 59 و 33.
272. نور 24 ، آیه 31 و احزاب (33) ، آیه 59.
273. «صِيَانَةُ الْمَرْأَةِ أَنْعَمَ لِحَالِهَا وَ أَدْوَمُ لِحَمَالِهَا»: مستدرک الوسائل، ج 14، باب 70.
274. احزاب 33 ، آیه 59.
275. امام، استفتائات، ج3، احکام حجاب ، س 27 ؛ سیستانی، Sistani.org، حجاب ، س 5 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج1، س 1708 ؛ مکارم، استفتائات، ج2، س 153 و 1023 ؛ نوری، استفتائات، ج2، س 679 ؛ تبریزی، صراط النجاة، ج 1، س 907 ؛ صافی، جامع الاحکام، ج2، س 1694 و 1729 ؛ خامنه ای، استفتاء، س 618 و 559 و دفتر: وحید و بهجت.
276. توضیح المسائل مراجع، م 2435، وحید، توضیح المسائل، م 2444 ؛ نوری، توضیح المسائل، م 2431.
277. بهجت، توضیح المسائل، م 1937.
278. توضیح المسائل مراجع، م 2435.
279. سیستانی، Sistani.org، حجاب ، س 3 ؛ تبریزی، صراط النجاة، ج 1، س 878 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 1706 ؛ صافی، جامع الاحکام، ج 2، س 1696 ؛ خامنه ای، اجوبة الاستفتائات، س 438 ؛ دفتر: امام، بهجت، نوری، وحید.
280. دفتر: مکارم.
281. تبریزی، صراط النجاة، ج 5، س 1275 و استفتائات، س 1614.
282. مکارم، استفتائات، ج 1، س 834 و تعلیقات علی العروة، النکاح، م 51 ؛ امام، استفتائات، ج 3، احکام حجاب ، س 14 ؛ فاضل، تعلیقات علی العروة، ج 2، النکاح، م 51 ؛ تبریزی، استفتائات، س 1591 و صراط النجاة، ج 1، س 1487 ؛ خامنه ای، استفتاء، س 551 و دفتر: سیستانی.
283. نوری، استفتائات، ج 1، س 483.
284. دفتر: وحید.
285. صافی، جامع الاحکام، ج 2، س 1722 ؛ بهجت، توضیح المسائل، م 1933 و 1937.
286. مکارم، استفتائات، ج 2، س 1019 ؛ امام، تعلیقات علی العروة، النکاح، م 51 و استفتائات، ج 3، احکام حجاب ، س 30 و 29 ؛ فاضل و نوری، تعلیقات علی العروة، النکاح، م 51 ؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج 3، النکاح، م 18.
287. تبریزی، صراط النجاة، ج 5، س 1262 ؛ وحید، توضیح المسائل، م 2444 ؛ دفتر: بهجت.
288. دفتر: صافی.
289. مکارم، استفتائات، ج 1، س 797 ؛ تبریزی، استفتائات، س 1616 ؛ خامنه ای، استفتاء، س 667 و 621 ؛ نوری، استفتائات، ج 1، س 1033 ؛ دفتر: وحید، صافی، بهجت، امام، فاضل و سیستانی.
290. امام، تعلیقات علی العروة، الستر ، م 1 و استفتائات، ج 3، (احکام حجاب)، س 36 ؛ خامنه ای، استفتاء، س 543 ؛ فاضل، توضیح المسائل، م 796 و جامع المسائل، ج 1، س 1707 ؛ دفتر: صافی، بهجت و وحید.
291. تبریزی، صراط النجاة، ج 1، س 882 و 883 و 884.
292. سیستانی، تعلیقات علی العروة، الستر ، م 1.
293. مکارم، استفتائات، ج 1، س 801 و توضیح المسائل، م 729 ؛ ؛ نوری، استفتائات، ج 2، س 669 و ج 1، س 542.
294. دفتر: امام و استفتائات، ج 3، احکام حجاب ، س 34.
295. صافی، جامع الاحکام، ج 2، س 1683 و دفتر: بهجت و صافی.
296. تبریزی، صراط النجاة، ج 1، س 882 و 883 و ج 5، س 1238.
297. سیستانی، Sistani.org، زینت ؛ مکارم، استفتائات، ج 2، س 1034 و 151 و ج 1، س 802 و نوری، استفتائات، ج 1، س 491 و 542 و 500.
298. خامنه ای، استفتاء، س 477 و 564 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 1707 و دفتر: وحید.

299. امام، استفتائات، ج3، نظر، س52؛ بهجت، توضیح المسائل، م1936؛ مکارم، استفتائات، ج1، س819؛ تبریزی، استفتائات، 1622؛ صافی، جامع الاحکام، ج2، ص1673؛ نوری، استفتائات، ج2، س656؛ فاضل، جامع المسائل، ج1، 1718؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س1145؛ العروة الوثقی، ج2، النکاح م3؛ سیستانی، Sistani.org، اینترنت، س20 و 19؛ دفتر: وحید.
300. خامنه‌ای، استفتاء، س782 و دفتر: همه مراجع.
301. سیستانی، Sistani.org، اینترنت؛ تبریزی، tabrizi.org، اینترنت؛ دفتر: همه مراجع.
302. دفتر: همه مراجع.
303. همه، العروة الوثقی، ج2، النکاح، م49؛ تبریزی، استفتائات، س1592 و 1594؛ خامنه‌ای، استفتاء، س646؛ مکارم، استفتائات، ج1، س813 و 805؛ امام، استفتائات، ج3، وظایف اجتماعی زنان، س19؛ صافی، جامع الاحکام، ج2، س1656 و 1658؛ دفتر: سیستانی، بهجت، وحید، فاضل و نوری.
304. دفتر: همه مراجع.
305. العروة الوثقی، ج2، النکاح، م39 و 41.
306. همان، م31 و 39؛ فاضل، جامع المسائل، ج1، س1720 و خامنه‌ای، استفتاء، س782.
307. صافی، جامع الاحکام، ج2، س1670؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج3، النکاح، م29؛ نوری، مکارم و امام، تعلیقات علی العروة، النکاح، م39؛ دفتر: وحید، تبریزی، بهجت و خامنه‌ای و فاضل.
308. خامنه‌ای، استفتاء، س779 و 651 و دفتر: همه مراجع.
309. توضیح المسائل مراجع، م2445؛ نوری، توضیح المسائل، م2441 و خامنه‌ای، استفتاء، س639 و 627.
310. همان، م2445 و وحید، توضیح المسائل، م2590.
311. توضیح المسائل مراجع، م2445.
312. توضیح المسائل مراجع، م2445.
313. همان، م2445.
314. خامنه‌ای، استفتاء، س645 و 1586؛ مکارم، استفتائات، ج1، س1665؛ نوری، استفتائات، ج1، س1031؛ تبریزی، صراط النجاة، ج2، س1152؛ العروة الوثقی، ج2، النکاح، م47؛ دفتر: وحید، بهجت، فاضل، سیستانی و صافی.
315. خامنه‌ای، استفتاء، س515 و 479؛ تبریزی، استفتائات، س1606؛ نوری، استفتائات، ج2، س655؛ مکارم، استفتائات، ج1، س818؛ صافی، جامع الاحکام، ج2، س1660؛ فاضل، جامع المسائل، ج1، س1717؛ بهجت، توضیح المسائل، م1934؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج2، النکاح، م16؛ امام، تحریر الوسیله، ج2، النکاح، م20؛ دفتر: وحید.
316. خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س1196؛ سیستانی، Sistani.org، متفرقات، س7؛ دفتر: همه مراجع.
317. امام، استفتائات، ج3، سوالات متفرقه، س127؛ دفتر: همه مراجع.
318. نور 24، آیه 30.
319. همان، آیه 31.
320. «النَّظْرُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامٍ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ وَ كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً»: بحار، ج40/101.
321. از نظر برخی مراجع آیات عظام بهجت و مکارم شیرازی.
322. جاهایی که به طور معمول نمی‌پوشانند مانند موها، گردن و دست‌ها.
323. به جز جاهایی که به طور معمول می‌پوشانند.
324. با استفاده از منابعی که در عنوان «نگاه خواستگاری» آمده است.
325. مکارم، تعلیقات علی العروة، م26، و استفتائات، ج1، س816؛ فاضل، تعلیقات علی العروة، ج2، النکاح، م26؛ صافی، هدایة العباد، ج2، النکاح، م28؛ امام، تحریر الوسیله، ج2، النکاح، م28؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج2، النکاح، م28؛ تبریزی، صراط النجاة، ج6، م948؛ دفتر: وحید.
326. توضیح المسائل، مراجع، م2433؛ العروة الوثقی، ج2، النکاح، م26؛ وحید، توضیح المسائل، م2442؛ نوری، توضیح المسائل، م2429 و خامنه‌ای، استفتاء، س1402.
327. امام، تحریر الوسیله، ج2، النکاح، م28؛ فاضل، تعلیقات علی العروة، ج2، النکاح، م26 و خامنه‌ای، استفتاء، س525.
328. مکارم، تعلیقات علی العروة، النکاح، م26؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج2، النکاح، م28؛ تبریزی، استفتائات، س1580؛ النکاح، م28؛ بهجت، توضیح المسائل، م1944.

329. صافى، هداية العباد، ج 2.
330. نورى، تعليقات على العروة، النكاح، م 26.
331. ر.ك: امام، استفتائات، ج3، احكام حجاب، س27؛ سيستاني، Sistani.org، حجاب، س5؛ فاضل، جامع المسائل، ج1، س1708؛ مكارم، استفتائات، ج2، س153 و 1023؛ نورى، استفتائات، ج2، س679؛ تبريزى، صراط النجاة، ج1، س907؛ صافى، جامع الاحكام، ج2، س1694 و 1729؛ خامنه‌اى، استفتاء، س618 و 559؛ العروة الوثقى، ج1، م16 و دفتر: وحيد و بهجت.
332. مكارم، استفتائات، ج1، س799؛ تبريزى، صراط النجاة، ج5، س1274؛ دفتر: همه مراجع.
333. توضيح المسائل مراجع، م2433؛ نورى، توضيح المسائل، م2429؛ وحيد، توضيح المسائل، م2442؛ دفتر: خامنه‌اى.
334. صافى، توضيح المسائل مراجع، م2433، جامع الاحكام، ج2، س1700 و هداية العباد، ج2، النكاح م18.
335. توضيح المسائل مراجع، م2433، 2436؛ نورى، توضيح المسائل، م2429 و 2432؛ العروة الوثقى، ج1 السترم 2 و (احكام التخلّى) م8؛ وحيد، توضيح المسائل، م2442 و 2445 و خامنه‌اى، استفتاء، س481.
336. صافى، جامع الاحكام، ج2، س1712، امام، استفتائات، ج3، نظر، س6 و 39 و خامنه‌اى، استفتاء، س487.
337. بهجت، توضيح المسائل، م1933.
338. مكارم، استفتائات، ج2، م1043؛ تبريزى، استفتائات، س1591؛ وحيد، توضيح المسائل، م2442؛ دفتر: فاضل و سيستاني.
339. امام، توضيح المسائل مراجع، م2433 و تحرير الوسيله، ج2، النكاح، م25؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج3، النكاح م23.
340. توضيح المسائل مراجع، م2433.
341. توضيح المسائل مراجع، م2433؛ تبريزى، التعليقه على منهاج الصالحين، م1232، و صراط النجاة، ج1، س892؛ دفتر: وحيد.
342. همان، م2433؛ نورى، توضيح المسائل، م2429.
343. تبريزى، صراط النجاة، ج1، س889؛ دفتر: همه مراجع.
344. دفتر: سيستاني.
345. نورى، توضيح المسائل م2435؛ امام، سيستاني، وحيد، مكارم، توضيح المسائل مراجع، م2439؛ وحيد، توضيح المسائل، م2448؛ تبريزى؛ صراط النجاة، ج2، س1158.
346. فاضل، جامع المسائل، ج1، س1728 و 1732 و دفتر: بهجت.
347. صافى، توضيح المسائل، م2448 و خامنه‌اى، استفتاء، س1427 و 483.
348. خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س1194 و 1206؛ فاضل، جامع المسائل، ج1، س1726 و 1727؛ بهجت، توضيح المسائل، مترقه، م2، مكارم، استفتائات، ج1، س775 و 772؛ نورى، استفتائات، ج1، س450 و 452؛ امام، استفتائات، ج3، (نظر)، س15 و 19؛ سيستاني، Sistani.org، فيلم، س8؛ تبريزى، استفتائات، س1081 و 1603؛ صافى، جامع الاحكام، ج2، س1708 و 1719؛ دفتر: وحيد.
349. خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س1203؛ صافى، جامع الاحكام، ج2، س1329؛ نورى، استفتائات، ج2، س554؛ سيستاني، Sistani.org، فيلم، س3؛ دفتر: وحيد، بهجت، امام، فاضل، مكارم.
350. تبريزى، صراط النجاة، ج5، س1129 و ج1، س894 و 895.
351. خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س1192؛ تبريزى، صراط النجاة، ج5، س1129؛ سيستاني، Sistani.org، تصوير، س4؛ دفتر: همه مراجع.
352. خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س1187؛ صافى، جامع الاحكام، ج2، س1717 و 1605؛ فاضل، جامع المسائل، ج1، س1729 و 1731؛ مكارم، استفتائات، ج1، س778 و 782؛ دفتر: امام، بهجت، وحيد و نورى.
353. تبريزى، استفتائات، س1603 و 1605 و صراط النجاة، ج5، س1129.
354. سيستاني، Sistani.org، فيلم، س4.
355. امام، تعليقات على العروة، احكام التخلّى، م2؛ مكارم، استفتائات، ج2، س1033 و تعليقات على العروة، (احكام التخلّى)، م2؛ صافى، جامع الاحكام، ج2، س1707؛ نورى، التعليقات على العروة، (احكام التخلّى)، م2؛ دفتر: بهجت؛ سيستاني، تعليقات على العروة، (احكام التخلّى)، م2 و Sistani.org، تصوير، س1 و 2؛ تبريزى، صراط النجاة، ج3، س778؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س1314؛ فاضل، جامع المسائل، ج1، س1731 و

- تعلیقات علی العروة، ج 1، (احکام التخلی)، م 2؛ دفتر: وحید.
356. خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س 1201؛ دفتر: امام، فاضل، مکارم.
357. دفتر: بهجت، صافی، وحید.
358. دفتر: سیستانی.
359. امام، استفتائات، ج 3، نظر، س 25؛ وحید، توضیح المسائل، م 2448؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س 1182؛ نوری، استفتائات، ج 1، س 458؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 1732؛ تبریزی، استفتائات، س 1588، صافی، جامع الاحکام، ج 2، س 1719، و توضیح المسائل مراجع، م 2439؛ بهجت، توضیح المسائل، (متفرقه)، م 2؛ مکارم، استفتائات، ج 2، س 1044؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، النکاح، م 23.
360. مکارم، استفتائات، ج 1، س 798 و 838؛ امام، استفتائات، ج 3، احکام حجاب، س 15؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 1732 و 1730؛ دفتر: بهجت، وحید، خامنه‌ای، صافی، سیستانی، تبریزی و نوری.
361. امام، استفتائات، ج 3، س 6 و 39؛ وحید، توضیح المسائل، م 2442؛ مکارم، تعلیقات علی العروة، النکاح م 51؛ نوری، توضیح المسائل، م 2442؛ خامنه‌ای، استفتاء، س 482 و دفتر: فاضل.
362. بهجت، توضیح المسائل، م 1933 و دفتر استفتائات.
363. دفتر: سیستانی و تبریزی.
364. نوری، استفتائات، ج 1، س 458؛ امام، استفتائات، ج 3، نظر، س 12 و دفتر: سیستانی، وحید.
365. صافی، جامع الاحکام، ج 2، س 1607 و 1622؛ بهجت، توضیح المسائل، متفرقه، م 2 و دفتر: مکارم.
366. صراط النجاة، ج 2، س 897 و ج 1، س 1487.
367. اجوبه الاستفتائات، س 1189.
368. نور 24، آیه 32.
369. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ما بُنِيَ بِنَاءً فِي الْأَسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ التَّزْوِيجِ»؛ «هیچ بنایی در اسلام محبوب‌تر از ازدواج نزد خداوند بنا نشده است»؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 3.
370. «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ»؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 5.
371. البته برخی از مراجع تقلید آیات عظام: مکارم، وحید و تبریزی معتقدند: اگر مدت عقد موقت از عمر طبیعی زن و شوهر یا یکی از آن دو بیشتر باشد، احتیاط واجب آن است که احکام عقد دائم را بر آن جاری سازند و آیه الله سیستانی می‌فرماید: این عقد موقت باطل است و به عقد دائم تبدیل نمی‌شود. ر.ک: سیستانی، وحید و تبریزی، منهاج الصالحین، فی عقد المتعة و مکارم، استفتائات، ج 2، س 1008.
372. تبریزی، استفتائات، س 1656؛ دفتر: همه مراجع.
373. امام، استفتائات، ج 3، احکام ازدواج، س 9؛ تبریزی، صراط النجاة، ج 5، س 513؛ دفتر: همه مراجع.
374. فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 970 و 97؛ نوری، استفتائات، ج 2، س 532؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س 447؛ امام، استفتائات، ج 2، کسب‌های حرام، س 14 و 13؛ صافی، هدایه العباد، ج 1، س 1689؛ تبریزی، منهاج الصالحین، (المکاسب المحرمه)، م 8؛ بهجت، وسیله النجاة، ج 1، م 1441 و 1442.
375. توضیح المسائل مراجع، م 832؛ نوری، توضیح المسائل، م 833؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س 444؛ وحید، توضیح المسائل، م 838.
376. تبریزی، استفتائات، س 2194؛ نوری، استفتائات، ج 2، س 517؛ امام، استفتائات، ج 1، لباس نمازگزار، س 52؛ سیستانی، Sistani.org، (زینت)، س 2؛ صافی، جامع الاحکام، ج 2، س 1737؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س 443؛ مکارم، استفتائات، ج 1، س 811؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 969؛ دفتر: بهجت، وحید.
377. مکارم، استفتائات، ج 1، س 811؛ تبریزی، استفتائات، س 2193؛ امام، استفتائات، ج 1، س 50؛ لباس نمازگزار؛ سیستانی، Sistani.org، زینت، س 33؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 969؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س 443؛ صافی، جامع الاحکام، ج 2، س 1739؛ دفتر: وحید، بهجت، نوری.
378. تبریزی، صراط النجاة، ج 5، س 521؛ دفتر: همه مراجع.
379. مکارم، استفتائات، ج 2، س 1095 و دفتر: همه مراجع.
380. مکارم، استفتائات، ج 2، س 1012؛ نوری، استفتائات، ج 2، س 634؛ وحید، منهاج الصالحین، ج 3، عقد المتعة و م 1375 و 1376؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج 3، م 233 و 92؛ تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، عقد المتعة و م 1375 و 1376؛ امام، تحریر الوسیله، ج 2، النکاح المنقطع، م 5 و النسب، م 2؛ صافی، هدایه العباد، ج 2، النکاح المنقطع، م 5 و النسب، م 2 و دفتر: خامنه‌ای، بهجت و فاضل.
381. امام، بهجت، صافی و نوری، توضیح المسائل مراجع، احکام نکاح؛ فاضل و جامع المسائل، ج 1، س 1544 و

- نوری، توضیح المسائل، احکام نکاح.
382. سیستانی، توضیح المسائل مراجع، احکام نکاح.
383. مکارم، استفتائات، ج 2، س 1008 ؛ وحید، منهاج الصالحین، ج 3، عقداً المتعه ؛ و تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، عقداً المتعه.
384. خامنه‌ای، استفتاء، س 40 ؛ وحید، منهاج الصالحین، ج 3، 1311 ؛ تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، م 1311 ؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج 3، م 249 ؛ امام، تحریر الوسيلة، ج 2، النکاح المنقطع، م 11 ؛ صافی، هداية العباد، ج 2، النکاح المنقطع، م 11 ؛ نوری، استفتائات، ج 2، س 694 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 2، س 1255 ؛ دفتر: بهجت و مکارم.
385. توضیح المسائل مراجع، م 2370 ؛ وحید، توضیح المسائل، م 2434 و خامنه‌ای، استفتاء، س 40.
386. بهجت، توضیح المسائل مراجع، م 2370.
387. توضیح المسائل مراجع، م 2370 ؛ نوری، توضیح المسائل، م 2366.
388. توضیح المسائل مراجع، م 2371 ؛ نوری، توضیح المسائل، م 2367 و وحید، توضیح المسائل، م 2435.
389. سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، م 36 و 37 ؛ توضیح المسائل مراجع، م 2372 ؛ وحید، توضیح المسائل، م 2436 ؛ نوری، توضیح المسائل، م 2368.
390. بهجت، توضیح المسائل، م 1884.
391. توضیح المسائل مراجع، م 2370 ؛ وحید، توضیح المسائل، م 2434 ؛ نوری، توضیح المسائل، م 2366.
392. بهجت، توضیح المسائل مراجع، م 2370.
393. توضیح المسائل مراجع، م 2370.
394. توضیح المسائل مراجع، م 2368 ؛ نوری، توضیح المسائل، م 2364 و وحید، توضیح المسائل، م 2432 ؛ دفتر: خامنه‌ای.
395. دفتر: همه مراجع.
396. دفتر: همه مراجع.
397. توضیح المسائل مراجع، م 2367 ؛ نوری، توضیح المسائل، م 2363 ؛ وحید، توضیح المسائل، م 2431 ؛ دفتر: خامنه‌ای.
398. توضیح المسائل مراجع، م 2370 ؛ وحید، توضیح المسائل، م 2434 ؛ نوری، توضیح المسائل، م 2366 ؛ صافی، جامع الاحکام، ج 2، س 1267 و 1268 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 1444 و 1445 ؛ خامنه‌ای، استفتاء، 70.
399. امام، نوری، و فاضل، تعليقات على العروة، باب العقد و احكامه، م 10 مکارم، استفتائات، ج 2، س 898 ؛ تبریزی، صراط النجاة، ج 1، س 844 ؛ خامنه‌ای، استفتاء، س 30 ؛ صافی، جامع الاحکام، ج 2، م 1258 ؛ دفتر: وحید، بهجت و سیستانی.
400. تبریزی، صراط النجاة، ج 1، س 1479 ؛ صافی، جامع الاحکام، ج 2، س 1249 ؛ امام، نوری، فاضل و مکارم، التعليقات على العروة، باب العقد و احكامه، م 1 ؛ دفتر: سیستانی، بهجت، وحید و خامنه‌ای.
401. وحید، منهاج الصالحین، ج 3، 1229 ؛ بهجت، توضیح المسائل، م 1887 ؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، النکاح، م 3 ؛ تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، م 1229 ؛ امام، نوری، مکارم و فاضل، التعليقة على العروة، النکاح، م 5، صافی، هداية العباد، ج 2، النکاح، م 5 ؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س 22.
402. امام، استفتائات، ج 3، اولياء العقد، س 4 و 27 ؛ تبریزی، استفتائات، ص 1547 و 1512 و 1556 ؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، النکاح، م 70 ؛ مکارم، تعليقات على العروة، اولياء العقد، م 2 ؛ دفتر: نوری.
403. بهجت، توضیح المسائل، م 1891 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 1438 و تعليقات على العروة، ج 2، النکاح، فصل في اولياء العقد، م 1.
404. خامنه‌ای، استفتاء، س 798 ؛ وحید، منهاج الصالحین، ج 3، م 1237 و دفتر: صافی.
405. امام، تعليقات على العروة، اولياء العقد، م 1 و استفتائات، ج 3، اولياء العقد، س 3 ؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، اولياء العقد، م 69 ؛ مکارم و فاضل، تعليقات على العروة، اولياء العقد، م 1 ؛ بهجت، توضیح المسائل، م 1891 ؛ صافی، هداية العباد، ج 2، اولياء العقد، م 2، تبریزی، استفتائات، س 1511 و منهاج الصالحین، ج 2، م 1237 ؛ وحید، منهاج الصالحین، ج 3، م 1237 ؛ نوری، استفتائات، ج 1، س 627 و توضیح المسائل، م 2372.
406. خامنه‌ای، استفتاء، س 86 ؛ امام، استفتائات، ج 3، اولياء عقد، س 10 ؛ سیستانی، Sistani.org، عقد موقت، ش 16 ؛ منهاج الصالحین، کتاب النکاح، اولياء العقد، م 67 ؛ صافی، جامع الاحکام، ج 2، س 1311 ؛ مکارم،

استفتائات، ج 1، س 761 ؛ تبریزی، استفتائات، س 1479 ؛ فاضل و بهجت، توضیح المسائل مراجع، م 385 ؛ دفتر: نوری.

407. امام، استفتائات، ج 3، اولیاء العقد، س 3 ؛ سیستانی، تعلیقات علی العروة، التقليد م 55 و توضیح المسائل مراجع، م 2376 ؛ تبریزی، صراط النجاة، ج 1، س 1467 و منهاج الصالحین، ج 2، م 1237 ؛ مکارم، استفتائات، ج 1، س 694 و تعلیقات علی العروة، التقليد، م 55 ؛ فاضل، تعلیقات علی العروة، التقليد، م 55 و توضیح المسائل مراجع، م 2376 ؛ بهجت، توضیح المسائل، م 1891 و وسیله النجاة، ج 1، م 35 ؛ صافی، هداية العباد، ج 1، التقليد، م 36 و توضیح المسائل مراجع، م 2376 ؛ دفتر: وحید ؛ نوری، تعلیقات علی العروة التقليد، م 55.

408. تبریزی، استفتائات، س 1457 و صراط النجاة، ج 1، س 826 ؛ سیستانی، Sistani.org، موقت، س 33 ؛ امام، استفتائات، ج 3، اولیاء العقد، س 19 ؛ خامنه‌ای، استفتاء، س 87 ؛ مکارم، استفتائات، ج 2، س 917 ؛ دفتر: بهجت، فاضل، وحید، صافی و نوری.

409. امام، فاضل، نوری و مکارم، تعلیقات علی العروة، اولیاء العقد، م 2 ؛ وحید، منهاج الصالحین، ج 3، م 1237 ؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، اولیاء العقد، م 70 ؛ تبریزی، منهاج الصالحین، اولیاء العقد، م 1237 ؛ خامنه‌ای، استفتاء، س 84 ؛ بهجت، توضیح المسائل، م 1891 ؛ دفتر: صافی.

410. امام، استفتائات، ج 3، اولیاء العقد، س 27 ؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، النکاح، م 70 ؛ نوری، توضیح المسائل، م 2372 و 2373..

411. خامنه‌ای، استفتاء، س 798 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 1438 ؛ مکارم، تعلیقات علی العروة، اولیاء العقد، م 2، وحید، منهاج الصالحین، ج 3، م 1237 ؛ تبریزی، منهاج الصالحین، اولیاء العقد، م 1237 ؛ بهجت، توضیح المسائل، م 1891 ؛ دفتر: صافی.

412. دفتر: همه مراجع.

413. توضیح المسائل مراجع، م 2376 ؛ تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، م 1237 ؛ وحید، توضیح المسائل، م 2440 و خامنه‌ای، استفتاء، س 55.

414. توضیح المسائل مراجع، م 2376 ؛ مکارم، استفتائات، ج 1، س 765 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 1719 ؛ نوری، توضیح المسائل، م 2372 ؛ وحید، توضیح المسائل، م 2385.

415. نوری، توضیح المسائل، م 2373 ؛ صافی، هداية العباد، ج 2، اولیاء العقد، م 2 ؛ امام، فاضل و مکارم، تعلیقات علی العروة، اولیاء العقد، م 1 ؛ سیستانی، توضیح المسائل مراجع، م 2377 ؛ دفتر: وحید.

416. بهجت، توضیح المسائل مراجع، م 2377 ؛ تبریزی، استفتائات، س 1456 و صراط النجاة، ج 2، س 1130.

417. خامنه‌ای، استفتاء، س 54 ؛ صافی، هداية العباد، ج 2، اولیاء العقد، م 2 و جامع الاحکام، ج 2، س 1260.

418. امام، استفتائات، ج 3، اولیاء العقد، س 19 و دفتر: همه مراجع.

419. امام، استفتائات، ج 3، احکام ازدواج، س 55 ؛ مکارم، استفتائات، ج 2، س 907 ؛ خامنه‌ای، استفتاء، س 7 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 1533 ؛ نوری، استفتائات، ج 2، س 637 و توضیح المسائل، م 2534 ؛ دفتر: بهجت.

420. سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، م 333 ؛ تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، م 1395 ؛ صافی، جامع الاحکام، م 2، 1255.

421. وحید، منهاج الصالحین، ج 3، م 1359.

422. امام، تحریر الوسيلة، ج 2، النکاح المنقطع، م 18 ؛ خامنه‌ای، استفتاء، س 164 ؛ صافی، هداية العباد، ج 2، النکاح المنقطع، م 18.

423. نوری و فاضل، تعلیقات علی العروة، ج 2، النکاح، فصل 4 م 17 ؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، النکاح، م 261 ؛ وحید، منهاج الصالحین، ج 3، م 1303 ؛ مکارم، استفتائات، ج 2، س 927 و تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، م 1303.

424. امام، نوری، مکارم و فاضل، العروه الوثقی، ج 2 م 7 ؛ وحید، منهاج الصالحین، ج 3، م 1298 ؛ تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، م 298 ؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، م 2 ؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س 20 ؛ صافی، هداية العباد، ج 2، م 4 ؛ دفتر: بهجت و خامنه‌ای.

425. سیستانی، منهاج الصالحین، ج 2، م 215 ؛ مکارم، استفتائات، ج 1، س 708 ؛ امام، تحریر الوسيلة، ج 2، القول فی الکفر، م 8 ؛ صافی، هداية العباد، ج 2، القول فی الکفر، م 8 ؛ نوری، استفتائات، ج 1، م 668 ؛ دفتر: فاضل.

426. وحید، منهاج الصالحین، ج 3، م 1298 ؛ تبریزی، منهاج الصالحین، ج 2، م 1298 و دفتر: بهجت.

427. العروة الوثقی، ج 2 النکاح، فصل 11، السابعة و الثامنة.

428. امام، نوری و مکارم، تعليقات على العروة، النكاح، فصل 4، م 21 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 1456 ؛ صافي، جامع الاحكام، ج 2، س 1370 و 1388 ؛ دفتر: سيستاني، بهجت، وحيد و خامنه‌اي.
429. منهاج الصالحين، ج 2، م 1259 و توضيح المسائل، م 2414.
430. امام و بهجت، توضيح المسائل مراجع، م 2405 ؛ نوري، توضيح المسائل، م 2401.
431. مكارم، تيريزي و صافي، توضيح المسائل مراجع، م 2405 ؛ فاضل، توضيح المسائل مراجع، م 2405 و جامع المسائل، ج 1 س 1455 و 1456.
432. سيستاني، توضيح المسائل مراجع، م 2405 ؛ وحيد، توضيح المسائل، م 6924.
433. توضيح المسائل مراجع، م 2401 ؛ وحيد، توضيح المسائل، م 2465 ؛ نوري، توضيح المسائل، م 2367 ؛ امام، تحرير الوسيلة، ج 2، النكاح في العده، م 1 ؛ صافي، هداية العباد، ج 2 النكاح في العده، م 1 ؛ خامنه‌اي، استفتاء، س 122.
434. وحيد، منهاج الصالحين، ج 3، م 1349 ؛ تيريزي، منهاج الصالحين، ج 2، م 1349 ؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج 3، م 285 ؛ امام، تحرير الوسيلة، ج 2، العيوب، م 16 ؛ صافي، هداية العباد، ج 2، العيوب، م 17 ؛ دفتر: بهجت، خامنه‌اي، فاضل، مكارم و نوري.
435. توضيح المسائل مراجع، م 2446 ؛ نوري، توضيح المسائل، م 2442 ؛ وحيد، توضيح المسائل، م 2510 ؛ دفتر: خامنه‌اي.
436. دفتر: همه مراجع.
437. تيريزي، استفتائات، س 1631 ؛ امام، استفتائات، ج 3، احكام مهریه، س 31 ؛ مكارم، استفتائات، ج 1، 732 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 2، س 1284 ؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج 2، م 287 ؛ نوري، استفتائات، ج 2، س 628 ؛ صافي، هداية العباد، ج 2، فصل في المهر، م 1 و دفتر: خامنه‌اي، بهجت، وحيد.
438. روم 30، آيه 21.
439. «مَنْ اتَّخَذَ الْمَرْأَةَ فُلُكْرُمَهَا»: وسائل الشيعه، ج 5، باب 3.
440. «جِهَاد الْمَرْءِ حُسْنُ النَّبْعِلِ»: فروع كافي، ج 5، ص 9.
441. فاضل، جامع المسائل، ج 2، س 1313 ؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج 3، م 428 و دفتر: همه مراجع.
442. امام، استفتائات، ج 3، احكام نفقه، س 15 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 1693، و ج 2، س 1310 و 1311 ؛ مكارم، استفتائات، ج 1، س 846 ؛ تيريزي، منهاج الصالحين، ج 2، النفقات ؛ وحيد، منهاج الصالحين، ج 3، النفقات ؛ صافي، هداية العباد، ج 2، النفقات، م 8 ؛ بهجت، توضيح المسائل، م 1897 ؛ نوري، توضيح المسائل، م 2408 ؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج 3، م 420 ؛ دفتر: خامنه‌اي.
443. توضيح المسائل مراجع، م 2416.
444. همان، م 2416 و نوري، توضيح المسائل، م 2412.
445. وحيد، توضيح المسائل، م 2480.
446. امام، تحرير الوسيله، ج 2، النفقات، 19 ؛ صافي، هداية العباد، ج 2، م 19 ؛ تيريزي، منهاج الصالحين، ج 2، م 1418 ؛ وحيد، منهاج الصالحين، ج 3، م 1418 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 2، س 1310 ؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج 3، م 433 و دفتر: خامنه‌اي، نوري، مكارم و بهجت.
447. صافي، جامع الاحكام، ج 2، س 1333 ؛ امام، استفتائات، ج 3، احكام نفقه، س 14 ؛ نوري، استفتائات، ج 2، س 662 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 2، س 1312 ؛ مكارم، استفتائات، ج 2، س 1051 و ج 1، س 839 ؛ دفتر: بهجت و خامنه‌اي.
448. تيريزي، منهاج الصالحين، ج 2، م 1399 و وحيد، منهاج الصالحين، ج 3، م 1399.
449. سيستاني، منهاج الصالحين، ج 3، م 415.
450. خامنه‌اي، استفتاء، س 30 ؛ فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 1687 و دفتر: همه مراجع.
451. توضيح المسائل مراجع، م 2451 ؛ نوري، توضيح المسائل، م 2447 ؛ وحيد، توضيح المسائل، م 2515 ؛ دفتر: خامنه‌اي.
452. توضيح المسائل مراجع، م 2277 ؛ نوري، توضيح المسائل، م 2271 ؛ وحيد، توضيح المسائل، م 2329 ؛ دفتر: خامنه‌اي.
453. توضيح المسائل مراجع، م 2412 ؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج 2، م 337 و 338. وحيد، منهاج الصالحين، ج 3، م 1407 و نوري، استفتائات، ج 2، س 675.
454. تيريزي، منهاج الصالحين، ج 2، م 1407 و مكارم، استفتائات، ج 2، س 964.

